

بسم الله الرحمن الرحيم

رشد

(تربیت و تعالی دینی و انقلابی)

نمایندگی ولی فقیه در سپاه
معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی



نماینده ولی فقیه
معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی

رشد (تربیت و تعالی دینی و انقلابی)

تهیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
نویسندگان: عبدالله ابراهیمزاده آملی، علی اصغر الهامی نیا
حروفچینی و صفحه آرایی: پژوهشکده تحقیقات اسلامی
ناشر: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
چاپ: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۱۰۰۰۰۰
تاریخ چاپ: اسفند ۸۹

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۷ | پیشگفتار..... |
| ۱۰ | محاسبه نفس ((خودارزیابی)..... |
| ۱۲ | درس اول : نقش و ضرورت حسابرسی..... |
| ۱۲ | اهداف درس..... |
| ۱۲ | مفهوم شناسی محاسبه نفس:..... |
| ۱۳ | نقش حسابرسی :..... |
| ۱۵ | ضرورت محاسبه نفس..... |
| ۱۷ | سؤالات درس اول..... |
| ۱۸ | درس دوم : ملاک ها و معیاری های محاسبه نفس..... |
| ۱۸ | اهداف درس..... |
| ۱۹ | ۱. حق الله..... |
| ۲۰ | ۲. حق الناس..... |
| ۲۲ | شایستگی های پاسداری..... |
| ۲۴ | سؤالات درس دوم:..... |
| ۲۵ | درس سوم : فرایند محاسبه..... |
| ۲۵ | اهداف درس..... |
| ۲۵ | ۱. مشارطه..... |
| ۲۶ | ۲. مراقبه..... |
| ۲۷ | ۳. محاسبه..... |
| ۲۸ | ۴. معاتبه..... |
| ۲۹ | ۵. معاقبه..... |
| ۳۰ | سؤالات درس سوم..... |

| | |
|----|--|
| ۳۱ | درس چهارم : کارکردهای محاسبه نفس |
| ۳۱ | اهداف درس |
| ۳۵ | سؤالات درس چهارم |
| ۳۶ | درس پنجم : دستورالعمل محاسبه نفس |
| ۳۶ | اهداف درس |
| ۳۲ | ۱. استمداد از خدا |
| ۳۷ | ۲. حساب واجبات؛ |
| ۳۷ | ۳. حساب گناهان؛ |
| ۳۸ | ۴. حساب حق الناس؛ |
| ۳۸ | ۵. نگاشتن حسابها؛ |
| ۳۹ | ۶. دستورالعمل جامع؛ |
| ۳۹ | چند پرسش |
| ۴۱ | خانواده و عوامل تربیت اسلامی |
| ۴۱ | درس اول : خانواده، کانون پرورش انسانهای شایسته |
| ۴۱ | تربیت دینی |
| ۴۳ | ضرورت و اهمیت تربیت دینی |
| ۴۴ | دیدگاه اسلام راجع به فرزند |
| ۴۵ | - مسئولیت والدین |
| ۴۶ | کودکان نمونه |
| ۴۸ | درس دوم : عوامل مؤثر در تربیت دینی |
| ۴۸ | ۱. وراثت |
| ۵۱ | ۲. محیط |
| ۵۲ | ۳. تغذیه |
| ۵۳ | ۴. سختیها و شداید |

| | |
|----|--|
| ۵۴ | اراده |
| ۵۷ | درس سوم : راهکارهای مؤثر در تربیت دینی (۱) |
| ۵۷ | ۱- روش الگویی |
| ۵۹ | ۲- روش گفتاری |
| ۵۹ | ۳- روش امر به معروف و نهی از منکر |
| ۶۱ | ۴- روش موعظه |
| ۶۱ | ۵- روش محبت |
| ۶۴ | درس چهارم : راهکارهای مؤثر در تربیت دینی (۲) |
| ۶۴ | - احترام به فرزندان |
| ۷۰ | درس پنجم : آسیبهای تربیت دینی |
| ۷۰ | ۱. سهل انگاری خانواده‌ها |
| ۷۱ | ۲. دوگانگی رفتار با گفتار |
| ۷۲ | ۳. افراط و تفریط در محبت |
| ۷۴ | ۴. اجبار و اکراه |
| ۷۵ | ۵. خشونت و سخت‌گیری بیجا |
| ۷۶ | ۶. تبعیض و بی‌عدالتی |
| ۷۶ | ۷. آسیبهای اجتماعی |
| ۷۹ | مهدویت و تقید به الزامات انتظار فرج |
| ۷۹ | درس اول: آثار مثبت و سازنده انتظار |
| ۸۵ | درس دوم : مهدویت و تقید به الزامات انتظار فرج |
| ۸۵ | مفهوم مهدویت |
| ۸۷ | مفهوم تقید به الزامات انتظار فرج |
| ۹۱ | پرسش |
| ۹۲ | درس سوم: تقویت و حمایت همه‌جانبه از ولایت فقیه |

| | |
|-----|--|
| ۹۲ | ولایت فقیه؛ استمرار ولایت ائمه (علیهم السلام) |
| ۹۴ | التزام عملی به ولایت فقیه |
| ۹۸ | پرسش |
| ۹۹ | درس چهارم : تقویت قابلیت‌های فردی و سازمانی برای زمینه‌سازی ظهور |
| ۹۹ | زمینه‌سازی ظهور |
| ۱۰۳ | (ب) تقویت قابلیت‌های سازمانی |
| ۱۰۶ | پرسش |
| ۱۰۷ | درس پنجم : بررسی آسیب‌ها و پاسخ به شبهات مهم |
| ۱۰۷ | آسیب‌شناسی اندیشه مهدویت |
| ۱۰۹ | پاسخ به برخی پرسش‌ها و شبهات مهم |
| ۱۱۵ | تفاوت دوستداران امام غائب و منتظران امام قائم |
| ۱۱۷ | پرسش |
| ۱۱۸ | فهرست منابع : |

پیشگفتار

تعلیم و تربیت دینی و انقلابی کارکنان سپاه در جهت تقویت و ارتقای معرفت، ایمان و توانمندسازی و توسعه دانش و بینش آنان رسالتی است بس بزرگ که بر عهده معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نهاده شده است. تحقق عمده این مأموریت خطیر در پرتو نظام آموزش کارآمد و بالنده امکان پذیر می شود تا زمینه ارتقای روحی و معنوی و تقویت دانش، بینش و منش اسلامی کارکنان سپاه را فراهم آورد و پاسدارانی مومن، بصیر، شجاع و آگاه تربیت کند که از ایمان و معنویت، معرفت دینی و بصیرت انقلابی لازم برخوردار باشد.

چنانکه مقام معظم رهبری فرموده اند:

"مسئله آموزش در همه جا مهم است ولی در سپاه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اگر در سپاه پاسداران آموزشهای قوی در مسایل عقیدتی سیاسی وجود نداشته باشد دیگر سپاه را به عنوان بازوی توانای انقلاب اسلامی نمی توان مطرح ساخت حرکت سپاه یک حرکت مستمر است و اگر قرار باشد این حرکت باقی بماند افراد سپاه باید آموزش دیده باشند و کسانی که این مهم را به عهده دارند شما هستید".

در نظام جدید تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه گرچه به امر خطیر آموزش و تقویت دانش عقیدتی سیاسی کارکنان توجه کافی مبذول شده است اما رویکرد اصلی آن تربیت محوری و معنویت

افزایی بوده و سرفصلهای آموزشی آن نیز بر این اساس تنظیم می شود. یکی از دوره های مهم آموزشی که در نظام جدید مورد توجه قرار گرفته **دوره تربیت و تعالی** است.

دوره های تربیت و تعالی دوره هایی آموزشی - تربیتی هستند که براساس نظام تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی به صورت مستمر و ضمن خدمت کارکنان به منظور تکمیل و تقویت آموزه های اعتقادی و سیاسی، اصلاح رفتار و ارتقای منش اسلامی آنان به صورت سالانه اجرا می گردد. این دوره ها تعمیق نگر و کاربرد نگر می باشند و محتوای آنها عمدتاً تثبیت و تقویت مباحث بنیادی و به روزسازی آنها و همچنین ایمان افزایی و معنویت گرایی می باشد.

در سال ۱۳۹۰ دروس و سرفصل های آموزشی و تربیتی خاصی متناسب با "شایستگی های پاسداران" برای اجرا در دوره های تربیت و تعالی پیش بینی شده است که امید می رود اساتید گرامی با محور قرار دادن و تبیین شایستگی ها نقش مؤثری برای تثبیت آنها در کارکنان سپاه ایفا نمایند.

کتاب حاضر بخشی از دوره های تربیت و تعالی است که با عنوان "رشد تربیت و تعالی دینی و انقلابی" ارائه می گردد و شامل سه موضوع محاسبه نفس، خانواده و عوامل تربیت اسلامی، **مهدویت و تقید به الزامات انتظار فرج** می باشد.

مسئولیت تهیه و تدوین متون آموزشی مورد نیاز نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عهده پژوهشکده تحقیقات اسلامی است. این متون در گروههای تحقیقاتی پژوهشکده تدوین و پس از طی مراحل اعتبار بخشی محتوایی و شکلی به تایید شخص نماینده ولی فقیه در سپاه و یا نماینده ایشان می رسد.

پیشنهادها و تجربیات مربیان ارجمند و متریان گرامی در رفع کاستی های متون آموزشی راهگشا خواهد بود.

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سپاه

محاسبه نفس

(خودارزیابی)

محاسبه نفس ((خودارزیابی))

به جای مقدمه:

محاسبه نفس یعنی حساب کشیدن از خود با هدف تسلط بر خود و حرکت در مسیری وجهتی که موجب رضای الهی است. از روش های موثر تربیتی است که امروزه به عنوان خود تربیتی و خود ارزیابی از آن نام می برند. در قدیم نیز علمای اخلاق و مربیان، همواره دستور محاسبه نفس می دادند و راه و روش های مناسب طی دستورالعمل های دقیق به طالبان توصیه می کردند.

یکی از بزرگترین علمای اخلاق اسلامی می گوید: " بزرگان و گذشتگان صالح ما را عقیده بر آن بود که هر کس اهل محاسبه نفس نیست، یا اصلاً به جهان دیگر ایمان ندارد و یا آنکه عقل سلیم ندارد والا چگونه می شود کسی ایمان و اعتقاد داشته باشد به اصلی که قرآن می گوید اگر به وزن ذره ای انسان عمل نیک یا عمل بد داشته باشد در آن جهان آن عمل را می بیند و به آن ملحق می شود و در عین حال بی حساب کالای عمل را پیش بفرستد و نفهمد چه کرده و چه می کند؟ " پس ما اگر از نظر شرع و دین به این دستور بنگریم می بینیم که عمل مراقبت و محاسبه نفس اختصاص به اشخاص معین و طبقه معین ندارد و اگر هم تنها از نظر عقل بنگریم باز می بینیم چنین است یعنی می بینیم وظیفه محاسبه نفس یک وظیفه عمومی است.

اساساً عمل حساب کشیدن از خود قبل از آنکه یک وظیفه شرعی و دینی باشد یک وظیفه عقلانی و همگانی است. عالی ترین مظهر عقل و تربیت صحیح، خطایابی از خویشتن است، یعنی انسان بتواند در دریای ژرف افکار و اندیشه ها و تمایلات و افعال و اقوال خود فرو برود و خطاهای خود را بیابد و انگشت روی آنها بگذارد و آنها را از خود دور کند. از بشر انتظار اینکه خطا نکند خطاست. بشر جایز الخطاست، از بشر باید انتظار داشت که خطاهای خود را تکرار نکند و با عبرت گرفتن از خطاهای خود به عنوان پلی برای گذر از راه های پر پیچ و خم و رسیدن به مسیر صلاح و رستگاری استفاده کند.

اکنون که مجموعه سپاه برخوردار از پاسداران جان برکف برای جهاد و میادین مبارزه است ،
ایجاب می کند عناصر خود را همواره در میدان مجاهده و جهاد اکبر مهیا و آماده نماید ؛ تا بتواند
رسالت خود یعنی پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن را به نحو شایسته انجام دهد. ان شاءالله

درس اول : نقش و ضرورت حسابرسی

اهداف درس

از فراگیر انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. با مفهوم محاسبه نفس آشنا می‌شود.
۲. به ضرورت محاسبه نفس در زندگی پی ببرد.
۳. نقش محاسبه نفس در ایفای نقش پاسداری را درک و تبیین کند.

مفهوم شناسی محاسبه نفس:

محاسبه از روشهای اساسی تربیتی است که بدان توصیه فراوان شده است. محاسبه از «حسب» در لغت به معنای اشراف و اطلاع به قصد آزمودن است که در فارسی از آن به «رسیدگی» تعبیر می‌شود.

محاسبه، حساب رسی و بازنگری نسبت به گذشته و متعهد نسبت به آینده است که باید هفت مورد در آن مراعات گردد: ۱. تقدیر و اندازه گیری؛ ۲. اصل مسئولیت پذیری؛ ۳. اصل بقای عمل؛ ۴. اصل ثبت اعمال؛ ۵. اصل حساب رسی و بازخواست؛ ۶. اصل مجازات و بازتاب عمل؛ ۷. اصل توبه و جبران. که قرآن کریم نیز این مراحل را بیان کرده است.

مرحوم نراقی در جامع السعادات می‌فرماید: محاسبه عبارت است از این که انسان در هر شبانه روز یک وقتی را معین کند که به حساب نفس خویش برسد که چه اعمالی را انجام داده و طاعتها و گناهانش را موازنه و سنجش نماید و نفس خویش را سرزنش کند اگر در طاعت الهی تقصیر نموده یا مرتکب معصیت شده، و شکر نماید خداوند را اگر واجبات را انجام داده و معصیتی از او صادر نشده و شکر زیادتری نماید اگر موفق به بعضی اعمال خیر و مستحبی شده است و مراقبه آن است که همیشه ملاحظه کند ظاهر و باطن خود را تا این که اقدام به معاصی نکند و واجبات از او ترک نشود تا این که در موقع محاسبه ملامت و ندامت متوجه او نشود.

نقش حسابرسی :

همه پدیده‌های جهان هستی از کیهان و کهکشان گرفته تا مولکول و اتم، از حساب و کتابی دقیق برخوردارند؛ چنان که خداوند می‌فرماید:

وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ (حجر: ۲۱)

و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم.

انسان نیز از این گردونه جدا نیست و عمر و روزی و شادی و غم و بهروزی و نگون‌بختی‌اش با فرمول‌های خاصی، تعریف شده است و آنچه که انسان در عرصه زندگی به دست می‌آورد یا از کف می‌دهد، بر اساس همان فرمول‌ها تبیین می‌شود؛ چنان که اگر به اندازه خردلی نیکی یا بدی کند، پاداش یا کیفرش را خواهد دید؛

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ

خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (انبیاء: ۴۷)

و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهییم، پس هیچ کس در چیزی ستم نمی‌بیند و اگر [عمل] هموزن خردلی باشد آن را می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم.^۱ زندگی آدمی و نیک‌بختی یا بدبختی او بستگی به کارهای خوب و بدش دارد و به تعبیر قرآن:

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (مدثر: ۳۸)

هر کس در گرو دستاورد خویش است.

«از جمله ویژگی‌هایی که خداوند متعال به انسان عطا کرده، این است که می‌تواند بر اعمال خود نظارت و مراقبت داشته باشد. این یکی از مسائلی است که بسیاری از فیلسوفان جهان در آن متحیر مانده‌اند. این واقعیت که انسان موجودی است که می‌تواند افزون بر تأثیرگذاری در رفتار و کردار دیگران، خود را نیز ارزیابی کرده، تشویق کند، تنبیه نماید، توبیخ کند و...، از الطاف خداوند است.

^۱ نکته جالب در آیه این است که خداوند با آنکه یگانه است واژه «حاسبین» - را - که جمع است - به کار برد و مفهومی این است که افزون بر خدا، فرشتگان و دیگر عواملی که در هستی نقش دارند نیز حسابگران دقیقی هستند که در کار خود هیچ سهل‌انگاری نمی‌کنند و داده‌ها و یافته‌هایشان حساب شده و ظریف است و اشتباه و خطا در آن راه ندارد.

مسأله خود ارزیابی ارتباطی تنگاتنگ با اعتقاد و ایمان دارد؛ هر چه ایمان به خدا و رستاخیز در افراد قوی تر باشد، محاسبه نفس، نقش پررنگ‌تری در تربیت دینی او می‌یابد؛ زیرا شریعت آسمانی و مبانی اعتقادی آن آدمی را به حسابرسی از خویش و آمادگی برای پاسخگویی روز جزا ترغیب می‌کند و بر عکس، کافران و کسانی که ایمان ضعیف دارند، با دور ماندن از حقیقت توحید و معاد و بیگانگی با دین، از خود ارزیابی نیز غفلت کرده، گرفتار زیانی سخت می‌شوند، قرآن مجید درباره آنان می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (ص: ۲۶)

کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند، به [سزای] آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت.

به این ترتیب مراقبت از نفس و عملکرد آن در پرتو خداپاوری و معادپاوری، زمینه رشد می‌یابد.^۱ اما نکته دقیق بحث این است که باور به روز قیامت زمانی در شخص مستقر می‌شود که اندیشه حسابرسی آن روز موجب تکاپوی او در حسابرسی از نفس گردد که حاسبوا انفسکم قبل آن تحاسبوا. اما اگر غرور و خودباوری کاذب در او مانع از توجه به این مفهوم شود، در زمره زیان‌کاران خواهد بود؛ چنان‌که قرآن کریم داستان دو برادر را در سوره کهف (آیه ۳۲ تا ۴۴) نقل می‌کند که یکی از آن دو بی‌بند و بار بود و در اموالش حساب و کتابی نداشت، برادر دیگر هر قدر به او سفارش می‌کرد که مراقب اعمال و کردار خود باشد می‌گفت: «تصور نمی‌کنم رستاخیز بر پا شود و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شدم نزد او موقعیت خوبی خواهم داشت.»^۲

قرآن با نقل این داستان نشان می‌دهد که رکن اساسی اعتقاد به معاد، باور داشتن به حسابرسی دقیق در قیامت و دریافت پاداش و کیفر براساس آن است. ظهور اعمال در آن روز به چنان درجه‌ای می‌رسد که خداوند حساب‌کشی از اعمال هر کس را به خود او واگذار می‌کند و می‌فرماید:

اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (اسراء: ۱۴)

نامه عملت را بخوان، کافی است که امروز، خودت حسابرس خود باشی.

^۱ . پندهای امام صادق به رهجویان صادق، آیه‌الله مصباح، ص ۲۴ - ۲۵.

^۲ . کهف، آیه ۳۶.

ضرورت محاسبه نفس

قرآن مجید به مؤمنان فرمان می‌دهد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ
بِمَا تَعْمَلُونَ (حشر: ۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و هر کسی باید بنگرد که برای فردا از پیش، چه فرستاده است، و از خدا پروا کنید که در حقیقت، خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

پیام آیه، عام و فراگیر است و مؤمن باید بدون وقفه به کارها و رفتار خود رسیدگی کند. امیر مؤمنان علی(ع) از پیامبر اکرم(ص) چنین نقل می‌کند:

رسول خدا صلی الله علیه وآله در ضرورت محاسبه نفس فرمود:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَزِنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا وَتَجَهَّزُوا لِلْعَرَضِ
الْأَكْبَرِ.^۱

پیش از آنکه به حسابتان برسند، خود را ارزیابی کنید و در میزان قرار دهید و برای حسابرسی بزرگتری آماده شوید.

پیامبر می‌داند که شیطان و نفس وسوسه‌گر از یک سو و عوامل و آسیب‌های آشکار و نهان از سوی دیگر، مؤمن را به وادی غفلت می‌کشاند و از اندیشیدن در فرجام خویش باز می‌دارد از این رو چون فرماندهی دلسوز و هشیار آماده باش می‌دهد «تجهزوا». مسلمان در همه عمر و در همه عرصه‌های زندگی باید آماده باشد و به سود و زیان خویش رسیدگی کند تا ورشکسته نشود. این کار از ایمان و زیرکی مؤمن سرچشمه می‌گیرد و دست کم باید در شبانه‌روز یک بار انجام شود. امام صادق علیه‌السلام به عبدالله پسر جندب فرمود:

۱. بحار الانوار، جلد ۶۷، صفحه ۷۳.

يَا ابْنَ جُنْدَبَ حَقُّ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ يَعْرِفُنَا أَنْ يُعْرِضَ عَمَلَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ عَلَيَّ
نَفْسِهِ فَيَكُونَ مُحَاسِبَ نَفْسِهِ فَإِنْ رَأَى حَسَنَةً اسْتَزَادَ مِنْهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً اسْتَغْفَرَ
مِنْهَا لئَلَّا يُخْزَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱

ای پسر جندب! بر هر مسلمانی که ما را می‌شناسد لازم است که در هر شب و روز، عملش را بر خود عرضه کند و حسابگر خویش باشد؛ پس اگر عمل خوبی یافت بر آن بیفزاید و اگر عمل بدی یافت از آن استغفار نماید تا در رستخیز خوار نگردد.

در حدیث شریف به دو نکته اساسی تصریح شده است:

نخست اینکه ضرورت محاسبه را بر اساس شناخت اهل بیت علیهم‌السلام پی نهاده که نشانگر اصالت و درستی آن و هماهنگی با اولیای الهی و شریعتمداران حقیقی - یعنی امامان معصوم علیهم‌السلام است.

دوم اینکه غفلت از خود ارزیابی، فرجامی بس خطرناک دارد و آن، خواری و زبونی در رستخیز است.

شهیدان گرانقدر راه خدا بر این نکته آگاهی کامل داشتند.

سردار شهید قجه‌ای هر روز کارهای خود را بررسی می‌کرد و از نفس خویش حساب می‌کشید. به محض اینکه بحثی پیش می‌آمد فوراً آن را داخل دفترش می‌نوشت و شب آنها را بررسی می‌کرد و در روزهای بعد سعی می‌کرد میزان حسناتش را بالا ببرد. مروری بر دفتر زیبای این شهید خالی از لطف نیست:

- چهارشنبه، نماز بدون وقت: ظهر چون سرپرست نگهبانی بودم نتوانستم سر وقت نماز بخوانم.

- دوشنبه: با مادرم... ناراحتی کردم و بعد از یکی دو ساعت معذرت خواستم و با پسر برادرم هم تند صحبت کردم. باید سعی کنم تکرار نشود.

- شنبه: به هیچ وجه کار فکری پیش نیامد و دلیل آن این است که نظم، در کارم نبود.

^۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۷۹.

- پنج‌شنبه: بیهوده‌گویی: طی روز چند مورد تقریباً سخنان کوتاه و بیهوده‌ای به زبان آوردم.

- شنبه: امروز ورزش نکردم، دلیلش هم تنبلی است!
به راستی اگر دفتر دل ما نیز همانند دفتر این شهید به حساب‌رسی نفس پردازد جایی برای غفلت باقی خواهد ماند؟!

می‌توان گفت، خود ارزیابی از ویژگی‌های خواص شیعه و نزدیکان به اهل بیت علیهم‌السلام است؛ چنان‌که امام موسی بن جعفر علیهما‌السلام به هشام بن حکم فرمود:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ^۱

از [خاصان] ما نیست کسی که روزانه به حساب خود رسیدگی نکند.

دلیل آن نیز روشن است؛ هر کس هیچ‌گاه به حساب خود رسیدگی نکند یا مدتی طولانی آن را مهمل بگذارد، فرصت‌ها را از دست می‌دهد و چه بسا از داده‌ها یا داشته‌های خود غفلت ورزد [به‌طور مثال از یاد ببرد که مستطیع است و باید حج گذارد یا روزه و نمازش قضا شده و باید آن را به جا آورد یا نذر کرده و هنگام ادایش رسیده است و... بدین‌گونه چنان می‌شود که] امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود: مَنْ لَمْ يَسُسْ نَفْسَهُ أَضَاعَهَا^۲ هر کس، خود را سیاست نکند، آن را تباه خواهد کرد.

سوالات درس اول

۱. ضرورت و اهمیت محاسبه نفس را در زندگی توضیح دهید.
۲. محاسبه نفس چه تأثیراتی بر زندگی دنیوی و اخروی انسان دارد؟
۳. بیشترین عاملی که در زندگی کنونی موجب بی‌اهمیتی محاسبه می‌شود؛ چیست؟

^۱. شرح غررالحکم، ج ۷، ص ۳۸۹.

^۲. شرح غررالحکم.

درس دوم : ملاک ها و معیاری های محاسبه نفس

اهداف درس

از فراگیر انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس:

۱. با موارد حسابرسی در زندگی خویش آشنا شود.
۲. به دقیق بودن دستگاه حسابرسی الهی باور داشته باشد.
۳. به حقوقی که نسبت به خداوند متعال و مردم دارد، متذکر گردد.
۴. نسبت به نقش پاسداری ، واقف گردد.
۲. بطور اجمالی با ملاک ها و شاخص های حسابرسی آشنا شود.

نظام حسابرسی الهی بسیار دقیق و هشیار است و کمترین عمل خوب یا بد را فروگذار نخواهد

کرد؛

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ
خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (انبیاء: ۴۷)

و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهییم، پس هیچ کس در چیزی ستم نمی‌بیند و اگر
[عمل] هموزن دانه خردلی باشد، آن را می‌آوریم و کافی است که ما حسابگر باشیم.

افزون بر اعمال و کردار حتی اندیشه آدمیان نیز به حساب کشیده می‌شود؛

وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُهَا يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ (بقره: ۲۸۴)

و اگر آنچه در دل‌های خویش دارید آشکار یا نهان کنید، خداوند، حساب آن را از شما
می‌کشد.

بر این اساس، آدمی در برابر همه حرکات و سکنات و تفکرات خویش مسئول است و به همین

دلیل نیز باید به همه کارهای خود رسیدگی کند و خویشتن را در برابر همه چیز بازخواست نماید.

امام صادق علیه‌السلام ضمن سفارش به محاسبه فرمود:

فَإِنَّ فِي الْقِيَامَةِ خَمْسِينَ مَوْقِفًا كُلُّ مَوْقِفٍ مِثْلُ أَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ.

در رستاخیز، پنجاه توقفگاه است که هر یک بسان هزار سال شمارش شما به درازا می‌کشد.

سپس این آیه را تلاوت کرد:^۱

فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (معارج: ۴)

در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است.

طولانی شدن توقف در ایستگاه‌های قیامت به سبب رسیدگی دقیق به کارهای ریز و درشت آدمیان است و البته که ایستادن همگان در محل بازرسی قیامت یکسان نخواهد بود؛ کسانی که در این دنیا به حساب خود رسیدگی کرده و به اصطلاح با خدا و مردم تصفیه حساب نموده‌اند، در آنجا زیاد معطل نمی‌شوند و نام زیبای «سریع الحساب» از آنان دستگیری می‌کند ولی کسانی که پرونده‌ای سیاه دارند و در این سرا به حساب خود رسیدگی نکرده‌اند، ممکن است تا پنجاه هزار سال در آن مکان‌ها توقف کنند. امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه «ان ربك لبالمرصاد»؛ پروردگارت، سخت در کمین‌گاه است (فجر: ۱۴)، فرمود:

مرصاد شانه صراط است و اگر کسی حق دیگران را نپردازد، از آن عبور نمی‌کند.^۲

حقوقی که بر عهده انسان است به دو قسم تقسیم می‌شود؛ حق الله و حق الناس.

۱. حق الله

حقوق الهی به دو نوع ایجابی و سلبی قابل تقسیم است؛ واجبات و مستحبات، حقوق ایجابی و حرام و مکروه، حقوق سلبی محسوب می‌شوند. کارهای مستحب و مکروه اختیاری است و مؤمن هر چه بیشتر مستحبات را انجام دهد و از مکروهات بپرهیزد، درجات کمال را بهتر می‌پیماید و در آخرت نیز از پاداش و الا برخوردار می‌شود ولی اگر کارهای مستحب را ترک یا مکروهات را به جا

^۱. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۲۶.

^۲. مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، ص ۴۸۷.

آورد، بازخواست نخواهد شد. اما واجبات و محرمات الهی باید به طور دقیق مد نظر قرار گیرد؛ زیرا در برابر همه آنها باید پاسخگو بود.

۲. حق الناس

قرآن مجید پیرامون حقوق مردم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ. (نساء: ۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید.

حقوق مردم بر دو گونه است: مادی و معنوی گاه حقوق معنوی مانند جان و آبرو بسیار مهم‌تر از حقوق مادی است و اسلام همه آنها را محترم شمرده است. پیامبر اکرم (ص) در آخرین سخنرانی خود در حجة الوداع فرمود:

إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ... إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَهُ فَيَسْأَلُكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُمْ.^۱

بی‌گمان، خون‌ها و اموال شما بر یکدیگر حرام است تا روزی که خدا را ملاقات کنید و در برابر کارهایتان بازخواست شوید.

اهمیت حق الناس تا آنجاست که خداوند آن را مقدم بر حقوق خود قرار داده است و تا مردم حقوق همدیگر را نپزدانند، خداوند از آنان خشنود نمی‌شود. امیر مؤمنان علیه‌السلام در این مورد فرمود:

جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًّا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ.^۲

خدای سبحان، حقوق بندگانش را مقدمه حقوق خود قرار داده است؛ هر کس به [رعایت] حقوق بندگان او قیام کند، چنین کاری به رعایت حقوق الهی می‌انجامد.

^۱. وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۱۰.

^۲. شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۳۷۰.

پیرمردی از طایفه «نخ» سالیانی والی حکومت اموی بود، روزی خدمت امام باقر علیه‌السلام رسید و پرسید: آیا راه توبه برای من باز است؟ امام پاسخ نداد. برای بار دوم سؤال کرد، حضرت در پاسخ فرمود:

لَا، حَتَّى تُؤَدِّيَ إِلَى كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ^۱.

نه! تا آنکه حق هر صاحب حقی را به او بپردازی.

در رستاخیز نیز اگر حق الناس برعهده کسی باشد، وارد بهشت نمی‌شود. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

هر کس مؤمنی را از حقش بازدارد، خداوند در قیامت، پانصد سال او را سر پا نگه دارد و در این مدت عرق او جاری شود، سپس جارچی از سوی خدا اعلام می‌کند: «این ستمگری است که حق خدا را ادا نکرده است» آنگاه مدت چهل سال دیگر توبیح می‌شود و در نهایت به دوزخ می‌رود.^۲

یکی از دام‌های گسترده شیطان برای مؤمنین، دام زبان است. زبان حرب‌های است که هم می‌تواند جلوه رحمانی کند و جز حکمت نگوید و هم می‌تواند جلوه شیطانی کند و واگویه‌های تلخ آن گناهانی مانند دروغ، تهمت، تمسخر، فحاشی، غیبت و... باشد. زبان، یکی از محل‌های طمع شیطان است. حساب‌رسی، تنها راه چاره و نقطه رهایی از دسیسه‌های شیطان است؛ ریشه فتنه را باید یافت و با تیشه ایمان قطعش کرد. رهیافت شخصی که به فکر نجات خویش از کمند نفس افتاده و به دنبال طیّ مسیر کمال برآمده است، محاسبه نفس و مراقبت از عملکرد آن است. نتیجه اینکه مؤمن باید روز و شب در اندیشه حق الله و حق الناس باشد؛ نخست آنکه هیچ حقی را از خدا و مردم نادیده نگیرد و خرد و کلان حقوق را به موقع بپردازد و دیگر آنکه اگر بر اثر نادانی یا ندانم‌کاری حقی را از کسی پایمال نمود پس از آگاهی بی‌درنگ به جبران آن بپردازد؛ به درگاه خدا توبه کند و خویشتن را در همین دنیا محاکمه نماید و پیش از آنکه دستش از اقدام کوتاه شود، به چاره‌اندیشی قیام کند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۲.

۲. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۷.

شایستگی های پاسداری

شایستگی های پاسداری ظرفیت ها و توانایی یک پاسدار در به کارگیری مجموعه ای از قابلیت ها توانمندیها و صفات برجسته، متکی بر معنویت دینی برای انجام موفقیت آمیز و ایفای نقش برتر خود در سپاه و پاسداری از انقلاب اسلامی است.

به عبارت دیگر پاسدار با رشد شایستگی های پاسداری که مبتنی بر ارزش های اسلامی و انقلابی است در اجرای مأموریت اصلی سپاه که دفاع از انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن می باشد موفق تر خواهد بود، یعنی به همان میزان که شایستگی ها در پاسداران در سطوح ممتازی باشد موفقیت سازمان نیز ، تضمین می شود.

خاستگاه اصلی شایستگی های پاسداری به عنوان محور اصلی نظامات بویژه نظام های سرمایه انسانی در تحول و تعالی سپاه اندازه گیری توان و ظرفیت پاسداران در جهت انجام موفق تکالیف و مسئولیت ها در راستای انقلاب اسلامی می باشد.

روشن است در اندازه گیری شایستگی ها ، به هر مقدار صفات و ویژگی های کیفی تر باشند ارزیابی بیرونی آن به مراتب سخت تر و اشراف افراد بر حد و اندازه آن شاخص ها در وجود خود بیشتر و دقیق تر خواهد بود و اراده و اختیار فرد تأثیری اساسی در ارتقاء و بهبود آن ویژگی ها دارد. با توجه به مطالعات صورت گرفته برخی از آن ویژگی ها که به عنوان محاسبه فرد نسبت به خود می تواند مبنای عمل و ارزیابی قرار گیرد عبارتند از:

▪ ایمان و عبودیت:

- ۱- انجام واجبات
- ۲- آشنایی و انس با قرآن
- ۳- انجام مستحبات عبادی
- ۴- معرفت به معاد و یاد مرگ بودن

۵- خداشناسی و خداپابوری

۶- نظم و آراستگی

۷- صبر

▪ **تقوا و پرهیزگاری:**

۱. صداقت در گفتار و کردار

۲. رعایت بیت المال

۳. اجتناب از غیبت و تهمت

۴. رعایت مسائل شرعی در کسب درآمد حلال

۵. محاسبه نفس

▪ **فضایل اخلاقی:**

۱- حسن خلق و رعایت ادب

۲- پرهیز از تملق

۳- نداشتن حب جاه و مقام

۴- وفای به عهد

۵- عزت نفس

۶- رعایت اخلاق خانوادگی

▪ **نجابت خانوادگی:**

۱- رعایت حجاب و ظواهر اسلامی خانواده

▪ **پرهیز از تجملات و دنیاگرایی:**

۱- ساده زیستی

۲- قناعت

▪ **اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه:**

۱- تولی و تبری

۲- تقید به الزامات انتظار فرج

۳- تبعیت ، نصرت و دفاع از ولی فقیه

▪ بصیرت و عمل انقلابی:

۱- دوست شناسی و دشمن شناسی

۲- جریان شناسی احزاب سیاسی و گروه ها و تأثیر ناپذیری از آنها

۳- شناخت انقلاب اسلامی و پاسداری از آن

۴- پاسداری و عمل انقلابی

▪ روحیه جهادی و عاشورایی:

۱. سخت کوشی

۲. تکلیف محوری

۳. ایثار و شهادت طلبی

۴. ظلم ستیزی و دفاع از حق

۵. شجاعت و خطر پذیری

این ویژگی ها و نمودهای عینی و ملاک های قابل اندازه گیری و امتیازات قابل قبول در طرح شایستگی های پاسداری ، معیاری برای شناخت پاسداران نسبت به نقش پاسداری و حسابرسی خود به حساب می آید.

مناسب است سنجه های برگرفته از کتاب شایستگی ها پاسداری که مبنای ارزشیابی در سپاه است در این درس بطور کلی و اجمالی تبیین شود. (فرم خود ارزیابی و ثبت نتایج آن به ضمیمه ارائه شده است.)

سوالات درس دوم:

۱. راههای تقویت اعتقاد به حسابرسی الهی چیست؟

۲. حقوقی که خداوند متعال و مردم به انسان دارند، نام ببرید.

۳. راههای تقویت نقش پاسداری چیست؟

۴. چگونه می توان اعمال خود را متناسب با شایستگی ها حسابرسی کرد؟

درس سوم : فرایند محاسبه

اهداف درس

از فراگیر انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس:

۱. با آثار و کارکردهای محاسبه نفس آشنا شود.
۲. برای محاسبه نفس خود انگیزه پیدا کند.
۳. پس از محاسبه نفس و وقوف بر کاستی‌های خود، درصدد جبران گناهان خود برآید.

دانشمندان اخلاقی و خودساخته، فرآیند خویشتن‌سنجی را در پنج مرحله تعریف کرده‌اند:

۱. مشارطه

مشارطه به این معناست که فرد متدین با خود پیمان بندد تا برخلاف دستور خدا و شریعت او هیچ عملی انجام ندهد و در ایفای مسئولیت‌ها کوتاهی نکند؛ در کارهای خیر کوشا شود، از کارهای ناپسند خودداری ورزد، از رذایل اخلاقی همچون حسد، بداخلاقی، بدگمانی، تکبر و... پرهیز نماید، حقوق دیگران را مراعات کند، با انضباط و مؤدب باشد، عملی بر خلاف قانون جامعه اسلامی انجام ندهد، خدمتگزار مردم و میهن باشد، به کسی زیان نرساند و...

همچنین هر بامداد نفس خود را مخاطب قرار داده، به خود بگوید:

تو سرمایه‌ای جز عمر نداری و آن هم به زودی پایان می‌پذیرد و اگر از آن بهره‌برداری نکنی، خسران خواهی دید.^۱

امیر مؤمنان علیه‌السلام فرموده است:

إِنَّ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يَعْمَلَانِ فِيكَ فَاعْمَلْ فِيهِمَا وَ يَأْخُذَانِ مِنْكَ فَخُذْ مِنْهُمَا.^۲

^۱. ر. ک. به: رساله لقاء الله، میرزا جواد ملکی تبریزی.

^۲. غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۵۱.

شب و روز در تو عمل می‌کنند تو نیز در آنها کاری بکن و آنها بخشی از - عمر - تو را می‌ستانند، تو نیز از آنها چیزی بستان.

۲. مراقبه

مراقبه یعنی مؤمن در طول روز مراقب نفس خویش و اعمالش باشد تا از آنچه با خود عهد کرده، تخطی نکند.^۱ شایسته آن است که مؤمن روز را با نام خدا و توکل بر او آغاز کند و شرایط و محدوده شرعی و قانونی آن را مد نظر داشته باشد و از اندیشه و عمل و فعالیت‌های فکری و عملی خویش به گونه‌ای مراقبت کند که خدا می‌پسندد. به طور مثال؛ هر کاری را با «بسم الله» آغاز کند، بکوشد همیشه با وضو باشد، رو به قبله بنشیند، رو به قبله وضو بگیرد، از کارها و مجالس بیهوده دوری کند، لهو و لعب و کارهای بی حاصل را از برنامه روزانه خود خارج سازد و... با هر کنش و واکنشی خدا و خواست او را مد نظر قرار دهد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

طُوبَى لِمَنْ رَاقَبَ رَبَّهُ وَ خَافَ ذَنْبَهُ.^۲

خوشا به حال کسی که پروردگارش را در نظر بگیرد و از گناه خویش بیمناک باشد.

حفظ زبان، قلم و اندیشه از کینه‌توزی، حسادت و عیب‌جویی در این عرصه بسیار مهم است. عیب‌جویی و در پی آن غیبت و تهمت از صفات رذیله‌ای است که فتنه‌انگیز، اختلاف‌زا و مایه تأسف روز قیامت است.

مؤمن باید در همه این عرصه‌ها و در هر گامی که برمی‌دارد مراقب رفتار، گفتار و حتی دل‌مشغولی‌های خویش باشد. چنین رویه‌ای موجب آگاهی‌بخشی شخص نسبت به مصیبت‌هایی است که مبتلا شده و خود از آنها بی‌خبر است؛ علاوه بر آن، مراقبت از نفس مبنای مناسبی را برای توبه و بازگشت به سوی خالق هستی فراهم خواهد کرد.

^۱. با همراهان صادق، ص ۲۷.

^۲. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۲۳۸.

مؤمن پس از مراقبه و آگاهی از گناهی که مرتکب شده است، باید بیندیشد که آنچه را انجام داده است در مقابل پروردگاری مرتکب شده است که بی‌نیاز مطلق است. پس ای مؤمن! تو را چه شده که فراموش کرده‌ای خداوند متعال تو را در همه حال می‌بیند؛ **أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى**. (علق: ۱۴)

گویند هنگامی که زلیخا یوسف را در اتاقی خلوت به دام انداخت و او را به خویش خواند چشمش به بتی افتاد که در آنجا قرار داشت، بی‌درنگ پرده‌ای بر روی آن کشید. یوسف(ع) فرمود: چگونه تو از بتی بی‌درک و شعور شرم می‌کنی ولی از خدای بینا و شنوا پروا نمی‌کنی؟^۱ بدون تردید خداوندی که دوری از گناه را به بنده تکلیف فرموده است، بنده‌اش را در صحنه گناه در برابر شیطان و نفس اماره مدد می‌رساند و او را از آلودگی می‌رهاند همان‌گونه که درباره حضرت یوسف فرمود:

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ. (یوسف: ۲۴)

آن زن آهنگ یوسف کرد و یوسف اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ وی می‌کرد....

۳. محاسبه

گام سوم حساب‌کشی در پایان روز و هنگام خوابیدن است. رسول خدا(ص) فرمود:

لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يُحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ مُحَاسَبَةِ الشَّرِيكِ شَرِيكُهُ.^۲

بنده مؤمن (واقعی) نیست تا اینکه از خود حساب بکشد بیش از آنچه شریکی از شریکش حساب‌کشی می‌کند.

در این مرحله باید همه کارهای خرد و کلان خود به طور دقیق واریسی کند، دخل و خرج مادی و معنوی خود را بسنجد؛ اگر سود برده خدا را سپاس گوید و اگر زیان دیده - به ویژه در کسب

^۱. جامع السعادات، نراقی، ج ۳، ص ۹۶.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۹.

معنویت و کمال - بر حال خود بگرید و بی‌درنگ به اصلاح و جبران آن بکوشد و در برنامه خود بگنجانند.

واقعه مهمی که در این مرحله رخ می‌دهد «تسویف» نفس اماره و شیطان است؛ به این معنا که به او القا می‌کند که خیلی بر خود سخت نگیرد؛ چرا که سالها برای جبران کردن باقی است، امروز نشد فردا، این ماه نشد ماه آینده؛ درحالی که خداوند دستور داده است:

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ... (آل عمران: ۱۳۳)

برای نیل به آمرزش پروردگارتان و بهشت بشتابید.

و امام صادق علیه‌السلام فرمود:

تَأْخِيرُ التَّوْبَةِ اغْتِرَارٌ وَ طَوْلُ التَّسْوِيفِ حَيْرَةٌ^۱

پس انداختن توبه، خودفریبی و امروز و فردا کردن طولانی، سرگردانی است.

این نکته را نیز باید به یاد داشته باشیم که اگر حسابگر خویش نباشیم هنگامی به حساب ما خواهند رسید که دیگر فرصت جبران نخواهیم داشت.

۴. معاتبه

به این معناست که مؤمن نسبت به انجام گناه و سهل‌انگاری در کسب معنویت و بی‌توجهی به انجام وظیفه‌ای که برعهده داشته، خود را ملامت و سرزنش کند و نفس خود را مورد عتاب قرار دهد و گوید: «وای بر تو که مرا به زبونی و نابودی کشاندی، سرمایه‌ام را به هدر دادی، در زمره بدان قرارم دادی، اگر این راه را ادامه دهی در دنیا و آخرت سیاه‌بختم خواهی کرد و...». بدون تردید معاتبه نفس، عنایتی الهی را در پی دارد و خداوند او را بیشتر مدد می‌رساند. امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود:

مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ زَاجِرٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ^۲

هر کس خویشتن را [از بدی] بازدارد، خداوند نیز مراقبی براو می‌گمارد.

^۱. مستدرک الوسائل، نوری، ج ۱۲، ص ۱۲۴.

^۲. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۴۰۴.

اما اگر مؤمن در این سرا خود را مؤاخذه نکند و مورد عتاب قرار ندهد، در برزخ و قیامت مورد عتاب و مؤاخذه قرار می‌گیرد؛ قرآن مجید گفتگوی فرشتگان عذاب و دوزخیان را چنین بازگو می‌کند:

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ
(ملک: ۸ - ۹)

هر بار که گروهی در دوزخ افکنده شوند، نگهبانان آن پرسند: مگر شما را هشداردهنده‌ای نیامد؟ گویند: چرا! هشداردهنده آمده ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم خدا چیزی فرو نفرستاده است.

پس از مشاهده آیات عذاب در قیامت آدمی خویشتن را ملامت می‌کند و حسرت می‌خورد که چرا پیشتر به وضعیت خود رسیدگی نکردم و از بدی‌ها بازنیستادم؛ چنان‌که در قرآن آمده است:

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (زمر: ۵۸)
یا چون عذاب را ببیند، گوید: کاش مرا بازگشتی بود تا از نیکوکاران می‌شدم.

اما دیگر بسیار دیر شده است و حسرت‌ها و ندامت‌ها هیچ ثمری ندارد.

كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا (مؤمنون: ۱۰۰)

(ولی به او می‌گویند) چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید.

۵. معاقبه

به معنای تنبیه خویش برای جبران زیان‌هاست؛ پس از معاتبه و سرزنش زبانی نفس آماره، نوبت به تنبیه عملی او می‌رسد که خطاها و کمبودهای گذشته را جبران کند؛ اگر لقمه حرام خورده، او را گرسنگی دهد یا به روزه وادار کند، اگر نمازش ترک شده، آن را قضا نماید، اگر مال حرام یا شبهه‌ناک به دست آورده، آن را به صاحبش بازگرداند یا مبلغ بیشتری در راه خدا هزینه کند، کمتر بخورد و بیاشامد و کمتر بخوابد و استراحت کند تا نفس تنبیه شود و به راه راست بازآید، البته نباید از محدوده شرعی خارج شود یا به افراط و تفریط گرفتار شود و از حد اعتدال خارج گردد.

این کار نیز به نوبه خود مفید خواهد بود و روند محاسبه را تکمیل می‌کند. امام علی علیه‌السلام فرمود:

مَنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ فِي إِصْلَاحِهَا سَعِدَ.^۱

هر کس خویش را در راه اصلاح نفس به زحمت اندازد خوشبخت می‌شود. اگر مؤمن، خود را در این سرا معاقبه نکند، در برزخ و رستاخیز معاقبه خواهد شد. معاقبه در این دنیا فرجامی خوش و اثری مفید دارد ولی معاقبه آن سرا بسیار دردناک و در دوزخ انجام می‌گیرد که توأم با خواری و زبونی است.

| | |
|-----------------------------------|--|
| از پس مرگ، سرایی که تو بنشین نیست | جز بنایی که عمل‌های تو در وی بناست |
| آن بنا کز عمل خیر، یکی کاخ بلند | وان بنا کز عملی زشت، یکی غار بلاست |
| ترسنت فرصت توفیق به فردا ندهند | باری امروز کن آن توبه که طوق فرداست ^۲ |

سوالات درس سوم

۱. چگونه می‌توان، انگیزه حسابرسی اعمال خود را تقویت کرد؟
۲. با توجه به درس سوم، آثار و کارکردهای محاسبه نفس را بنویسید.
۳. چگونه می‌توان کاستی‌هایی که در زندگی انسان در زمینه محاسبه نفس وجود دارد، جبران کرد؟

^۱. شرح غررالحکم، ص ۲۵۸.

^۲. دیوان شهریار، ج ۵، ص ۳۳۰.

درس چهارم : کارکردهای محاسبه نفس

اهداف درس

از فراگیر انتظار می‌رود که پس از مطالعه این درس:

۱. با آثار توجه به محاسبه نفس آشنا شود.
 ۲. به نتایج دنیوی و اخروی آشنا شود.
 ۳. آثار وضعی محاسبه نفس را واقف گردد.
 ۴. فراگیران آثار و کارکرد سازمانی محاسبه نفس را با تبادل نظر تبیین نمایند.
- قرآن مجید یکی از ویژگی‌های دوزخیان را گردنکشی و بی‌اعتنایی به حساب و کتاب دانسته، می‌فرماید: **إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا** (نساء: ۲۷)
- آنان به [روز] حساب، امید نداشتند.

بی‌اعتنایی به محاسبه نفس و حسابرسی رستاخیز، در نهایت، آدمی را به دوزخ می‌کشاند؛ در حالی که حسابرسی کاری بس سودمند است. امام علی(ع) فرمود:

مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِبْحٌ وَ مَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرٌ^۱

هر کس به حساب خویش برسد، سود کند و هر کس از آن غفلت ورزد، زیان بیند.

برخی از کارکردهای محاسبه بدین قرار است:

۱. وقوف بر کاستی‌ها؛ وقتی انسان به حساب خود رسیدگی کند، اگر عیب و ایرادی در کارهایش باشد، برایش آشکار می‌شود. این مطلب در سخنان گهربار امیر مؤمنان علیه‌السلام چنین آمده است:

مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَ عَلَى عَيْبِهِ^۲

هر کس به حساب خود برسد، بر عیب‌های خویش آگاهی یابد.

^۱. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۱۶۷.

^۲. همان، ص ۳۹۹.

این عیب و کاستی، امکان دارد ظاهری یا باطنی باشد، مربوط به دنیا یا آخرت باشد، فردی یا سازمانی یا اجتماعی یا خانوادگی باشد، خرد یا کلان باشد... به هر حال پس از محاسبه، برای فرد مشخص می‌شود که کجای کار او عیب دارد ولی اگر به ارزیابی خود نپردازد، از چنین دستاوردی محروم خواهد ماند.

۲. اصلاح خویش؛ انسان عاقل، وقتی به عیب خویش آگاه شد، به طور طبیعی نسبت به آن حساس می‌شود و اگر وجدان بیداری داشته باشد تلاش می‌کند آن عیب را از خود دور سازد. امام علی علیه‌السلام فرمود: **تَمَرَّةُ الْمُحَاسَبَةِ صَلاَحُ النَّفْسِ**.^۱ میوه محاسبه، اصلاح خویش است. و همان‌گونه که آدمی با ایستادن روبه‌روی آینه، سر و وضع ظاهری خود را مرتب می‌کند، محاسبه نیز چون آینه این فرصت را به او می‌دهد که اعمال و رفتار و اخلاق خویش را سامان دهد؛ اگر بد اخلاق، بد زبان و بد حساب است، اگر اهل گناه خاصی است، و یا به نماز اهتمام نمی‌ورزد، اگر بی‌انضباط است و... همه را اصلاح کند.

۳. کسب کمال؛ کسانی که به اعمال خویش رسیدگی می‌کنند و حساب و کتاب خود را به دست می‌آورند، خواه ناخواه، راه‌های سقوط و صعود را بهتر می‌شناسند و در نتیجه راه کمال را می‌پیمایند و از گمراهی و سقوط می‌رهند. در تاریخ آمده است:

راهزنی به نام «فضیل بن عیاض» شبی برای کار خلاف از دیوار خانه‌ای بالا رفت در آن اثنا شخصی قرآن می‌خواند. صوت حزین قاری قرآن، فضیل را به استماع واداشت تا اینکه قاری این آیه را قرائت کرد:

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ. (حدید: ۱۶)

آیا، هنگام آن نرسیده که مؤمنان دل‌هایشان به یاد خدا نرم شود؟

مضمون این آیه چنان در جان و دل فضیل اثر گذاشت که همان لحظه از دیوار پایین آمد و با خود گفت: بلیّی قد آنّ: آری، زمان توبه رسیده است. فضیل با گفتن این سخن توبه واقعی کرد و به حساب خود رسیدگی نمود و درجات کمال را یکی از پس دیگری پیمود.^۱

^۱. همان، ج ۳، ص ۳۳۴.

۴. خوشبختی؛ سعادت و نیکبختی نیز نتیجهٔ دو کارکرد یاد شده است و بدیهی است آن کس که به کاستی‌هایش آگاه شود و آنها را اصلاح نماید، به نیکبختی نیز نایل خواهد شد. این کارکرد نیز در سخنان گهربار امیر مؤمنان علیه‌السلام منعکس شده است:

مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ سَعِدَ. ۲ هر کس خود را محاسبه کند، خوشبخت خواهد شد.

۵. حساب‌رسی آسان در روز رستاخیز؛ در قرآن مجید سخن از حساب سخت و آسان به میان آمده و در قیامت، عده‌ای به سختی و دقت تمام، مورد محاسبه قرار می‌گیرند که خود این حساب و کتاب، بسیار رنج‌آور و نوعی عذاب است ولی از برخی نیز با ملایمت و احترام، آسان، حساب‌کشی می‌شود؛ **فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا**. (انشقاق: ۷ - ۸) اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود، پس به زودی، به گونه‌ای آسان محاسبه می‌شود.

بدیهی است کسی که در این دنیا به طور مرتب، خویشتن را ارزیابی کند، در واقع به تصفیه حساب خود می‌پردازد؛ اعمال واجب قضا شده را جبران می‌کند، از گناهان توبه می‌نماید، حق الناس را برمی‌گرداند و... چنین کارهایی سبب آسانی محاسبه در رستاخیز می‌شود. ولی اگر اهل محاسبه نباشد، در قیامت، حسابی سخت پیش رو خواهد داشت. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

مَنْ بَهَتْ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً بِمَا لَيْسَ فِيهِ بَعَثَهُ اللَّهُ فِي طِينِهِ خَبَالٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَهُ ۳.

کسی که به مرد یا زن مؤمنی تهمت بزند، (روز قیامت) خداوند او را در گنداب بدن گناهکاران نگه می‌دارد تا از عهدهٔ گفتهٔ خویش برآید.

۶. افزایش خسارت؛ خودارزیابی، سبب می‌شود که مؤمن از گناهان و خطاهای گذشته توبه کرده، به جبران بدیها همت گمارد تا در جرگه توبه‌کنندگان قرار گیرد که محبوب خداوند هستند:

۱. پند تاریخ، موسی خسروی، ج ۴، ص ۲۳۳.

۲. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۱۸۳.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۷.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (بقره: ۲۲۲)

خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد.

و چون پس از محاسبه و توبه، کارهای نیکو انجام می‌دهد، طبق سنت الهی کار نیک، اثر کار زشت را از میان می‌برد؛

إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ (هود: ۱۱۴)

همانا خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برند.

و بالاتر اینکه، محاسبه و توبه واقعی سبب می‌شود مؤمن، مورد عنایت الهی قرار گیرد و به سبب لطف خداوند، حتی سیئات و گناهان او نیز به حسنه تبدیل شدند. به این ترتیب مؤمن توبه کار پاداشی دوسویه دریافت می‌کند؛

مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (فرقان: ۷۰)

هر کس توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، خداوند بدیهایش را به نیکی تبدیل کند و خدا همواره آمرزندهٔ مهربان است.

| | |
|--------------------------------|---|
| چون قیامت پیش حق صف‌ها زده | در حساب و در مناجات آمده |
| ایستاده پیش یزدان اشکریز | بر مثال راست خیز رستخیز |
| حق همی گوید چه آوردی مرا | اندر این مهلت که دادم من تو را |
| عمر خود را در چه پایان برده‌ای | قوت و قوت در چه فانی کرده‌ای |
| گوهر دیده کجا فرسوده‌ای | پنج حس را در کجا پالوده‌ای |
| چشم و گوش و هوش و گوهرهای عرش | خرج کردی چه خریدی تو ز فرش |
| نعمت دادم بگو شکر چه بود | دادمت سرمایه هین! بنمای سود ^{۳۰} |

^{۳۰} مثنوی، معنوی، دفتر سوم، ص ۱۷۱، کلاله خاور.

سوالات درس چهارم

۱. محاسبه نفس چگونه آثار وضعی گناهان را از بین می برد؟.
۲. تأثیر محاسبه نفس درانجام مأموریت های سازمان را بیان نمایند؟

درس پنجم : دستورالعمل محاسبه نفس

اهداف درس

۱. با دستورالعمل و چگونگی محاسبه نفس آشنا شوند.
۲. در پایان روز خود را ملزم به محاسبه کارهای روزانه کنند.
۳. کم کاری های خود را نوشته و آن را جبران کنند.
۴. خدا را هنگام محاسبه مد نظر داشته باشند.

أَكْبَسُ الْكَيْسِينَ مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ.^{۳۱}

زیرکترین زیرکان، کسی است که به حساب خود برسد و برای پس از مرگ، کار کند. در سخنان و کتاب های بزرگان، دستورالعمل های گوناگونی برای محاسبه یافت می شود که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱. استمداد از خدا ؛ قرآن مجید می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (حج: ۱۷)

به درستی که خدا بر همه چیز گواه است.

عالم خودساخته و پرهیزگار، سید بن طاوس در این باره چنین می نگارد:

هنگام محاسبه، با عقل و دل خویش، خدای آگاه به نهان و نیز دو فرشته نگهبان خویش را حاضر و ناظر ببین و چون شریکی که از جزئیات کارهای شریکش آگاه است و اهل سهل انگاری و گذشت نیست، به حساب خود برس. و نیز آگاه باش که اعضا و جوارحت از تو نزد خدا شکایت می کنند که آنها را در مسیری که خدا تعیین کرده به کار نگرفته ای، تو نیز با آنها مقابله به مثل نما و از آنها به درگاه خدا گله کن و با تضرع و زاری بگو:

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (اعراف: ۲۳)

^{۳۱}. التحفة السنية، جزایی، ص ۲۰۰.

پروردگارا ما بر خویشتن ستم کردیم و اگر بر ما نبخشایی و بر ما رحم نکنی، مسلماً از زیانکاران خواهیم بود.

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (انبیاء: ۸۷)

معبودی جز تو نیست، منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. خداوندا من تو را خواندم و به تو امید بستم، اگر بر من روی آورده و توجه نموده‌ای، رحم فرما و دعایم را مستجاب کن و امیدواری‌ام را تصدیق فرما و اگر هنگام گفتگوی من با مقام ارجمند خویش، از من روی گردانیده‌ای، با رحمت بی‌منت‌های خویش بر من رحم آور. ^{۳۲}

۲. حساب واجبات؛ نخستین گام در محاسبه، حسابرسی به واجبات الهی اعم از فردی و

اجتماعی است. دانشمند اخلاق، ملامهدی نراقی در این باره می‌نویسد:

باید نخست حساب واجبات را از نفس کشید؛ زیرا واجبات به منزله سرمایه اصلی آدمی است؛ اگر به خوبی ادا شده سپاسگزار خدا باشد و آمادگی خود را حفظ کند و اگر به جای نیآورده، آنها را قضا کند و اگر با کاستی انجام داده، با انجام مستحبات، آنها را تکمیل کند. ^{۳۳}

۳. حساب گناهان؛ پس از واجبات؛ نوبت حسابرسی از گناهان است. مؤمن باید در پایان هر

روز به افکار و اعمال و روزانه خویش نیک بنگرد و اگر گناهی در آن مشاهده کرد، خویشتن را پس از سرزنش، تنبیه و معاقبه نماید و بسان تاجری که از شریکش حساب می‌کشد، خود را به دادن تاوان ملزم کند. او باید بر نفس خویش سخت بگیرد؛ زیرا نفس بسیار حيله‌گر و شیاد است؛ ^{۳۴} چنان که قرآن می‌فرماید:

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي. (یوسف: ۵۳)

نفس، قطعاً به بدی امر می‌کند مگر کسی را که خدا رحم کند.

^{۳۲}. فلاح الساحل، سید بن طاوس، ص ۲۱۶ - ۲۲۰.

^{۳۳}. جامع السعادات، نراقی، ج ۳، ص ۹۹.

^{۳۴}. ر. ک. به: شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۷۲.

وظیفه واجب و فوری در برابر هر گناه - خواه صغیره باشد خواه کبیره - توبه و اظهار پشیمانی

در درگاه ایزدی است؛ زیرا به تعبیر امیر مؤمنان علی علیه السلام:

الذُّنُوبُ الدَّاءُ وَالذَّوَاءُ الْاِسْتِغْفَارُ وَالشِّفَاءُ اَنْ لَا تَعُوْدَ.^{۳۵}

گناهان، بیماری و طلب آمرزش دواست و درمان، آن است که به گناه بازنگردی.

۴. حساب حق الناس؛ شخصی از امیر مؤمنان علیه السلام پرسید: انسان چگونه به حساب خود

رسیدگی کند؟ آن حضرت(ع) فرمود:

اینکه آدمی در پایان روز به نفس خود بگوید: ای نفس! امروز نیز گذشت و هرگز باز نمی‌گردد اما خدا تو را بازخواست خواهد کرد که آن را در چه کاری گذرانده‌اند؟ آیا خدا را به یاد داشته و ثنایش گفته‌ای؟ آیا نیاز مؤمنی را برآورده‌ای و به فریاد کسی رسیده‌ای؟ آیا پس از غیبت کردن مؤمن جلوگیری نموده‌ای؟ آیا به کمک مسلمانی شتافته‌ای؟ در [مجموع] این روز چه کرده‌ای؟ پس اگر به یاد آورد که نیک عمل کرده، حمد و سپاس خدای گوید بر توفیقی که یافته است و اگر متوجه شد که گناه یا کوتاهی کرده است، از خدا طلب آمرزش کند و درصدد جبران آن برآید و مصمم شود که تکرار نکند.^{۳۶}

۵. نگاشتن حساب‌ها؛ مرحوم ملامهدی نراقی در این باره می‌نویسد:

لازم است بر نفس خویش سخت بگیرد زیرا او بسیار حيله‌گر و شیاد است؛ نخست باید او را در برابر سخنانی که در طول روز بر زبان آورده بازخواست کند. دوم او را در برابر همه کارها و حالات روزانه به حساب بکشد مانند: نگاه کردن، نشست و برخاست، خورد و خوراک، سکوت و خاطرات، اندیشه و اخلاقیات.

اگر نفس از عهده پاسخگویی به همه مطالبات شرعی و عرفی برآمد، حساب آن روز او تصفیه شده است و اگر نتوانست پاسخگو باشد باید در روزهای آینده بدهی‌هایش را

^{۳۵}

^{۳۶}. التحفة السنیة، ص ۲۰۰.

بپردازد. این بدهی‌ها باید در صفحه دل یا کاغذ مکتوب شود تا فراموش نگردد و زمان استیفای آن سپری نشود.^{۳۷}

۶. **دستورالعمل جامع؛** عالمان ربّانی برای خود و رهروان راه سعادت دستورالعمل‌ها و کتاب‌های فراوانی نگاشته‌اند؛ از جمله مرحوم ملامحسن فیض کاشانی، برای محاسبه، دستورالعمل کاملی ارائه داده و تأکید کرده است که مؤمن باید پیوسته بر امور بیست و پنج‌گانه زیر مواظبت کند و حساب آنها را مدّ نظر داشته باشد:

۱. نمازهای روزانه، ۲. نماز جمعه، عید و آیات. ۳. نمازهای نافله ۴. روزه ماه رمضان، ۵. روزه‌های مستحبی ۶. پرداخت (خمس و) زکات. ۷. انفاق و حق معلوم غیر زکات. ۸. حج واجب. ۹. زیارت مرقد مقدس پیامبر و امامان معصوم. ۱۰. ادای حقوق برادران دینی و برآوردن نیاز آنان. ۱۱. جبران آنچه از آنها باقی مانده. ۱۲. زدودن اخلاق ناپسند و آراستگی به اخلاق نیکو. ۱۳. ترک محرمات. ۱۴. ترک شبهات. ۱۵. وارد نشدن در کارهای بیهوده، ۱۶. کم خوردن، کم خفتن، کم گفتن، ۱۷. تلاوت آیاتی از قرآن در روز. ۱۸. ذکر و دعا. ۱۹. هم‌نشینی با علما و پرسش از آنان. ۲۰. خوش‌رفتاری با مردم. ۲۱. راستی در سخن و کردار. ۲۲. توکل بر خدا. ۲۳. صبر بر بی‌وفایی خویشان و بستگان. ۲۴. امر به معروف و نهی از منکر. ۲۵. تقسیم اوقات شبانه‌روز و گفتن ذکر در ساعات آن.^{۳۸}

چند پرسش

۱. رسول خدا زیرک‌ترین افراد را چه کسی معرفی کرده است؟
۲. نکاتی که باید در محاسبه مراعات شود کدام است؟
۳. حسابرسی در محضر خدا را توضیح دهید.

^{۳۷}. جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۰۰.

^{۳۸}. خلاصه از کتاب زاد السالک، ملا محسن فیض کاشانی.

خانواده

و

عوامل تربیت اسلامی

خانواده و عوامل تربیت اسلامی

درس اول : خانواده، کانون پرورش انسانهای شایسته

اهداف درس:

در این درس انتظار می رود که فراگیر:

۱. به اهمیت هرچه بیشتر خانواده در تربیت پی ببرد.
۲. به خانواده و تربیت فرزندان بیشتر همت و وقت بگذارد.
۳. برای انجام وظایف خود در خانواده بیشتر انگیزه از خود نشان دهد.
۴. در زمینه سازی فضای معنوی محیط خانه و خانواده از خود شوق نشان دهد.

تربیت دینی

«تربیت دینی» از دو کلمه «تربیت» و «دین» تشکیل شده است. «تربیت» در لغت به معنای پروراندن یا پرورش آمده است.^{۳۹} این واژه در آیات و احادیث کم‌تر استفاده شده، ولی در مقابل واژه تزکیه و تأدیب بیش‌تر به کار رفته است. تزکیه و تربیت یک معنا دارند؛ زیرا تزکیه نیز مانند تربیت به معنای پرورش است.

برای تربیت تعریفهای متعددی ارائه شده است که در عین تعدد، همگی تربیت را فرآیندی می‌دانند که با استفاده از استعدادهاى فرد تغییراتی در او می‌آفریند. حال اگر عنصری هدفمند به این فرآیند افزوده شود، می‌توان گفت که تربیت عبارت است از: «فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به

^{۳۹}. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، واژه تربیت.

فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعدادهای انسان در جهت مطلوب»^{۴۰}.
واژه «دین» در لغت به معنای آیین، طریقت و شریعت ۴۱ و در اصطلاح عبارت است از مجموعه اصول، قواعد، احکام و دستوراتی که از سوی خداوند به انسان داده شده است. به عبارت دیگر دین، شامل گزاره‌های توصیفی و تجویزی است و سه عنصر اساسی دارد:

الف. شناخت: نخستین عنصر مؤثر در دینداری و تدین، علم به اصول و قواعد ضروری دین است. فرد متدین باید گزاره‌های دینی را از طریق استدلال و برهان عقلی دریافت کند؛ مانند توصیف اینکه «الله آفریننده جهان است» یا «خدا یکی است».

ب. ایمان: عنصر دوم در دین، التزام قلبی انسان به باورها و اصول مسلم دینی است. به کسی که به خداوند اعتقاد قلبی ندارد، متدین نمی‌گویند.

ریشه تمام ارزشهای اخلاقی، ایمان به گزاره‌های دینی است، و ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت است؛ به گونه‌ای که هر چه معرفت کامل‌تر شود، ایمان قوی‌تر می‌گردد. البته علم و شناخت، شرط کافی برای ایمان نیست، بلکه شرط لازم آن است. عنصر اراده و گرایش باطنی به باورهای دینی جزء دیگری از ایمان است.

ج. عمل: عنصر سوم دین، عمل به گزاره‌های تجویزی و احکام دینی است؛ یعنی فرد، باورهای دینی‌اش را در مرحله عمل نیز آشکار سازد.

عملی از نظر اسلام ارزشمند است که ناشی از ایمان راسخ به اصول دین و ارزشهای مذهبی است.^{۴۲}

از آنچه درباره تربیت و دین گفته شد، برمی‌آید که مفهوم «تربیت دینی» در پیوند با سه محور شناخت، ایمان و عمل قابل تحقق است. بنابراین، می‌توان گفت:

تربیت دینی فرآیندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد، هماهنگ با

^{۴۰}. تعلیم و تربیت اسلامی، تربیت معلم، ص ۴.

^{۴۱}. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، واژه دین.

^{۴۲}. مجله معرفت، ش ۲۳، مقاله تربیت دینی خانواده، محمد احسانی.

فطرت و به دور از جبر و فشار، به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد.^۱ براساس این تعریف، مهم‌ترین وظیفه والدین و مربیان تربیتی این است که متربی را در محیط خانواده و مدرسه در سه بُعد شناخت، ایمان و عمل به بایدها و نبایدها پرورش دهند.

ضرورت و اهمیت تربیت دینی

شاید کمتر کسی درباره ضرورت و لزوم تربیت دینی شک کند؛ زیرا با اندکی تفکر روشن می‌شود که سعادت انسان در گرو تربیت دینی است. تربیت دینی می‌تواند ارتباط آفریده با آفریدگار را مستحکم‌تر کند و او را به پذیرش تعهد و قبول مسئولیت وادارد. انگیزه بعثت انبیا نیز در اصل بر همین هدف استوار است.

در اهمیت تربیت دینی همین بس که انگیزه بعثت انبیا در اصل بر همین هدف استوار است و قرآن کریم که کتاب هدایت و انسان‌سازی است در پاره‌ای از آیات به طور صریح به تربیت دینی فرزندان پرداخته، می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ... (تحریم: ۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگها است نگه دارید.

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (زمر: ۱۵)

بگو: زیانکاران واقعی آنان‌اند که سرمایه وجود خویش و خانواده [بستگانشان] را در روز قیامت از دست داده‌اند.

اولیای گرامی اسلام نیز بر تربیت به طور عام و تربیت دینی فرزندان به

طور خاص تأکید و توصیه کرده‌اند. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

فرزندانتان را با سه ویژگی تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او و قرائت قرآن.^۱

۱. همان.

همان حضرت می‌فرماید:

به کودکان خود در هفت سالگی امر کنید که نماز بگذارند. ۲

امام صادق (ع) نیز از پدر بزرگوارش نقل می‌کند که فرمود:

ما [اهل بیت] فرزندانمان را در پنج سالگی به نماز وامی‌داریم، ولی شما فرزندانمان را در هفت

سالگی به نماز وادار سازید. ۳

در حدیثی دیگر می‌فرماید:

پسر بچه هفت سال باید بازی کند، هفت سال نوشتن بیاموزد و هفت سال نیز حلال و حرام را

بیاموزد. ۴

دیدگاه اسلام راجع به فرزند

۱. فرزند زینت زندگی دنیاست: **الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا**. کهف/۴۶

۲. فرزند مایه امتحان انسان است: **إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ**. تغابن/۱۵

۳. بعضی از فرزندان دشمن انسان هستند: **إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ**.

تغابن/۱۴

۴. از هزینه و مخارج فرزند نباید نگران بود: **وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ**

إِيَّاهُمْ. انعام/۱۵۱

۵. به زیادی فرزند نباید افتخار کرد

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا. سبأ/۳۵

۶. فرزند (غیر صالح) در قیامت سودمند نخواهد بود

۱. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۲۲.

۲. همان، ص ۷۲۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲.

۴. همان، ص ۲۴۷.

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . ممتحنه/۳

۷. فرزند نباید مانع یاد خداوند شود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ . منافقون/۹

شَغَلْتَنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا . فتح/۱۱

۸. بعضی از فرزندان نور چشم انسان هستند

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ . فرقان/۷۴

– مسئولیت والدین

۱. دعا: رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي . ابراهیم/۴۰

۲. غذای حلال: قَالَ الصَّادِقُ(ع): كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ ۱

۳. غذای کامل: وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ . بقره/۲۳۳

۴. آموزش: عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ

۵. موعظه: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ . لقمان/۱۳

۶. عدالت: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ . نحل/۹۰

۷. تزویج: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ . قصص/۲۷

۸. پایداری در تربیت: وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا . طه/۱۳۲

۹. غافل نشدن از حق: لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ . منافقون/۹

۱۰. وظیفه پدر و مادر بنده پروری است نه بچه پروری: تَفَاخَرُ بَيْنَكُمْ وَتَكَاتُرٌ فِي الْأَمْوَالِ

وَالْأَوْلَادِ حديد/۲۰

۱۱. نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا سبأ/۳۵ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ آل عمران/۱۰

۱. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۴.

کودکان نمونه ۱

۱. حضرت عیسی (ع) از همان گهواره گفت:

إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا. مریم/۳۰

۲. ائمه ما گاهی لحظه‌ای پس از تولد به سجده رفته و ذکر خدا می‌گفتند و بعضی در شکم مادر ذکر خدا می‌گفتند.

۳. حضرت یحیی: يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا. مریم/۱۲

قرآن کریم نام زکریا، فرزندش یحیی و همسرش را برده و از آنان به عنوان خانواده ای نمونه یاد کرده و این گونه می‌ستاید:

و زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ (انبیاء: ۸۹-۹۰)

و زکریا را یاد کن، آن گاه که پروردگارش را ندا داد: ای پروردگار من، مرا تنها وامگذار. و تو بهترین وارثانی. دعایش را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و زنش را برایش شایسته گردانیدیم. اینان در کارهای نیک شتاب می‌کردند و با بیم و امید ما را می‌خواندند و در برابر ما خاشع بودند.

۴. کودک شاهد در داستان حضرت یوسف (ع): شَهِدَ شَاهِدًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ

قَبْلِ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ یوسف/۲۶

حضرت یوسف (ع): موقعی که حضرت یوسف را از چاه خارج کردند و به غلامی فروختند، یکی از حضار گفت: نسبت به این طفل غریب، نیکی کنید. حضرت یوسف (ع) گفت: من کان مع الله فلیس له غربه ۲

۱. ر.ک: نرم افزار توشه تبلیغ، حجه الاسلام قرائتی.

۲. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۳.

۵. حضرت محمد(ص): در سه سالگی که می‌خواهد به همراه برادرانش برای چرای گوسفندان به صحرا برود حلیمه سعدیه او را آماده ساخت و یک مهره یمانی برای محافظتش به گردنش آویخت.

حضرت محمد(ص) مهره را از گردن کند و فرمودند: **فَإِنَّ مَعِيَ مَنْ يَحْفَظُنِي** ۱

۶. حضرت ابراهیم(ع): **إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا** مریم/۴۵-۴۲

۱. بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۳۹۲.

درس دوم : عوامل مؤثر در تربیت دینی

اهداف درس:

در این درس انتظار می رود که فراگیر:

۱. عوامل مؤثر در تربیت دینی را شناخته و به اهمیت آن پی ببرد.
 ۲. به نقش اراده در تربیت واقف گردد و تمام همت خویش را در تربیت دینی خود و فرزندان خود به کار گیرد.
 ۳. خود را در برابر محیط های فاسد مجبور نبیند و رنگ محیط را به خود نگیرد.
 ۴. برای تربیت دینی و عاقبت به خیری خود و اعضای خانواده اش دعا کند.
- برخی از عوامل زمینه ساز در تربیت دینی فرزندان عبارتند از:

۱. وراثت

وراثت از نظر اسلام قانونی پذیرفته شده است. قرآن کریم در داستان حضرت نوح (ع)، درخواست آن حضرت را از پروردگارش این گونه نقل کرده است:

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَّا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوْا
عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوْا إِلَّا فَاَجِرًا كَفَّارًا. (نوح: ۲۶-۲۷)

نوح گفت: پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار؛ چرا که اگر آنها را باقی گذاری بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند.

براساس این آیه فرزندان ویژگیهای معنوی و حالات روحی را همانند ویژگیهای جسمی از والدین خود ارث می برند.

قانون وراثت و تأثیرگذاری آن در تربیت، مورد تأیید روایات معصومین (ع) نیز هست و واژه‌های «عرق» و «اغراق» که امروز در محافل علمی جهان از آن به «ژن» تعبیر می‌شود، عامل وراثت معرفی شده است.

توصیه رسول خدا (ص) این است که:

تزوجوا فی الحجز الصالح فإن العرق دساس^۱

از خانواده‌های صالح زن بگیرید؛ زیرا ویژگی‌های پدران و مادران به ارث می‌رسد.

وراثت به سه قسم تقسیم می‌شود:

الف. جسمانی

در این وراثت، ویژگی‌های مربوط به جسم از نسل پیشین به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود؛ امام

صادق (ع) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ خَلْقًا جَمَعَ كُلَّ صُورَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَ
أَبِيهِ إِلَى آدَمَ ثُمَّ خَلَقَهُ عَلَى صُورَةِ أَحَدِهِمْ فَلَا يَقُولَنَّ أَحَدٌ هَذَا لَنَا يُشْبِهُنِي وَلَا
يُشْبِهُ شَيْئًا مِنْ آبَائِي^۲

وقتی خداوند متعال اراده کند مخلوقی بیافریند، همه صورتها میان او و پدرش تا حضرت آدم را جمع می‌کند او را بر صورت یکی از آنان می‌آفریند، بنابراین کسی (به صرف عدم شباهت فرزند به والدین و نیاکان نزدیک) نگوید: این فرزند به من و پدرانم شباهت ندارد.

۱. مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۳۴۰.

ب. عقلانی

در این وراثت، خصوصیات از قبیل هوش و ذکاوت و مانند آن از نسل پیشین به نسلهای بعدی منتقل می شود؛ از این رو در روایات اسلامی از پیوند زناشویی با افرادی که از نظر قوای عقلانی و تجزیه و تحلیل ضعیف یا بی بهره اند، نهی شده است. رسول خدا(ص) می فرماید:

إِبَاكُمُ وَ تَزْوِيجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدَهَا ضِيَاعٌ^۱

از ازدواج با زنان احمق بپرهیزید؛ زیرا هم‌نشینی با آنان بلا (ومایه اندوه) و فرزندش نیز تباه (و بدبخت) است.

ج. اخلاقی

در این نوع، ویژگیهای اخلاقی از طریق وراثت به فرزندان منتقل می شود و زمینه‌هایی را در آنها فراهم می سازد. نقش وراثت در اخلاق و ساماندهی خویها و رفتارهای آدمی در حکمت‌های علوی این‌گونه بیان شده است:

– اِذَا كَرَّمَ اَصْلُ الرَّجُلِ كَرَّمَ مَغِيبُهُ وَ مَحْضَرُهُ^۲

وقتی اصل و ریشه انسان شریف باشد، نهان و آشکارش خوب و شریف می‌شود.

– حُسْنُ الْاِخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْاَغْرَاقِ^۳

نیکی اخلاق، دلیل پاکی و فضیلت ریشه خانوادگی است.

اسلام به معیار ایمان و اخلاق در همسرگزینی فراوان توصیه کرده و ازدواج با افراد فاسق،

شرابخوار، بد اخلاق و مانند آن را ناپسند شمرده است. بشار واسطی می گوید:

– كَتَبْتُ اِلَى اَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَ اَنْ لِي قَرَابَةً قَدْ خَطَبَ اِلَيَّ وَ فِي خُلُقِهِ شَيْءٌ فَقَالَ لَنَا

تُزَوِّجُهُ اِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ^۴

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۵۴.

۲. شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۱۸۸.

۳. همان، ص ۳۹۲.

۴. الکافی، ج ۵، ص ۵۶۳.

به حضرت رضا (ع) نامه‌ای نوشتم که یکی از بستگانم درخواست وصلت با من دارد، ولی بد اخلاق است. حضرت در جواب فرمود اگر اخلاقش بد است با او وصلت نکن.

۲. محیط

قرآن کریم می‌فرماید:

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ (عنكبوت: ۵۶)

ای بندگان من که به من ایمان آورده‌اید، زمین من فراخ است، پس تنها مرا بپرستید.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

لَا تُطِيعُوا أَهْلَ الْفِسْقِ مِنَ الْمُلُوكِ فَإِنْ خِفْتُمُوهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ فَإِنَّ أَرْضِي
وَاسِعَةٌ^۱

از حاکم فاسق پیروی نکنید و اگر ترسیدید که آنان سبب فتنه و انحراف در دین شما شوند، هجرت کنید؛ زیرا زمین خداوند فراخ است .
پیام آیه این است که:

۱. برای حفظ دین و نجات از طاغوت‌ها هجرت کنیم. «أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ»

۲. هجرتی ارزش دارد که در سایه ایمان باشد. «الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ»

۳. کسانی که به خاطر وابستگی به مکان یا منطقه‌ای، منحرف می‌شوند، عذرشان پذیرفته نیست، زیرا همواره در زمین، فضایی مناسب برای انجام تکالیف دینی هست. «أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» در آیه دیگر می‌فرماید:

وَ جَاوِزْنَا بِنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (اعراف: ۱۳۸)

۱. بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۳۸

و بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. و بر قومی گذشتند که به پرستش بتهای خود دل بسته بودند. گفتند: ای موسی، همان طور که آنها را خدایانی است برای ما هم خدایی بساز. گفت: شما مردمی بی خرد هستید.

پیام آیه این است که:

محیط جبرآور نیست، ولی تأثیرگذار هست. «فَأْتُوا عَلَى قَوْمٍ...» پس تا در اعتقاد و ایمان قوی نشده‌ایم، از محیط و فرهنگ فاسد دوری کنیم، زیرا گاهی مشاهده‌ی یک صحنه (از فیلم، عکس، ماهواره و یا اجتماع) چنان در انسان تأثیرگذار است که تمام زحمات تربیتی رهبران را متزلزل و خراب می‌کند.^۱

۳. تغذیه

تأثیر غذا بر رفتار و تربیت دینی و اخلاقی انسان، جای انکار نیست. از این رو، دین اسلام برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار آن درباره تغذیه مادران و فرزندان، توصیه‌های فراوانی دارد که اگر به خوبی اجرا شود، از بروز بسیاری از مشکلات تربیتی پیشگیری خواهد شد.

رسول خدا (ص) درباره زنان باردار فرمود:

أَطْعِمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا^۲

به زنان باردار در آخرین ماههای حاملگی خرما بخورانید تا فرزندان شما بردبار و متقی شوند.

امام علی (ع) فرمود: لَيْسَ لِلصَّبِيِّ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ^۳

چیزی برای کودک سودمندتر و پربرکت‌تر از شیر مادر نیست.

درباره انتخاب دایه نیز فرمود: تَخَيَّرُوا لِلرَّضَاعِ كَمَا تَخَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ فَإِنَّ الرِّضَاعَ يُغَيِّرُ

الطَّبَاعَ^۴

۱. ر.ک: تفسیر نور.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۸۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۶۸.

۴. همان.

در انتخاب دایه چنان تلاش و دقت کنید که در ازدواج دقت می‌نمایید؛ زیرا شیر، طبیعت کودک را دگرگون می‌سازد.

و نیز فرمود:

تَوَقَّوْا عَلٰی اَوْلَادِكُمْ لَبَنَ الْبَغِيَّةِ وَالْمَجْنُونَةِ فَاِنَّ اللَّبْنَ يُعْدِي^۱

از شیر زنان بدکاره و دیوانه به فرزندانان ندهید؛ زیرا شیر به اخلاق کودک سرایت می‌کند.

از مجموع روایات برمی‌آید که تغذیه حلال و مطلوب، اعم از شیر مادر و غذا، در دوره کودکی بر تربیت دینی کودک تأثیر فراوان دارد..

۴. سختیها و شداید

دیگر از عوامل مؤثر در تربیت انسان، سختیها و شداید است که موجب صیقل خوردن گوهر وجود آدمی و شکوفایی استعدادها و کسب کمالات می‌شود. امام باقر(ع) می‌فرماید:

اِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلُ اَهْلَهُ بِالْهَدِيَّةِ
مِنَ الْغَيْبَةِ^۲

خداوند بزرگ بنده مؤمن را به وسیله سختی نوازش می‌کند؛ همان گونه که مرد وقتی در سفر است با فرستادن هدیه خانواده خود را یاد می‌کند و مورد محبت و نوازش قرار می‌دهد.

اما صادق(ع) خطاب به سدید فرمود: اِنَّ اللّٰهَ اِذَا اَحَبَّ عَبْدًا غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتًّا وَاَنَا وَاِيَّاكُمْ يَا
سَدِيْرُ لَنْصَبِحُ بِهٖ وَنُمْسِي^۳

چون خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، او را در بلا غرق می‌کند و من و شماها شبانه روزمان را با بلا سر می‌کنیم.

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۶

۲. الکافی، ج ۲، ص ۲۵۵.

۳. همان، ص ۲۵۳.

طفل از اول باید با سختی و شدت آشنا شود. بدیهی است که نوازشهای بی حساب، مانع برخورد با سختی می شود و فرزندان را بیچاره و ناتوان بار می آورد و آنها را در صحنه زندگی خلع سلاح می کند؛ چنان که کوچک ترین حادثه ناملامی آنان را از پا در می آورد و کمترین تغییر وضعی سبب نابودیشان می گردد.

امام کاظم(ع) می فرماید:

يُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ^۱

بهبتر آنست که طفل در کودکی با سختی و مشکلات اجتناب ناپذیر حیات که غرامت زندگی است روبرو شود تا در جوانی و بزرگسالی، بردبار و صبور باشد. ژان ژاک روسو در کتاب امیل درباره این گونه تربیتها می گوید:

اگر جسم زیاد در آسایش باشد، روح فاسد می شود. کسی که درد و رنج را نشناسد، نه لذت شفقت را می شناسد و نه حلاوت ترحم را. چنین کسی قلبش از هیچ چیز متأثر نخواهد شد و بدین سبب قابل معاشرت نبوده، مانند دیوی خواهد بود در میان آدمی.^۲

۵. اراده

در میان عوامل مؤثر در تربیت، اراده مهم ترین نقش را در تربیت انسان دارد. سعادت و شقاوت آدمی به دست خود اوست و چنانچه خود در سعادت حقیقی اش تلاش نکند، دیگر عوامل نمی تواند او را به سعادت برساند. انسان فرزند اراده و تلاش خویش است. قرآن کریم می فرماید:

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (اسراء: ۱۹)

و هر که خواهان آخرت باشد و در طلب آن سعی کند و مؤمن باشد، جزای سعیش داده خواهد

شد

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۹.

۲. ر.ک: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۷۵۶.

– مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (شوری: ۲۰)

هر کس کشت آخرت را بخواهد به کشته‌اش می‌افزاییم و هر کس کشت دنیا را بخواهد به او عطا می‌کنیم، ولی دیگر در کشت آخرتش نصیبی نیست. براساس این عامل تربیتی، باید عنصر اراده را در کودکان پروراند و تقویت کرد. برای این کار باید کودک را به گونه‌ای پرورش داد که احساس کند آزاد است و می‌تواند تصمیم بگیرد و انتخاب کند.

خانم فریده مصطفوی درباره سیره تربیتی امام خمینی (ره) می‌گوید:

زمانی همسر از روی عادت خانوادگی، صبحها، دخترم را از خواب شیرین بیدار می‌کرد که نماز بخواند، امام که در جریان قرار گرفتند، برایش پیغام فرستادند: «شیرینی اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن» و چقدر این حرف به جا بود؛ چرا که تأثیر عمیقی بر روحیه دخترم گذاشت، به طوری که بعد از آن خودش سفارش می‌کرد که برای نماز صبح حتماً بیدارش کنیم و معنای «لا اکراه فی الدین» را آن موقع فهمیدم.^۱ در روایات اسلامی نیز توصیه شده است که دلها را از ناحیه میل و رغبت آنها به دست آورید، قلب و دل اگر در «اکراه و اجبار قرار گیرد کور می‌شود».

۶. دعا

رسول خدا(ص) می‌فرماید: **دُعَاءُ الْوَالِدِ لَوْلَدِهِ كَدُعَاءِ النَّبِيِّ لِأُمَّتِهِ**^۲

دعای پدر برای فرزند مانند دعای پیغمبر برای امت می‌باشد.

همچنین فرمود: **أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَ تَفْتَحُ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تَصِيرُ إِلَى الْعَرْشِ دُعَاءُ**

الْوَالِدِ لَوْلَدِهِ^۳

۱. ر.ک: نگرشی نو به تربیت دینی کودکان و نوجوانان، سید محمد رضا علاء‌الدین، ص ۱۰۲.

۲. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۶۲.

۳. أمالی الصدوق، ص ۲۶۵.

دعای چهار کس رد ندارد و درهای آسمان برابر آن گشاده است تا بعرش رسد یکی از آنها دعای پدر برای فرزندش است.

امام صادق (ع) نیز فرمود:

ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ لَا يُحْجَبَنَّ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى دُعَاءُ الْوَالِدِ لَوَلَدِهِ إِذَا بَرَّهُ وَ دَعْوَتُهُ عَلَيْهِ إِذَا عَقَّهُ^۱

سه چیز از خدای تعالی در پرده نمانند: یکی از آنها دعای پدر است برای فرزندی که به او نیکی کرده، و نفرینش بر او که ناسپاسی کرده.

براساس این عامل تربیتی، شایسته آن است که والدین در تربیت دینی فرزندان خود از استمداد جویی از عوامل غیبی، دعا، نیایش، توسل، ذکر و مناجات به درگاه قاضی الحاجات غافل نشوند.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۱۰.

درس سوم : راهکارهای مؤثر در تربیت دینی(۱)

اهداف درس:

در این درس انتظار می رود که فراگیر:

۱. با روش الگویی، گفتاری، موعظه و محبت آشنا شده و اهمیت آنها در تربیت را درک کند.
۲. در جهت الگوی مطلوب شدن برای فرزندان خود تلاش کند.
۳. نسبت به آموزش معارف دینی به فرزندانش اشتیاق نشان دهد.
۴. با بکارگیری روشهای بیان شده در درس به فرزندان خود در تربیت دینی آنان کمک کنند.
۵. به جایگاه ویژه روش محبت پی برود و برای سیراب کردن فرزندان خود از محبت معقول و منطقی تلاش کند.

برخی از مهم‌ترین راهکارها و شیوه‌های تربیتی عبارت‌اند از:

۱- روش الگویی

در میان روشهای تربیت دینی، روش الگویی، به دلیل عینی و کاربردی بودن، از نفوذ و تأثیرگذاری فراوانی برخوردار است. از طریق ارائه الگو، به سرعت می توان مسائل مذهبی را به کودکان یاد داد و آنان را به عمل واداشت؛ مخصوصاً از آن بابت که حس تقلید در کودکان بسیار قوی است.

برخی از آیاتی که به تربیت به وسیله الگو اشاره دارد، عبارت است از:

الف. دسته ای از آیات به الگو بودن پیامبران در سنین کودکی، نوجوانی یا جوانی پرداخته است

مانند:

- حضرت یوسف(ع) : إِذْ قَالَ يَوْسُفُ لَأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا يَوْسُفُ/۴
- حضرت ابراهیم(ع) : إِذْ قَالَ لَأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ

شَيْئاً مَرِيماً/ ۴۰

- اطاعت حضرت اسماعیل(ع) در برابر فرمان الهی که به پدرش گفت: **يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ**

صافات/ ۱۰۲

ب. دسته ای دیگر از آیات نیز به الگو بودن پیامبران و مؤمنان در سنین بالاتر پرداخته است
مانند:

- اسوه بودن پیامبر(ص): **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ احزاب/ ۲۱**

- اسوه بودن پیامبر(ص) و اصحاب و یاران او: **محمد رسول الله وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى**

الْكَفَّارِ ... فتح/ ۲۹

- اسوه بودن مؤمنان شب زنده دار: **كَانُوا قَلِيلاً مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ**

يَسْتَغْفِرُونَ ذاریات/ ۱۷-۱۸

- اسوه بودن انصار: **وَ الَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ ... وَ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ حشر/ ۹**

- اسوه بودن مؤمنان مجاهد: **مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ احزاب/ ۲۳**

پدر و مادر، اطرافیان، همبازیها، دوستان و همنشینان، معلمان و مربیان الگوهای تأثیرگذار در تربیت دینی کودکانند، ولی در این میان نقش پدر و مادر بیش تر از دیگران است. از این رو، همواره دین، اخلاق و گرایشهای آنان را می پذیرند. پیغمبر اکرم (ص) می فرماید:

هر مولودی بر فطرت الهی زاده می شود، مگر اینکه والدینش او را یهودی، نصرانی یا مجوسی کنند.^۱

در الگودهی والدین رعایت نکات زیر ضروری است:

۱. پدر و مادر بایستی متدین و عامل به دستورات دینی باشند؛ زیرا کودک به طور معمول، در سخن گفتن، آداب معاشرت، رعایت نظم یا بی نظمی، امانت داری یا خیانت، راست گویی یا دروغ گویی، خیرخواهی یا بدخواهی و آداب و سنن دینی از آنان الگو می گیرد.

۱. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲. با توجه به اینکه مدرسه، محیط الگوگیری از معلمان و مربیان و دانش آموزان است والدین باید در انتخاب مدرسه، معلمان و مربیان فرزندان خود دقت نمایند.

۳. با توجه به اینکه دوستان و همنشینان از الگوهای رفتاری و تربیتی هستند، والدین وظیفه دارند، با منطقی مستدل و روشن آنها را از رفاقت با افراد ناصالح برحذر دارند و خطر رفقای ناباب و ضررهای ناشی از دوستی با آنان را برای آنها توضیح دهند.

۴. والدین می‌توانند در زمینه معرفی و شناساندن الگوهای سالم به فرزندان خود، آنان را به مطالعات دینی و سرگذشت بزرگان دین ترغیب نمایند. کتابهای مفید و داستانهای شیرین و خواندنی را تهیه و به فرزندان خود هدیه کنند و آنها را به سمت الگوگیری از الگوهای سالم سوق دهند .

۲- روش گفتاری

گفتار والدین در شکل‌گیری افکار و اندیشه‌ها و رفتار دینی کودک تأثیر چشمگیری دارد؛ زیرا کودک وابستگی فراوانی به والدین خود دارد، به آنان با دیده مثبت می‌نگرد و هرچه از آنان دریافت کند، می‌پذیرد و به آن عمل می‌کند. روش گفتاری به شیوه‌های زیر تحقق می‌یابد:

الف. حکمت و استدلال: لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا انبياء/ ۲۲

ب. داستان‌گویی و پنددهی: فَأَقْصِصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ اعراف/ ۱۷۶

ج. ذکر غایت و نتایج وخیم کارها: وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا و ... انفال/ ۴۶

د. ذکر نتایج خوب کارهای شایسته: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ

الْجَنَّةَ توبه/ ۱۱۱

ه. تمثیل و تشبیه: وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ حشر/ ۲۱

۳- روش امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً (تحریم: ۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌تان را از آتش جهنم حفظ کنید.

در روایتی ابوبصیر از امام صادق (ع) پرسید: چگونه می‌توانم طبق این آیه، خانواده‌ام را از آتش حفظ کنم؟ امام پاسخ داد:

آنان را به اوامر الهی فراخوان و از نواهی‌اش باز دار که در این صورت اگر از تو اطاعت کردند، آنها را حفظ کرده‌ای و اگر اعتنایی نکردند، تکلیف خود را در حقشان انجام داده‌ای.^۱

قرآن کریم حضرت اسماعیل (ع) را این گونه می‌ستاید:

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (مریم: ۵۵)

خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود.

امام صادق (ع) از پدر گرامی‌اش روایت می‌فرماید:

ما کودکانمان را در پنج سالگی به نماز امر می‌کنیم؛ ولی شما کودکانتان را وقتی به هفت سالگی رسیدند به نماز فرمان بدهید.^۲

بدیهی است که امر به معروف و نهی از منکر درباره کودکان از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است، و ممکن است کوچک‌ترین اشتباه و برخورد نادرست، آثار زیانباری در پی داشته باشد. از این رو، باید نکات زیر را در نظر داشت:

۱. امر و نهی با عطف و مهربانی عجین باشد.

۲. امر و نهی‌ها با تشویق و ترغیب، پذیرفتنی گردد؛

۳. پدر و مادر در فرمانهایی که به فرزندان خود می‌دهند، بایستی هماهنگ عمل کنند و آنان را دچار سرگردانی و تزلزل در باورها نسازند.

۴. هرگاه کاری را از فرزندان خود می‌خواهند، خود نیز به آن عمل نمایند تا گفتارشان در فرزندان مؤثر افتد.

۱. همان.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۲.

۴- روش موعظه

قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ * ... يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُؤًا بِالمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ المُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ * وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ * وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الحَمِيرِ (لقمان: ۱۳ و ۱۷-۱۹)

و لقمان به پسرش گفت- و او را پند می‌داد- که: ای پسرک من، به خدا شرک میاور، زیرا شرک ستمی است بزرگ. ... فرزندم! نماز را به پا دار و به کار پسندیده امر کن و از کار ناپسند نهی کن و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است، شکبیا باش ... از مردم [به نخوت] رخ بر متاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی‌دارد و در راه رفتن خود میانه‌رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازه بانگ خران است.

در سیره معصومین (ع) نیز مواعظ موجز و مؤثر فراوان وجود دارد که هر کدام به نوبه خود تأثیری شگرف در صیقل دادن جان آدمی دارد.

کودکان و نوجوانان باید همواره تحت تأثیر تلقین پند و اندرزهای مشفقانه والدین خود قرار گیرند؛ زیرا در شنیدن اثری هست که در دانستن نیست.

۵- روش محبت

اهمیت محبت

۱-۵. سفارش پیامبر (ص) است که فرمود:

احِبُّوا الصَّبِيَانَ وَارْحَمُوهُمْ، وَ إِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْضَبُ لَشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِيَانَ^۱

۱. محجه البيضاء، ج ۲، ص ۲۳۷.

کودکان خود را دوست بدارید و به آنها رحم آورید و به وعده‌ای که می‌دهید، وفا کنید. خداوند آن‌گونه که برای زنان و کودکان خشم می‌گیرد بر هیچ چیزی خشم نمی‌گیرد.
۵-۲. موجب رحمت خداست: امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند به بنده‌ای که فرزندش را بسیار دوست می‌دارد، ترحم می‌کند.^۱

۵-۳. سنت پیامبر: آن حضرت همواره نسبت به کودکان مهربان بود. جابر می‌گوید:

من عادة الرسول (ص) التلطف بالصبيان^۲

۵-۴. بهترین اعمال است: امام صادق (ع) می‌فرماید: حضرت موسی (ع) به خداوند عرض کرد:

يا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ قَالَ حُبُّ الْأَطْفَالِ، فَأَنَّى فَطَرْتَهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي ...^۳

پروردگارا! کدام عمل نزد تو برتر است؟ خداوند متعال پاسخ داد:

دوست داشتن کودکان؛ چرا که من آنها را بر فطرت توحید سرشته‌ام.

برخی از راههای مهرورزی به فرزندان عبارت است از:

– نگاه محبت آمیز

پیامبر (ص) می‌فرماید:

نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وُلْدِهِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ^۴

نگاه با محبت پدر به فرزندش عبادت است.

– دست نوازش بر سر کودک کشیدن

در سیره عملی پیغمبر اکرم (ص) نقل شده است که آن حضرت هر روز صبح بر سر فرزندان

خود دست نوازش می‌کشید.^۵

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲.

۲. محجة البیضاء، ج ۳، ص ۳۶۹.

۳. المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۳.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۵. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴.

- در آغوش گرفتن

علی (ع) می‌فرماید:

طفل خردسالی بودم. پیغمبر مرا به دامان خود می‌نشاند. در آغوشم می‌گرفت. به سینه خود می‌چسبانید. گاه مرا در بستر خواب خود می‌خوابانید و از مودت، صورت بر صورتم می‌سایید و مرا به استشمام بوی لطیف خود، موفق می‌داشت.^۱

- بوسیدن

رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

أَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةٍ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِ مِائَةِ عَامٍ^۲

فرزندان خود را فراوان ببوسید؛ زیرا با هر بوسه، برای شما، مقام و مرتبتی در بهشت فراهم می‌شود که فاصله میان هر مقام، پانصد سال است.

- شاد کردن

شاد کردن ممکن است با وفا کردن به وعده‌ها، هدیه دادن، برگزاری جشن تولد و مراسم جشن تکلیف، گردش و تفریح و مانند آن تحقق یابد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴.

۲. روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۶۹.

درس چهارم : راهکارهای مؤثر در تربیت دینی (۲)

اهداف درس:

در این درس انتظار می رود که فراگیر:

۱. با روش احترام به فرزندان، و تشویق و تنبیه آشنا شده و اهمیت آنها در تربیت را درک کند.
۲. نسبت به احترام به فرزندان و تکریم شخصیت آنان انگیزه بیشتری پیدا می کند.
۳. در تشویق هر چه بیشتر فرزندان می کوشد.
۴. از تنبیه به عنوان آخرین روش تربیتی استفاده می کند.

- احترام به فرزندان

از سرمایه‌های فطری که براساس مشیت حکیمانه الهی در باطن هر کس نهاده شده است، غریزه حبّ ذات است. این غریزه یکی از پایه‌های ثابت تربیت کودک است. والدین می‌توانند از این سرمایه فطری در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان خود به خوبی استفاده کنند و در پرتو آن بسیاری از ارزشهای دینی و سجایای اخلاقی و صفات پسندیده را در فرزندان خود بپرورانند.

از راههای ارضای غریزه حبّ ذات، احترام به فرزندان و توجه به شخصیت آنهاست. افرادی که به قدر کافی در خانواده از مورد احترام قرار نمی‌گیرند و غریزه حبّ ذات آنان به شایستگی ارضا می‌شود، روحیه‌ای طبیعی و روانی متعادل و زمینه مناسب‌تری برای پذیرش تربیت دینی و اخلاقی دارند.

برعکس، فرزندانی که از پدر و مادر، اکرام و احترام نمی‌بینند و در محیط خانواده، خواهش طبیعی حبّ ذات آنان ارضا نمی‌شود، در خود احساس پستی و حقارت می‌کنند و روحی شکست خورده و روانی افسرده دارند و مشکل است در آینده بتوانند در جامعه، فعال و منشأ اثر باشند.

این گونه فرزندان، معمولاً در رفتارهای اجتماعی ناتوان و کم جرئت، در اجرای اوامر الهی،

بی‌اراده و در ارتکاب معاصی، بی‌پروا و متهورند.

رسول اکرم (ص) به پیروان خود دستور داده است:

أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرُ لَكُمْ^۱

فرزندان خود را احترام کنید و آداب آنان را نیکو گردانید تا آمرزیده شوید.

راههای احترام به شخصیت فرزندان

- خطاب نیکو

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْكُنَى قَبْلَ أَنْ تَغْلِبَ عَلَيْهِمُ الْأَلْقَابُ^۲

پیش از آنکه لقبهای زشت بر فرزندانتان غلبه یابد کنیه‌ها و لقبهای خوب بر آنان

بگذارید.

- سلام کردن

امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده که می فرمود:

خَمْسٌ لَسْتُ بِتَارِكِهِنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ ... وَ تَسْلِيمِي عَلَى الصَّبِيَانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ

بَعْدِي^۳

پنج چیز است که تا لحظه مرگ آنها را ترک نمی‌کنم. یکی از آنها سلام گفتن به کودکان

است. بر انجام دادن این عمل مراقبت می‌کنم تا بعد از من به صورت یک سنت بین

مسلمانان بماند و همه، بدان عمل کنند.

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۴.

۲. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۱۹.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۶۳.

- مشورت

مشورت با فرزندان در امور خانواده به ویژه در دوران نوجوانی سبب می‌شود که آنها احساس کنند در خانواده به حساب می‌آیند و به نظراتشان توجه می‌شود. لازم است والدین از پیشنهادهای صحیح نوجوانان استقبال کنند و در صورتی که در پیشنهادهای آنان خطایی می‌بینند، با دلیل و منطق آنها را به اشتباه خود متوجه سازند.^۱

- به حساب آوردن کودکان

کودکان و نوجوانان را باید به حساب آورد، به عنوان یک فرد به آنها توجه کرد، در سفر برایشان صندلی مخصوص تهیه کرد، در مهمانیها بشقاب و چنگال و سرویس مستقل برای آنها گذاشته شود، هنگام خواب، رختخواب جداگانه برای آنها پهن کرد، وقتی وارد مجلسی می‌شوند برای آنها جا باز کرد و

- پاسخ مناسب به ابراز وجود کودکان

کودکان در هر موقعیتی به صورتی ابراز وجود می‌کنند و دوست دارند بزرگ‌ترها به آنان توجه کنند و پاسخی مناسب به آنها بدهند. گاهی پدر و مادر در حال نماز و عبادات‌اند و فرزندشان شیرین‌کاری می‌کند و در حال سجده بر شانه‌های آنها سوار می‌شود. خوب است پدر و مادر به احترام کودک خود سجده را طولانی کنند. گاهی لازم است کودک تحسین و تشویق شود و بدین وسیله غریزه حبّ ذات او ارضا گردد.. روش تشویق

- اهمیت تشویق

بیش از چند صد آیه قرآن درباره تشویق است

۱. تمام آیاتی که درباره مدح انبیاء(ع) آمده: نِعْمَ الْعَبْدُ ص/۳۰

۲. آیاتی که حاکی از محبت خداوند است: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ آل عمران/۷۶

۱. ر.ک: رفتار والدین با فرزندان، محمدعلی سادات، ص ۴۳.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ بقره/۲۲۲

۳. پاداش‌ها و وعده‌های الهی در سراسر قرآن، تشویق است.

۴. علی(ع): لَأَ يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ^۱

۵. امام صادق(ع) هر گاه هشام بن حکم وارد می‌شد با این که نوجوان بود، از او تجلیل کرده، می

فرمود:

هَذَا نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ^۲

این(نوجوان)یاور ماست؛ با دلش، زبانش و دستش ما را یاری می کند.

آداب و روش های تشویق

۱. به دنبال تکلیف، تشویق کنید: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ

عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ(توبه:۱۰۳)

۲. تشویق به جا تنبیهی است برای خلافکار: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ(ع): اَزْجُرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ

الْمُحْسِنِ^۳

۳. تشویق بیش از حد چاپلوسی و تشویق کمتر از حد، حسادت است.

۴. تشویق نباید تنها جنبه مالی داشته باشد.

۵. نباید در استفاده از تشویق زیاده‌روی کرد، بلکه باید گاهی از آن بهره گرفت تا شخصیت

کودک شکل گیرد؛

۶. دلیل تشویق باید روشن باشد و باید کاری که کودک برای آن تشویق شده روشن شود تا اثر

تربیتی داشته باشد؛

۷. تشویق باید با عمل کودک متناسب باشد؛

۸. تشویق نباید حالت رشوه به خود بگیرد؛

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۹۵.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۷.

۹. والدین باید به هر وعده‌ای که به فرزند خود می‌دهند عمل کنند و هیچ گاه وعده دروغ ندهند. در غیر این صورت اعتماد فرزندان به آنان از میان می‌رود و بذر دروغ‌گویی در ضمیرشان پاشیده می‌شود؛

۱۰. کودکان را نباید به جایزه‌های گرانبها عادت داد و لوکس‌گرایی و تجمل‌پرستی را در آنها پدید آورد.

۱۱. تشویق باید بیدرنگ پس از کار مورد نظر صورت گیرد.

۱۲. در تشویق و پاداش دادن نباید بین فرزندان تبعیض قائل شد.

۸. روش تنبیه

امام علی (ع) فرمود:

إِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّى بِالْأَدَبِ وَالْبَهَائِمَ لَا يَتَعَطَّى إِلَّا بِالضَّرْبِ^۱

خردمند به ادب (درس و تعلیم) پندمی‌گیرد. ولی چارپایان جز به زدن پند

نمی‌گیرند.

کسی از دست پسرش نزد امام کاظم (ع) شکایت کرد.

حضرت فرمود:

لَا تُضْرِبُهُ وَاهْجُرْهُ وَ لَا تُطِلْ^۲

او را نزن. از او دوری کن، ولی دوری و قهر تو طول نکشد.

در تنبیه کودکان لازم است به نکات زیر توجه کنیم:

۱. تنبیه باید به عنوان آخرین روش تربیتی به کار گرفته شود؛

۲. تنبیه بدنی باید در حد اقل و با وسیله بسیار ساده صورت گیرد؛

۴. تنبیه بدنی تکرار نشود

۵. تنبیه بدنی در برابر دیگران نباشد

۱. شرح غرر الحکم، ج ۲، ص ۵۵۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۹.

۶. تنبیه بدنی حالت انتقام گرفتن نداشته باشد
۷. تنبیه بدنی بر کسی که ادب می‌شود قابل توجیه باشد و بداند چرا تنبیه می‌شود
۸. تنبیه بدنی به مرز سرخ شدن یا کبود و سیاه شدن نرسد
۴. در تنبیه، باید عمل کودک نکوهش شود نه شخصیت او؛
۶. نباید در تنبیه زیاده‌روی کرد که اثر خود را از دست می‌دهد؛
۸. کودک باید علت تنبیه را بداند تا از آن کار دوری کند؛
۹. تنبیه نباید برای انتقام و تشفی خاطر انجام پذیرد؛
۱۰. یکی از راه‌های تنبیه برای نوجوانی که گرایشهای مذهبی دارد، این است که به او بفهمانیم خداوند از تخلف او خشنود نیست؛
۱۱. اگر کودک از کار خود پشیمان شده و از رفتارش بازگشته است، باید او را با مهر و نوازش پذیرفت.

درس پنجم: آسیبهای تربیت دینی

اهداف درس:

در این درس انتظار می رود که فراگیر:

۱. آسیبهای تربیت دینی را شناخته و در همه حال متوجه آنها باشد.
۲. به توجه بیشتری به تربیت فرزندان همت گمارد و از آسیبها برحذر باشد.
۳. از فرزندان خود مراقبت بیشتری از خود نشان دهد و آنها را از خطر آسیبهای احتمالی آگاه کند.
۴. از افراط و تفریط در محبت دوری کند.

منظور از آسیبها، آن دسته عوامل مهم و مؤثری است که در روند تربیت دینی و اخلاقی، اختلال ایجاد می کنند و آن را دچار مشکل می سازند. مهم ترین این آسیبها عبارتند از:

۱. سهل انگاری خانواده ها

واقعیت تلخ این است که بخش مهمی از آسیبهای دینداری نوجوانان و جوانان در عصر حاضر، معلول سهل انگاری والدین و در پیش گرفتن روش تساهل و تسامح غیر منطقی است. متأسفانه امروزه والدین برای تربیت فرزندان خویش چندان احساس مسئولیت نمی کنند. روزی رسول خدا (ص) بعضی از کودکان را دید و فرمود:

وَيْلٌ لِّأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمْ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمْ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ^۱

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴.

«وای از پدران آخرالزمان!» پرسیدند: «پدرانی که مشرک اند؟» فرمود: «نه؛ پدران مؤمنی که خود واجبات دینی را به فرزندانشان نمی‌آموزند و اگر آنان خود بخواهند بیاموزند، مانع می‌شوند و برای فرزندان خود به متاع ناچیز دنیوی رضا می‌دهند. من و چنین پدرانی از یکدیگر بیزاریم.»

برخی از خانواده‌ها برای فراگیری زبان انگلیسی، رایانه و امور هنری، هزینه فراوان می‌کنند؛ اما حاضر نیستند با فرستادن فرزندان خود به کلاس قرآن، خرید کتاب، مجلات و نرم‌افزارهای دینی و مذهبی سطح بینش و معرفت دینی فرزندانشان را افزایش دهند و مانع آسیب‌پذیری آنان در بزرگسالی شوند. روشن است که چنین سیاستی، فقر فرهنگی و معرفتی در حوزه معارف دینی را در بزرگسالی همراه دارد و زمینه آسیب‌پذیری را فراهم می‌آورد.

۲. دوگانگی رفتار با گفتار

با توجه به اینکه منش‌ها و باورهای دینی و اخلاقی کودکان و نوجوانان در محیط خانه شکل می‌گیرد، دوگانگی گفتار و رفتار والدین در روند تربیت آنان اختلال می‌آفریند. چنانچه گفتار والدین و دیگر مربیان تربیتی با عمل آنان همراه نشود، چندان اثری نخواهد داشت. قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.
(صف: ۲-۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبُرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ.
(بقره: ۴۴)

آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید؛ اما خود را فراموش می‌نمایید، با اینکه شما خودتان کتاب [آسمانی] را می‌خوانید؛ آیا هیچ فکر نمی‌کنید؟

امام صادق (ع) می‌فرماید:

إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّخَا^۱

عالمی که به دانسته‌هایش عمل نکند، اندرزش از دلها می‌لغزد؛ چنان‌که باران از روی سنگ می‌لغزد.

البته مراد از اینکه گفتار بی‌عمل اثر ندارد، این است که اثر مثبت ندارد، و گرنه در جهت عکس، بسیار مؤثر است و به دیگر سخن، این گفتار آسیبهای فراوانی بر تربیت فرزندان دارد؛ از جمله اینکه در باور فرزندان تزلزل می‌آفریند و به اعتماد آنان ضربه می‌زند و این بی‌اعتمادی به ابعاد دیگر زندگی آنان سرایت می‌کند، باورهای انسانی و دینی آنها را خدشه‌دار می‌سازد، والدین را نزد آنان از اعتبار می‌اندازد، در آنان تنفر ایجاد می‌نماید و آنان را بر گناه و دروغگویی جرئت می‌بخشد و دورویی و نفاق می‌آورد.^۲

۳. افراط و تفریط در محبت

الف. افراط

اسلام، پیروانش را از افراط در محبت و نازپرورده کردن فرزندان برحذر داشته است. آنان که در مهرورزی و محبت فرزندان، زیاده‌روی می‌کنند و با روش ناپسند خود آنان را به بیماری خودپسندی مبتلا می‌سازند، در تعالیم اسلامی نکوهش شده‌اند؛ چنان‌که امام باقر (ع) می‌فرماید:

شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَاهُ الْبِرُّ إِلَى الْإِفْرَاطِ.^۳

بدترین پدران کسی است که در نیکی به فرزند زیاده‌روی کند.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۴

۲. ر.ک. روشهای آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، محمدرضا قائمی مقدم، ص ۱۲۴-۱۲۸.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۵۳.

از این رو، والدین نباید فرزندان خود را در رفاه بی حدّ و حصر قرار دهند، بلکه باید آنان را با کار و زحمت و سختی و شدت آشنا سازند.

– خطرات افراط در محبت

به گوشه‌ای از خطرات افراط در محبت لوس بار آمدن فرزندان توجه کنید:

۱. از پدر باج می‌خواهد
۲. به خواهران و برادران زور می‌گوید
۳. فردا در مدرسه از معلم و مدیر توقع نابجا دارد
۴. در کارهای اجتماعی از زیر بار تکلیف شانه خالی می‌کند
۵. به جای توکل بر خدا، توقع از مردم دارد
۶. در حوادث شکست می‌خورد. آری درختانی که دائماً آب می‌خورند چوب محکمی ندارند
۷. اگر به قدرت رسید مستبد می‌شود
۸. لوس حاضر به پذیرفتن موعظه و انتقاد و رأی مخالف نیست

ب. تفریط

كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقْبَلُ الْحَسَنَ فَقَالَ الْأُقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ إِنَّ لِي عَشْرَةَ مِنَ الْوَالِدِ مَا قَبَّلْتُ أَحَدًا مِنْهُمْ فَقَالَ (ص): "مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ"^۱

قَالَ الصَّادِقُ (ع): جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ مَا قَبَّلْتُ صَبِيًّا قَطُّ فَلَمَّا وُلِّيَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا رَجُلٌ عِنْدِي أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ^۲
پیامبر(ص) حسن و حسین(ع) را بوسید،....

قَبَّلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ (ع) فَقَالَ الْأُقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ: إِنَّ لِي عَشْرَةَ مِنْ الْوَالِدِ مَا قَبَّلْتُ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَالَ: "مَا عَلَيَّ إِنْ نَزَعَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِنْكَ أَوْ كَلِمَةً نَحْوَهَا"^۳

۱. المناقب، ج ۴، ص ۲۵.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۰.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۲۲۰.

– رفتارهای تحقیرآمیز

در برخی خانواده‌ها، پدر یا مادر با ملامت کردن، به کار بردن الفاظ طعن‌آمیز و گاه زشت و رکیک، فرزندان خود را تحقیر می‌کنند. چنین خانواده‌هایی به دست خود شالوده شخصیت فرزندان خود را ویران می‌کنند و آنان را به وادی انحراف و انحطاط می‌کشانند. رسول خدا(ص) می‌فرماید:

لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ^۱

هیچ یک از مسلمین را تحقیر نکنید و کوچک نشمارید زیرا مسلمانی که در نظر شما کوچک است نزد خداوند بزرگ است.

شهیدمطهری می‌گوید:

خیلی افراد در تربیت فرزند این اشتباه را مرتکب می‌شوند، دائماً بچه را ملامت می‌کنند و سرکوفت می‌زنند: ای خاک بر سرت، فلان بچه هم سن توست، ببین او چطور پیش رفته، تو خیلی بی‌عرضه و نالایق هستی، من که دیگر به تو امیدی ندارم. خیال می‌کنند با این ملامتها غیرت بچه تحریک می‌شود در صورتی که در این موارد، اگر ملامت از حدش بگذرد، عکس‌العمل خلاف ایجاد می‌کند؛ روح او حالت انقباض و فرار پیدا می‌کند و او از نظر روحی بیمار می‌شود و محال است که دنبال آن کار برود.^۲

۴. اجبار و اکراه

قرآن کریم می‌فرماید: لَأَكْرَاهُ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ. (بقره: ۲۵۶)

در قبول دین، اکراهی نیست؛ [زیرا] راه درست از راه انحرافی، روشن شده است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

۱. مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ۱، ص ۳۱.

۲. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۱۶۰.

این آیه «دین اجباری» را نفی می‌کند؛ زیرا دین مجموعه‌ای از معارف علمی است که معارفی عملی را در پی دارد و جامع همه آنها اعتقادات است و اعتقاد و ایمان از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد؛ زیرا اکراه تنها در افعال ظاهری و حرکات مادی و جسمانی مؤثر است و اما اعتقاد قلبی برای خود، علتها و سببهای قلبی دیگر دارد که از سنخ اعتقاد و ادراک است و محال است که برای مثال، جهل، علم را نتیجه دهد و یا مقدمه‌های غیر علمی، تصدیقی علمی را در پی داشته باشد.^۱

تربیت عبارت است از، ایجاد اعتقاد و باور و نشان دادن ایمان در دل فرزندان و به گفته شهید مطهری: «ایمان و اعتقاد را که با زور نمی‌شود ایجاد کرد؛ علاقه و مهر و محبت را نمی‌شود با زور ایجاد کرد؛ گرایش باطنی را که به زور نمی‌شود ایجاد کرد ... بله؛ می‌شود آن قدر کتکش زد تا بگوید فلانی را دوست دارم؛ یعنی حرفش را به دروغ بگوید؛ اما اگر تمام چوبهای دنیا را به بدن او خرد بکنند، آیا ممکن است که با چوب، دوستی ایجاد شود؟ چنین چیزی محال است. آن، راه دیگری دارد. راه آن حکمت است. «الموعظة الحسنه» است و جادلهمم بآلتی هی احسن است.»^۲

تربیت دینی و اخلاقی، زمانی تحقق می‌یابد که برنامه‌های تربیتی با اقبال قلبی فرزندان رو به رو شود. اگر چنین اقبالی صورت نگیرد و برنامه‌های تربیتی با روی گردانی و بی‌توجهی رو به رو گردد، تربیت ناکام خواهد ماند.

۵. خشونت و سخت‌گیری بیجا

خداوند به پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید:

لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّضْنَا مِنْ حَوْلِكَ. (آل عمران: ۱۵۹)

اگر تو بر مردم سخت‌گیر بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند.

۱. ر. ک. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۲، ص ۳۴۲.

۲. سیره نبوی، شهید مطهری، ص ۲۲۵.

از این آیه بر می‌آید که اگر پیامبر اکرم (ص) در برخورد با مردم و در اصلاح آنان خشن و سخت‌گیر می‌بود و مدارا نمی‌کرد، قادر نبود آنان را اصلاح کند و باعث می‌شد که مردم از پذیرش اسلام سر باز زنند و از نعمت هدایت محروم گردند.

بی‌گمان، این حقیقت را می‌توان در خانواده و تربیت فرزندان نیز یافت.

چه بسا افرادی که قربانی خشونت والدین و به ویژه پدر شده و از تربیت سالم محروم گشته‌اند. این‌گونه افراد به علّت برخوردهای خشن و مستبدانه، گرفتار عقده حقارت‌اند و همین عقده حقارت، سرچشمه بسیاری از رفتارهای نادرست آنهاست.

رفتار خشونت‌آمیز پدر یا مادر فضای خانه را از صمیمیت و همدلی عاری می‌سازد و بذر کینه و دشمنی را در ضمیر فرزندان می‌پاشد. کودکان یا نوجوانان مفرّی ندارند و ممکن است در برابر خشونت تسلیم شوند؛ اما آیا این وضع برای همیشه می‌پاید؟ آیا فرزندی که همواره از سخت‌گیریهای بی‌مورد و خشونت بیجای پدر و مادر در رنج است، می‌تواند رابطه روحی و پیوند عاطفی با آنها برقرار کند و برای همیشه در کنارشان بماند؟^۱

۶. تبعیض و بی‌عدالتی

روزی مردی در حضور پیامبر اکرم (ص) یکی از دو پسر خود را بوسید. پیامبر (ص) اعتراض کرد و فرمود: چرا میان آنان به مساوات رفتار نمی‌کنی؟!^۲

والدین باید بکوشند نه تنها از نظر تشویق و تنبیه، بلکه از نظر میزان توجه نیز با فرزندان خود به عدالت رفتار کنند. اگر بنا به علّتی یکی از فرزندان را بیش‌تر دوست دارند، نباید علاقه خود را آشکار سازند. فرزندان به این مسئله بسیار حساس‌اند و تحمّل آن برایشان دشوار است.

۷. آسیبهای اجتماعی

پاره‌ای از آسیبهای تربیت دینی و اخلاقی که از عوامل اجتماعی ناشی می‌شوند عبارتند از:

۱. ر. ک. رفتار والدین با فرزندان، ص ۴۶-۴۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

الف. دوستان و معاشران ناباب : قرآن کریم می فرماید:

وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي
لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (فرقان، ۲۷ - ۲۹)

در آیات مورد بحث، سخن از تأسف و تأثر عمیق ستمگران در قیامت است که از انتخاب دوستان ناباب تأسف می خورند؛ چرا که عامل اصلی بدبختی خود را در رفاقت با آنان می بینند.

پیغمبر اکرم (ص) می فرماید: **الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَقَرِينِهِ**^۱

انسان بر همان دینی است که دوست و رفیقش از آن پیروی می کند؛

امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) در باره تأثیر متقابل دوستیها می فرماید:

**مُجَالَسَةُ الْأَخْيَارِ تُلْحِقُ الْأَشْرَارَ بِالْأَخْيَارِ وَ مُجَالَسَةُ الْأَبْرَارِ لِلْفُجَّارِ تُلْحِقُ
الْفُجَّارَ بِالْأَبْرَارِ فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَ لَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ**^۲

همنشینی با خوبان، بدان را به خوبان ملحق می کند؛ و همنشینی نیکان با بدان، نیکان را به بدان ملحق می سازد! کسی که وضع او بر شما مبهم باشد، و از دین او آگاه نباشید، نگاه به دوستان و همنشینانش کنید (اگر همنشین با دوستان خداست او را از مؤمنان بدانید؛ و اگر با دشمنان حق است، او را از بدان بدانید!)

ب. اعتیاد به مواد مخدر

ج. ماهواره

د. رایانه.^۳

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۲۸.

۳. در تهیه آسیبهای اجتماعی از کاتب آسیبهای خانواده و راههای پیشگیری از آن استفاده شده است.

مهدویت
و
تقید به الزامات انتظار فرج

مهدویت و تقید به الزامات انتظار فرج

درس اول: آثار مثبت و سازنده انتظار

اهداف درس:

فراگیران پس از تعلیم این درس قادر خواهند بود تا:

۱. انتظار را بشناسد و آثار مثبت و سازنده‌اش را بشمارند.
۲. به خودسازی و اصلاح دیگران اهتمام بیشتری ورزند.
۳. از طولانی شدن دوران غیبت و فساد جوامع دلسرد ناامید نشوند و خود نیز در فساد و تباهی آلوده نگردند.
۴. روحیه انتظار فرج، امید به ظهور منجی و صبر و پایداری در این راه را در خود و دیگران تقویت کنند.

کسی که انتظار قیام مصلح جهانی را دارد، در واقع انتظار انقلاب و تحولی را دارد که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است؛ انقلابی که همه شئون زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود. انتظار، همیشه از دو عنصر نفی و اثبات تشکیل می‌شود؛ ناراحتی از وضع موجود، و عشق و علاقه به وضعیت بهتر پس کسانی که در انتظارند، اگر در ادعای خود صادق باشند، باید آثار مثبت و سازنده آن در رفتارشان مشاهده شود. رهبر معظم انقلاب درباره آثار و ابعاد مثبت و منفی انتظار، می‌فرماید:

این که در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال امت، انتظار فرج است،^۱ یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه) مگر چه

^۱. ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۲: «فضل انتظار الفرج و مدح الشیعه فی زمان الغیبه و ما ینبغی فعله فی ذالک الزمان»، ص ۱۲۲ - ۱۵۰. در برخی روایات، حتی منتظران را همانند کسانی دانسته که در راه خدا در خون خود غلطیده‌اند. ر. ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۵۵، به ویژه روایت ۶.

مضمون و معنایی در بطن خود دارد که این قدر دارای فضیلت است؟ یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط اثر چندانی نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفسد را برطرف نماید. انقلاب این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را یا کمرنگ کرده و یا از بین برده است. پس به حمد الله این معنا امروز در ذهن جامعه ما نیست. اما معنای صحیح انتظار، دارای ابعادی است که توجه به این ابعاد، برای کسی که می‌داند در فرهنگ اسلام و شیعه، چقدر به انتظار اهمیت داده شده، بسیار جالب است. یک بعد این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. انتظار داریم، یعنی هر چه خیر و عمل خوب انجام دادیم، کم و غیر کافی است و منتظریم تا ظرفیت نیکی عالم پر شود. یک بعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی اینکه تفکر الهی، این اندیشه روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است، یک روز سراسر زندگی بشر را فراخواهد گرفت. یک بعد دیگر انتظار این است که منتظر با شوق و امید حرکت بکند. انتظار ابعاد گوناگون دیگری هم دارد. ملت ما باید روح انتظار را در خود زنده کند... ۱. مهم‌ترین آثار سازنده و مثبت انتظار:

۱. انتظار؛ عامل خودسازی: انسان منتظر کسی است که به طور جدی درصدد خودسازی و کسب آمادگی روحی و اخلاقی برای ظهور مصلح جهانی باشد؛ چون برای تحقق بخشیدن به چنین اصلاح و انقلابی بزرگ، مردانی خودساخته و شایسته، مصمم، نیرومند، شکست‌ناپذیر و دارای فکر و اندیشه بلند و بینش عمیق لازم است به همین جهت انسان منتظر، انسانی خودساخته و وارسته است.

در دعای عهد، منتظر واقعی، انسان خودساخته‌ای معرفی می‌شود که آماده همراهی با امام عصر علیه‌السلام است.^۲

۱. حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۶، ص ۲۷۳ - ۲۷۴.

۲. ر. ک: مفاتیح الجنان، دعای عهد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس بخواهد در شمار منتظران حقیقی آن عدل منتظر درآید، باید پارسایی پیشه کند و به مکارم اخلاقی آراسته شود.^۱

۲. انتظار؛ عامل امیدواری و تحول اجتماعی: انتظار سازنده و صحیح، امیدبخش و تحول‌آفرین در فرد و اجتماع است. انتظار حقیقی که با اجرایی شدن الزامات یاد شده، شکل می‌گیرد، امید به آینده‌ای روشن و بانشاط و تحول‌آفرین را فراروی منتظران قرار می‌دهد. به همین دلیل، در تفکر شیعی جامعه منتظر ظهور مهدی موعود علیه السلام، جامعه‌ای پویا، امیدوار، بانشاط و بالنده بوده، دارای اهداف و افقهای روشن و با آرمانهای شورانگیز و تحول‌آفرین است.
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر کس مشتاق آن است که از اصحاب حضرت قائم باشد، باید روحیه انتظار را در خود پدید آورد و آن را تقویت کند و در حالی که به ظهور آن حضرت بیش از پیش چشم دوخته است، اخلاق خود را اصلاح نماید و از امور بیهوده و گناهان و آنچه به او مربوط نیست، دوری جوید و اخلاق نیک را برنامه خود قرار دهد. چنانکه در طی حرکت خود در این مسیر از دنیا رفت و حضرت ولی عصر (عج) را ندید و آن حضرت پس از درگذشت او ظهور کرد، پاداش او مانند کسی است که آن حضرت را درک کرده باشد. پس ای معتقدان و شیفتگان آن حضرت که رحمت الهی شما را فراگرفته [این دو مسئله را اساس کار خود در زندگی قرار دهید، یعنی] هم در تزکیه نفس خود بکوشید و هم حالت انتظار حقیقی را در خود ایجاد کنید. گوارا باد بر شما این لطف و رحمت خاص الهی.^۲

۳. انتظار؛ عامل بصیرت و حقیقت‌بینی: یکی از نتایج تلاش فکری مؤمن منتظر، بصیرت و آگاهی و حقیقت‌بینی و در نتیجه، مصون ماندن از انحرافات و باطل‌گرایی است.
امام صادق علیه السلام فرمود:

خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به فرمان ما تمسک جوید که در نتیجه قلب هدایت شده‌اش هرگز به سوی باطل متمایل نخواهد شد.^۳

^۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴.

^۲. مکمال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۲، ص ۳۰۵.

^۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۴. انتظار؛ عامل مقاومت و پایداری: انتظار راستین، مسلمانان و شیعیان را در برابر ظلم‌ها، فسادها، زورگویی‌ها و انواع بلاها و سختی‌های زندگی و جهاد در راه حق، مقاوم، پایدار، ثابت‌قدم، خویشتن‌دار و امیدوار می‌کند و به آنها انرژی و قدرت تحمل و پایداری در برابر سختی‌های زندگی و فشارها و تهدیدات دشمنان، اعطا می‌کند و از زبونی، سستی و ضعف و ناپایداری، دور می‌گرداند.

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیث زیر که درباره ایمان و اعتقاد شیعیان آخر الزمان، امیرمؤمنان علیه‌السلام سخن گفته است، چنین می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ وَعَلِمَ أَنَّ عَجَبَ النَّاسِ إِيْمَانًا وَعَظْمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحَجَبَ عَلَيْهِمُ الْحُجَّةَ فَاَمَنُوا بِسَوَادٍ فِي بِيَاضٍ.^۱

یا علی! شگفت‌انگیزترین مردمان از نظر ایمان و والاترین آنان از نظر یقین، کسانی‌اند که در آخر الزمان زندگی می‌کنند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را درک نکرده‌اند و حجت خدا از آنها پنهان گردیده است. و آنان به مرگب سیاه روی کاغذ سفید (نوشته‌های روی کاغذ) ایمان آورده‌اند!

آن حضرت در روایت دیگری، استقامت هر یک از آنها در دین خود را بسیار ستوده و به کندن خارهای «گون» در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته، تشبیه کرده و از آن سخت‌تر و شدیدتر دانسته، که از فتنه‌های تیره و تار مصون خواهند ماند.^۲

۵. انتظار؛ دعوت‌کننده به حماسه و ستم‌ستیزی: انتظار در حقیقت دعوت به حماسه‌آفرینی و ظلم‌ستیزی است نه تسلیم و ایستایی؛ مقابله با باطل، ظلم، بردگی و ذلت. انتظار دعوت به حماسه و قیام و اقدام است. اگر انسان منتظر آمدن شخصی است که بر پا کننده عدالت در سطح کلّ جامعه و کره زمین است، بدان معناست که انسان مؤمن منتظر به مسأله عدالت و قسط ایمان دارد، و هر شخصی که اعتقاد و ایمان به مسأله‌ای دارد طبیعتاً در مقابل آن احساس وظیفه کرده و التزام دارد، و هرگز در برابر سلطان جائر و ظالم سر تسلیم فرود نمی‌آورد.

مهم‌ترین عامل پایداری، روح حماسی و تسلیم‌ناپذیری پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در طول تاریخ و به ویژه امروز در عصر انقلاب اسلامی ایران در برابر استکبار جهانی آمریکا، از همین فرهنگ بالنده انتظار مصلح عدل‌گستر - و فرهنگ بالنده و حماسی عاشورای حسینی - نشأت

^۱. همان، ص ۱۲۵، ح ۱۲.

^۲. همان، ص ۱۲۴، ح ۸. در دنباله روایت مزبور، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این افراد را برادران خود خوانده است.

گرفته است. این حقیقتی است که حتی دشمنان شکست خورده مکتب تشیع و انقلاب اسلامی برآمده از آن نیز به آن اعتراف کرده‌اند.^۱

بالتذکی فرهنگ انتظار - همچون فرهنگ بالنده جهادی عاشورایی - در «عدل گستری» و «ظلم ستیزی» مصلح جهانی اسلام نهفته است.

در زیارت‌نامه امام زمان علیه‌السلام می‌خوانیم:

اَلْسَّلَامُ عَلَی الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمَشْتَهَرِ.^۲

سلام بر امام قائم منتظر (منتظر فرمان الهی برای قیام و ظهور) و سلطان عادل مشهور. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِّنْ اَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِي اِسْمَهُ اِسْمِي وَ خُلِقَهُ خُلُقِي فَيَمْلَاها عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.^۳

مردی از اهل بیت من قیام می‌کند که نامش نام من و خلقش خلق من است. پس زمین را از عدل و قسط پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم و جور پر شده بود.

۶. انتظار؛ عامل کسب آمادگی رزمی: انتظار سازنده واقعی، این اثر بزرگ را دربردارد که موجب کسب آمادگی همه‌جانبه منتظران به ویژه آمادگی رزمی و نظامی آنان می‌شود. بدون تردید، ظهور و قیام حضرت مهدی علیه‌السلام با جنگ‌هایی همراه خواهد بود؛ زیرا قدرت‌های ستمگر با مشکل‌آفرینی در راه حکومت جهانی آن حضرت، او را ناچار می‌سازند تا دست به سلاح ببرد؛ چنان‌که در روایات از «قیام بن سیف»، یاد شده که اشاره به همین مسئله است.

به همین دلیل، یاران و منتظران امام زمان (عج) باید در عالی‌ترین وضعیت رزمی قرار گیرند تا بتوانند از عهده نبرد با دشمنان برآیند. تحصیل و تهیه فن‌آوری مدرن تسلیحاتی، فراهم کردن تجهیزات کافی نظامی، آموزشی و سازماندهی نیرو در حد عالی، حفظ روحیه و آمادگی رزمی و نظامی، رهاورد انتظار سازنده است؛ چنان‌که درج آیه «وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^۴ در آرم

^۱. در کنفرانس تل‌آویو پایتخت رژیم اشغالگر قدس در دسامبر ۱۹۸۴ (۱۳۶۵ ش) در دانشکده تاریخ دانشگاه تل‌آویو که درباره رمز بالندگی و ماندگاری مکتب تشیع تشکیل شده است، پس از چند روز بحث و بررسی، بر دو مفهوم و فرهنگ محوری اتفاق نظر پیدا کردند: ۱. مفهوم مهدویت و فرهنگ سبز انتظار ۲. مفهوم جهاد و شهادت برخاسته از فرهنگ سرخ عاشورای حسینی. (به نقل از دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر، علی‌اصغر رضوانی، ص ۲۳-۲۶).

^۲. مفاتیح الجنان عربی، تعریب محمدرضا نوری نجفی، ص ۵۳۰.

^۳. منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۱۴۷.

^۴. در برابر آنها دشمنان آنچه توانایی دارید از «نیرو» آماده کنید. (انفال: ۶۰)

مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گویای انتظار سازنده در کارکنان این نهاد مقدس انقلاب است. امام صادق علیه‌السلام نیز در این زمینه فرمود:
باید هر کدام از شما برای قیام حضرت مهدی سلاح تهیه کنید، هر چند یک تیر (یا نیزه) باشد؛ چون وقتی خداوند از قصد چنین فردی آگاه شود، امید است عمر او را دراز کند تا زمان ظهور را درک کند و از یاوران مهدی (عج) باشد.^۱

پرسش

۱. معنای درست انتظار فرج چیست؟ بیان کنید.
۲. در دعای عهد، منتظر ظهور چگونه ترسیم شده است؟
۳. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در گفت‌وگو با امیر مؤمنان علیه‌السلام، شیعیان آخر الزمان را چگونه معرفی می‌کند؟
۴. انتظار سازنده چرا و چگونه عامل پایداری و تسلیم ناپذیری منتظران می‌شود؟
۵. چگونه انتظار عامل کسب آمادگی رزمی می‌شود؟ به اختصار بیان کنید.

^۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

درس دوم : مهدویت و تقید به الزامات انتظار فرج

اهداف درس:

از فراگیر انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس:

۱. مفهوم مهدویت و مفهوم تقید به الزامات فرج را بداند.
۲. اشتیاق و علاقه‌اش نسبت به مسئله مهدویت و ظهور امام زمان (عج) افزایش یافته و اعتقاد نسبت به آن نیز تقویت شود.
۳. پایبندی نسبت به الزامات انتظار فرج در عمل بیشتر گردد.

مفهوم مهدویت

«مهدویت» اندیشه و اعتقادی است که آینده انسان را ترسیم می‌کند و افق روشنی از آن ارائه می‌کند. اندیشه مهدویت به معنای اعتقاد به ظهور منجی و مصلح بزرگ جهانی، اعتقاد مشترک همه ادیان و مکاتب است و هر دین و مکتبی به تناسب فرهنگ دینی و مذهبی خود از منجی موعود یاد کرده است.^۱

مسلمانان با هر مذهب و مرامی با وجود اختلافات مذهبی، در مسئله مهدویت و ظهور «مهدی موعود» از نسل فاطمه زهرا علیهاالسلام به سبب وجود روایات متواتر^۲ اتفاق نظر دارند؛ تا جایی که منکر مهدی موعود را از آیین مسلمانی خارج می‌دانند. به عنوان نمونه، در منابع اهل سنت از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که فرمود:

^۱. ر. ک: بررسی نظریه‌های نجات و مبانی مهدویت مجموعه مقالات، ج ۲، ص ۱۵۵ - ۱۹۰؛ ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۱۶ - ۱۸؛ کتاب مقدس، عهد عتیق (= تورات)، کتاب اشعیا، نبی، باب ۲، بند ۷-۸، باب ۱۱، بندهای ۱ - ۱۰ و... و عهد جدید (اناجیل اربعه)، انجیل لوقا، باب ۱۲، بند ۳۵ - ۳۶ و انجیل متی، باب ۲۴ و... .

^۲. ر. ک: منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، لطف‌الله صافی، به ویژه ص ۱ - ۱۷۸؛ الامام المهدی عند اهل السنه، مهدی فقیه ایمانی، دانشمندان عامه و مهدی موعود، علی دوانی.

مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ^۱.

هر کس مهدی را انکار کند به راستی کافر است.

اما اندیشه مهدویت در مذهب شیعه دوازده‌امامی از میان مذاهب اسلامی، به دو دلیل مهم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، دیدگاه منحصر به فرد است؛ اول به دلیل جایگاه اعتقادی مسئله مهدویت است. شیعه معتقد است مهدی موعود همان دوازدهمین امام و وصی به حق پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله است و امامت در فرهنگ دینی - اعتقادی شیعه، جزو اصول دینی - مذهبی بوده، امامت تداوم رسالت و نبوت است. امام رضا علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:

امامت، منزلت انبیا و وارث اوصیاست. امامت خلافت خداوند و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیر مؤمنان علیه‌السلام و میراث حسن و حسین علیهما‌السلام است. امامت، زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنان و ریشه اسلام رشد دهنده است...^۲

دوم اینکه طرح مسئله مهدویت در شیعه از صراحت، شفافیت و جامعیت بسیار بیشتر و بهترین برخوردار است؛ زیرا مذهب شیعه مانند سایر مذاهب، ادیان و مکاتب به ذکر کلیاتی درباره موعود آخر الزمان بسنده نکرده است، بلکه پا را فراتر گذاشته و به ذکر مصداق خارجی موعود پرداخته و همه ابعاد وجودی و زوایای شخصیتی او را شرح داده است و نیز چگونگی ظهور و تشکیل حکومت واحد جهانی توسط آن حضرت را به خوبی تبیین کرده است.^۳

به عنوان نمونه، به دو روایت از روایات معتبر درباره مهدی موعود مورد انتظار شیعی، اشاره می‌شود:

- امام جواد علیه‌السلام به عبدالعظیم حسنی فرمود:

^۱ . عقد الدرر، یوسف بن یحیی المقدس الشافعی، ص ۱۵۷، به نقل از روزگار رهایی، کامل سلیمان، ج ۱، ص ۱۵.

^۲ . اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

^۳ . درباره مهدویت و مهدی موعود شیعی، در طول تاریخ غیبت امام زمان عج تاکنون، صدها و بلکه هزاران کتاب روایی، رجال، تاریخی و... به زبانهای مختلف نوشته است. از جمله: ۱. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، نجم الثاقب (در زندگی حضرت مهدی (ع))، میرزا حسین نوری؛ بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، جلد سیزدهم رحلی قدیم و مجلدات ۵۱، ۵۲ و ۵۳ چاپ جدید؛ الامام المهدی من المهد الی الظهور، سید کاظم قزوینی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، لطف‌الله صافی گلپایگانی؛ امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی؛ نوائب الدهور فی علائم الظهور، مجلدات ۱ - ۴، سید حسین میرجهانی طباطبایی؛ ما بعد الظهور، محمد صدر؛ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه‌السلام، ۲ جلدی، میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی؛ موعودشناسی، علی اصغر رضوانی؛ امام مهدی عج موجود موعود، عبدالله جوادی آملی.

قائم ما همان مهدی منتظر است که در زمان غیبت باید در انتظارش بود و در زمان ظهور باید اطاعتش کرد. او سومین فرزند من (از سلسله جلیله امامت) است سوگند به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برگزید و امامت را ویژه خاندان ما قرار داد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می کند تا مهدی ظاهر شود و زمین را از عدل و داد پر کند، چنانکه از ظلم و جور پر شده است. خداوند متعال کار وی را یک شبه اصلاح می کند؛ چنانکه کار موسی کلیم الله را در یک شب اصلاح کرد: او رفت تا برای همسرش آتش بیاورد، ولی با منصب نبوت و رسالت برگشت.^۱ (سپس فرمود): بهترین اعمال شیعیان ما، انتظار ظهور و قیام اوست.^۲

- امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند در مسجد الحرام، رو به کعبه و پشت به مقام ابراهیم می ایستد و دو رکعت نماز می گزارد، آن گاه فریاد برآورد: ای مردم! منم یادگار آدم، یادگار نوح، یادگار ابراهیم، یادگار اسماعیل... منم یادگار موسی، عیسی، محمد(ص)... منم یادگار پیامبران... منم وارث آدم و گزیده نوح و خلاصه ابراهیم و عصاره محمد(ص)، منم صاحب قرآن و زنده کننده سنت.^۳

مفهوم تقید به الزامات انتظار فرج

مراد از «تقید» روشن است و آن پایبندی عملی یا التزام عملی به کاری و تن دادن به الزامات عقیده و ایمان به چیزی را گویند و در اینجا منظور پایبندی عملی به لوازم اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و انتظار فرج اوست.

مؤمن و مقید بودن به لوازم اعتقاد به انتظار ظهور و فرج امام زمان علیه السلام صرف باور قلبی و لقلقه زبانی نیست بلکه مؤمن و متعهد به انجام الزامات آن نیز هست؛ زیرا ایمان و اعتقاد به مهدویت و ظهور مهدی موعود علیه السلام بخشی از ایمان و اعتقاد به اصول دین و مذهب است، و ایمان و اعتقاد راستین در قرآن پیوسته با التزام عملی آمده است. به عنوان نمونه، قرآن می فرماید:

وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا

^۱. به آیات ۱۰-۱۳ از سوره مبارکه طه اشاره دارد که شرح این ماجراست.

^۲. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۷۷.

^۳. ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹ و ج ۵۲، ص ۳۰۵ و ۳۱۵ و ج ۵۳، ص ۹.

بِالصَّبْرِ. (عصر: ۱ - ۳)

سوگند به عصر (و زمان) که انسانها همه در زیان و خسرانند؛ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند؛ و یکدیگر را به حق سفارش کرده و به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند.

در روایات نیز همراهی ایمان و عمل و پایبندی به الزامات ایمان، به روشنی بیان شده است؛ به عنوان نمونه، امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

الْإِيمَانُ لُهُ أَرْبَعَةٌ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ تَفْوِضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ وَالرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.^۱

ایمان دارای چهار رکن است: توکل به خدا، واگذاشتن کارها به خدا، رضا به قضای الهی، تسلیم اوامر (و نواهی) خدای عزوجل شدن.

رکن چهارم ایمان «والتسلیم لامر الله»، گستره‌اش آن چنان است که همه الزامات ایمان را دربرمی‌گیرد. با این بیان، همه بایدها و نبایدهای دینی و مذهبی جزو الزامات انتظار فرج نیز شمرده می‌شوند؛ زیرا منتظران واقعی فرج امام زمان علیه‌السلام، مؤمنانی هستند که در حد توان خویش به همه معتقدات دینی و فروع علمی ملتزم باشند.

اما مراد از الزامات دینی و مذهبی در اصول و فروع - که در این درس به عنوان «الزامات انتظار فرج» مطرح است - الزامات خاص است که در ارتباط تنگاتنگ و نزدیک با مسئله انتظار و ظهور امام زمان علیه‌السلام باشد.

برخی از این الزامات در منابع دینی و روایی، به شرح زیر است:

- ایمان راسخ توأم با معرفت به امامت امام و حتمیت ظهورش

پیامبر و ائمه علیهم‌السلام، فرمودند:

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.^۲

در اندیشه تشیع، حتی شک و تردید به وجود امام عصر علیه‌السلام نیز به عنوان گناهی بزرگ شمرده می‌شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

^۱. اصول کافی، ج ۲، باب خصال المؤمن، ص ۷۴.

^۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۷؛ بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۸.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَهَى الشَّيْعَةَ عَنِ الشَّكِّ فِي حُجَّةِ اللَّهِ تَعَالَى، أَوْ أَنْ يَظُنُّوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى
يُخْلِى أَرْضَهُ مِنْهَا طَرْفَةَ عَيْنٍ.^۱

خداوند متعال شیعیان را از شک و تردید در حجت خود نهی کرده است و نیز نهی کرده از اینکه گمان کنند که خداوند زمین را یک چشم بر هم زدن از حجت خالی می‌گرداند. امام علی بن حسین علیه‌السلام نیز مردمان منتظر زمان غیبت ولی عصر علیه‌السلام را آن‌گونه معرفی کرده که در پرتو ایمان راسخ و با معرفت به امامت و ظهور امام زمان علیه‌السلام، برترین مردم همه زمانها شمرده می‌شوند!^۲

- چشم به راه ظهور امام زمان (عج) و امیدوار

امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود:

منتظر فرج و گشایش باشید و از رحمت خدا ناامید نگردید؛ چراکه محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند، انتظار فرج است.^۳

- ایجاد آمادگی در خود و محیط

آمادگی عمدتاً در دو بعد اخلاقی و نظامی نمود پیدا می‌کند؛ تلاش برای اصلاح خود و کسب تقوا^۴ و نیز کسب آمادگی رزمی و نظامی.^۵

- صبر و شکیبایی در راه انتظار

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

پارسایی، از دین ائمه علیه‌السلام است و انتظار با صبر و شکیبایی.^۶

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۲۴.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲ و ۱۴۳-۱۴۴.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۹۴.

۴. ر. ک: مکمال المکارم، ج ۲، ص ۳۰۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۵. ر. ک: غیبت نعمانی، ص ۳۲۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۶. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

- ولایت‌مداری

امام علی بن حسین علیه‌السلام فرمود:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَوَلَّيْتَنِي فِي غَيْبِهِ قَائِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ
وَأُحُدٍ.^۱

هر کس در زمان غیبت قائم ما بر دوستی و ولایت‌پذیری ما ثابت‌قدم بماند، خدای عزوجل به او پاداش هزار شهید بدر و احد را می‌دهد.

- پیوند با ولایت ائمه علیهم‌السلام و استمرار آن از راه پیروی از فقها و ولایت فقیه

امام عصر علیه‌السلام در توقیع شریفش مرقوم فرمود:

و اما در رخدادها (ی سیاسی، اجتماعی و...) به راویان حدیث ما [= فقهای واجد شرایط] رجوع کنید؛ زیرا آنها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم.^۲

- دعا برای تعجیل در فرج و تسریع در ظهورش

امام عصر علیه‌السلام:

برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید؛ چرا که فرج شما همان است.^۳

توسل و ارتباط با آن حضرت برای تقویت و تحکیم پیوند با او و حل مشکلاتمان.

- تعیین نکردن وقت ظهور و تکذیب تعیین‌کنندگان وقت ظهور.^۴

- انجام کارهایی که موجب خشنودی و نشاط آن حضرت می‌شود و نیز پرهیز از

کارهایی که رنجش خاطر و اندوه او را در پی دارد.

از جمله: پرهیز از گناهان، ستم به دیگران، در خط ولایت باقی ماندن، کسب بصیرت و دانش،

خدمت به مردم، حضور در جلسات مذهبی و...^۵

^۱. همان، ص ۱۲۵.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱؛ ر. ک: کتاب البیع، امام خمینی، ج ۲، ص ۴۷۴ - ۴۷۸.

^۳. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۷۶.

^۴. ر. ک: مکمال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۰ - ۳۴۰.

^۵. ر. ک: همان، ص ۳۰۵ - ۳۰۸.

پرسش

۱. مهدویت را معنا کنید.
۲. چرا طرح مسئله مهدویت در شیعه از بالندگی بیشتری برخوردار است؟
۳. مراد از تقید به الزامات انتظار فرج چیست؟
۴. الزامات انتظار فرج را فقط نام ببرید.
۵. ولایتمداری در عصر غیبت تحقق می‌یابد؟

درس سوم: تقویت و حمایت همه‌جانبه از ولایت فقیه

(به عنوان نیابت امام زمان (عج))

اهداف درس

از فراگیر انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس:

۱. چگونگی استمرار ولایت ائمه علیهم‌السلام در عصر غیبت را تبیین کند.
۲. نسبت به جایگاه دینی - اعتقادی ولایت فقیه باور بیشتری پیدا کند.
۳. به تقویت و حمایت همه‌جانبه از ولایت فقیه معتقد شود.
۴. به ولایت فقیه التزام عملی بیشتری پیدا کند.

ولایت فقیه؛ استمرار ولایت ائمه (علیهم‌السلام)

بر اساس تفکر اسلام ناب برآمده از آیات و روایات، ولایت و امامت ائمه علیهم‌السلام در عصر غیبت حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه‌السلام نیز تداوم دارد و به موازات آن، ولایتمداری راستین که از شاخص‌های مهم شیعه بودن و نشانه‌های مهم پیروان ائمه علیهم‌السلام در همه زمان‌ها به ویژه در عصر ماست، نیز باید در عمل اتفاق بیفتد و شیعیان کنونی هم ولایتمداری خود را به منصفه ظهور بیاورند. در عصر کنونی راه بروز ولایتمداری این است که به ولایت فقیهان واجد شرایط تن داده، از آنها پیروی کنیم.

این، حقیقتی است که خود ائمه علیهم‌السلام در سخنانشان تصریح کرده‌اند و از راه بیان ویژگی‌ها و صفات افراد شایسته نیابت امام معصوم پیروان خویش را به پیروی از آنها فراخوانده‌اند امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

هر کس از شما (شیعیان) که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما نظر می‌افکند و احکام ما را می‌فهمد [از قدرت استنباط و اجتهاد در فهم احکام برخوردار است]، پس

باید به داوری و حکم او راضی شوید [و تسلیم اوامر و نواهی‌اش گردید]. همانا من او را حاکم و ولی شما قرار دادم. پس اگر او طبق دستور ما حکم داد و یکی از آنها (طرفین دادخواه) نپذیرفت، حکم خدا را سبک شمرد. و ما را رد کرده است، و ردکننده ما ردکننده خداست و این (رد خدا) در حد شرک به خداست.^۱

و نیز امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمود:

... فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ...^۲

اما از میان فقها [آنانی که علاوه بر ویژگی مهم فقه و فقاہت] از صیانت نفس برخوردارند، حافظ دین [از هرگونه انحراف] هستند، مخالف هوا و هوسند، مطیع اوامر مولای خود (خدا، پیامبر و ائمه علیهم‌السلام) می‌باشند، بر عموم مردم واجب است از چنین فقیهی در [مسائل دینی] تقلید کنند.

این روایت، پیوند با ولایت و امامت ائمه علیهم‌السلام را در پیروی از فقیهان واجد شرایط دانسته است. تردیدی نیست که از مصادیق روشن چنین فقیهانی، ولی فقیه واجد بر جامعه اسلامی است.

امام عصر علیه‌السلام نیز در توقیع شریفش می‌فرماید:

وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^۳

و اما در رخدادها [ای سیاسی، اجتماعی و...] به روایان حدیث ما (فقهای واجد شرایط) رجوع کنید؛ زیرا آنها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم.

امام زمان علیه‌السلام در این توقیع شریف «روایان حدیث» را بدون واسطه، «حجت خویش» و با واسطه «حجت الهی» خوانده است. روشن است که عالمان دینی و روایان احادیث معصومان علیهم‌السلام در جایگاه حجت الهی، همچون خود ائمه علیهم‌السلام، رسالتی بس فراتر از بیان احکام فقهی دارند و باید در همه امور سیاسی - اجتماعی و تمام مسائلی که در سرنوشت مسلمانان و جامعه اسلامی نقش دارد، دخالت کرده، به حل و فصل آنها بپردازند.^۴

^۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۹۹.

^۲. همان، ص ۹۵.

^۳. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

^۴. ر. ک: کتاب البیع، امام خمینی، ج ۲، ص ۴۷۴ - ۴۷۸؛ همو، ولایت فقیه، ص ۶۷ - ۷۱.

بنابراین، اعتقاد به تداوم ولایت و امامت ائمه علیهم‌السلام در عصر غیبت با اعتقاد به ولایت فقیه واجد شرایط رهبری و با التزام عملی به فرامین او تداوم می‌یابد.

اکنون که به لطف خدا در پرتو انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، نظام ولایی «جمهوری اسلامی» بر پا شده و ولایت فقیه در محور و مرکز آن قرار گرفته است، همه مسلمانان و شیعیان معتقد به امامت و ولایت ائمه علیهم‌السلام به ویژه کارکنان شریف سپاه پاسداران باید به ولایت فقیه معتقد و ملتزم شوند و در این راستا باید به ولایت و حکومت سگّان‌دار ولایت فقیه پس از امام راحل یعنی مقام معظم رهبری در عقیده و عمل ملتزم شوند و به تقویت و حمایت همه‌جانبه از او، به عنوان نایب امام زمان علیه‌السلام و تداوم‌بخش ولایت امامان علیهم‌السلام، بپردازند.

روشن است که تقویت و حمایت همه‌جانبه از ولایت فقیه جز از راه التزام عملی به فرامین ولی فقیه میسر نمی‌شود. اینک راه‌های التزام عملی به ولایت - که تقویت و حمایت همه‌جانبه از او را در پی دارد - بیان می‌شود.

التزام عملی به ولایت فقیه

منظور از التزام عملی به ولایت فقیه، متعهد شدن به آن و پذیرفتن لوازم آن در مقام عمل است؛ ولی فقیه قطب‌نمای هدایت جامعه است که باید با سرانگشت اشاره او حرکت و موضع‌گیری کرد؛ به گونه‌ای که انسان هر جا قدم می‌نهد در راستای کمک به آرمانها، منویات و تدابیر ولی فقیه باشد و در رفتار فردی و اجتماعی خویش کوچک‌ترین زاویه‌ای با نظام ولایی نداشته باشد و به هر چه رهبر و مقتدایش می‌گوید و اشاره می‌کند، متعهد و پایبند باشد. مهم‌ترین نشانه‌های التزام عملی به شرح زیر است: ۱

. تسلیم قلبی

تسلیم عملی مشروط به تسلیم قلبی و از روی اعتقاد و اخلاص است. قرآن کریم در معرفی مؤمنان واقعی می‌فرماید:

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا. (نساء: ۶۵)

به پروردگارت سوگند که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف

است داور قرار دهند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای، در دل‌هایشان (حتی اندکی) احساس ناراحتی (و تردید) نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند.

نمونه عینی تسلیم قلبی در برابر فرامین ولی امر و مقتدای خویش در زندگی افتخارآمیز شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی مشاهده می‌شود. «شهادت صفت‌الله مقدم» در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد:

رهبر عزیز! لحظه نمایان شدنت را در برابر سربازانت در حسینیه جماران به یاد می‌آورم، آن چهره معصوم و عاشقانه‌ات در نظرم تکرار می‌شود، نمی‌توانم خود را کنترل کنم، امام عزیزتر از جانم! در برابر عظمتت، در برابر ندای به حقّت، هیچ ندارم به جز جان بی‌ارزشی که امیدوارم به آن بزرگواریت این هدیه ناقابل را قبول فرموده، مرا شرمسار نمایی!^۱
این شهیدان با نثار جان خویش، حمایت همه‌جانبه از ولایت فقیه را به بهترین شکل ممکن انجام داده‌اند.

۲. پرهیز از گزینشی عمل کردن

التزام عملی و حمایت همه‌جانبه از ولی فقیه زمانی محقق می‌شود که انسان در برابر فرامین، رهنمودها، تدابیر و انتظارات ولی امر گزینشی عمل نکند. این‌طور نباشد که هر جا با سلیقه و هواهای خود هماهنگ ببیند آن را تابلو کند و درباره آن مانور دهد، و آنجا که بر وفق مرادش نباشد، پشت گوش بیندازد و از انجام سرباز زند. برخورد گزینشی با فرامین ولی فقیه، از نظر دینی و قرآنی محکوم است؛ چنان‌که قرآن کریم، برخورد گزینشی با مسائل دینی - ایمانی را شیوه عمل کفار اعلام کرده و آن را مطرود و بی‌ارزش دانسته است:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا. (نساء: ۱۵۰)

کسانی که خدا و پیامبران، او را انکار می‌کنند و می‌خواهند میان این دو، راهی برای خود برگزینند.

۳. پرهیز از توجیه‌گری

توجیه دستورهایی ولی امر به نفع خود و حزب و گروه خود، با التزام عملی همخوانی ندارد.

^۱. حدیث ماندگار، محمدرضا رحیمی، ص ۴۸.

حمایت همه‌جانبه از ولایت فقیه مشروط به تمکین در برابر دستورهای ولی فقیه است. مدعی ولایت‌پذیری نباید با قرائتی جداگانه به تحریف سخنان و رهنمودهای ولیّ امر خویش اقدام کند. امام صادق علیه‌السلام در برابر افرادی که سخنانش را به نفع خود و حزب و گروه خود توجیه کرده، آن را از محتوای اصلی و مورد نظر امام علیه‌السلام منحرف می‌ساختند، چنین موضع‌گیری کرد:

گروهی می‌پندارند که من امام آنها هستم. به خدا سوگند، من امام آنها نیستم؛ خدایشان لعنت کند، هر چه را من پنهان می‌کنم آنان افشا می‌کنند. من سخنی می‌گویم، آنها [سخنانم را توجیه می‌کنند و] می‌گویند مقصود امام چنین و چنان است. من [امام آنها نیستم، بلکه] تنها امام کسانی هستم که از من فرمان می‌برند [و با توجیه و تفسیر از زیر بار آن شانه خالی نمی‌کنند].^۱

توجیه سخنان و فرامین رهبران دینی در رخدادهایی چون جنگ‌هایی که بر سه امام نخست شیعیان تحمیل شد، به روشنی قابل مشاهده است، به همین دلیل یکی از مهم‌ترین علل شکست ظاهری ائمه علیهم‌السلام در این جنگ‌ها را همین توجیه‌گری پیروانشان در عدم همراهی با ائمه علیهم‌السلام دانست. بدینسان رمز موفقیت امام راحل در رهبری انقلاب اسلامی و پس از او موفقیت خلف صالحش حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای در رهبری جامعه اسلامی را باید در پیروی کامل امت مسلمان ایران به ویژه فرزندان مجاهدشان در سپاه پاسداران دانست.

این، حقیقتی است که خود حضرت امام رحمه‌الله به آن تصریح کردند و فرمودند: من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم از شما بر نمی‌گردد. اگر سپاه نبود کشور هم نبود. من سپاه پاسداران را بسیار عزیز و گرامی می‌دارم. چشم من به شماست، شما هیچ سابقه‌ای جز سابقه اسلامی ندارید...^۲

۴. همراهی و حمایت همه‌جانبه

همراهی و حمایت ولی فقیه، زمانی به نقطه کمال و ایده‌آل می‌رسد که همه‌جانبه بوده و تمام عرصه‌های زندگی در صحنه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و... را دربرگیرد؛ آنجا که نیازمند است در رفتار عملی همراهی کند کوتاهی نکند، آنجا که دفاع و حمایت زبانی لازم است دریغ

^۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۰.

^۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۱۴.

نورزد و آنجا که مبارزه رو در رو با دشمن و جانفشانی نیاز است، بی‌درنگ اقدام نماید.

قرآن کریم، مؤمنان مسلمان را به الگوگیری از «حواریون» فرامی‌خواند و می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید یاران خدا باشید، همان‌گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: چه کسانی مرا در راه خدا یاری می‌کنند؟ حواریون گفتند: ما یاوران خدا هستیم. (صف: ۱۴)
امام صادق علیه‌السلام فرمود:

شیعیان ما حواریون ما هستند و اطاعت حواریون حضرت عیسی از حواریون ما بیشتر نبود. آنان [برای تبلیغ دین خدا رفتند] اما با دشمنان حضرت عیسی نجنگیدند، ولی شیعیان از زمان رحلت پیامبر پیوسته در راه دفاع از ما در حال جنگ و نبرد بودند؛ به آتش کشیده شدند، شکنجه شدند و آواره شهرها گشتند. خداوند جزای خیرشان دهد.^۱

^۱. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۷۴.

پرسش

۱. آیا ولایت و امامت ائمه علیهم السلام در عصر غیبت تداوم دارد؟ چگونه؟
۲. توقیع شریف امام عصر علیه السلام چگونه بر ضرورت پیروی از ولایت فقیه دلالت دارد؟
۳. چگونه می توان از ولایت فقیه حمایت کرد؟
۴. چرا و چگونه تسلیم قلبی التزام عملی به ولایت شمرده می شود؟
۵. مراد حمایت و همراهی همه جانبه با ولایت فقیه چیست؟ توضیح دهید.

درس چهارم : تقویت قابلیت‌های فردی و سازمانی برای زمینه‌سازی ظهور

اهداف درس

- از فراگیر انتظار می‌رود پس از گذراندن این درس:
۱. به اهمیت انتظار و جایگاه منتظران، بیش از پیش پی ببرد.
 ۲. به تقویت قابلیت‌های فردی برای زمینه‌سازی ظهور نظیر ایمان، خودسازی، روح ایثار و جهاد و... اهتمام بیشتری ورزد.
 ۳. قابلیت‌های سازمانی خویش نظیر تعهد سازمانی، قانون‌پذیری و... را ارتقا دهد.

زمینه‌سازی ظهور

انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام مانند دیگر انقلاب‌های بزرگ جهان، بدون مقدمه و زمینه‌سازی به وجود نمی‌آید. بخشی از این زمینه‌سازی‌ها بر عهده شیعیان و پیروان آن حضرت است. کسانی که در زمره «منتظران ظهور» به شمار می‌آیند، بررسی روایات نشان می‌دهد که در عصر غیبت، تلاش برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه‌السلام، بهترین و مهم‌ترین وظیفه منتظران ظهور می‌باشد.

برای درک اهمیت و عظمت این رسالت خطیر باید دید اصل انتظار و جایگاه منتظران در منابع دینی چگونه ترسیم و تعریف شده است و قداست آن تا چه میزان است؛ چرا که میزان اعتبار و منزلت هر چیز از اهمیت، عظمت و قداست آن فهمیده می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^۱

منتظر امر (فرج) ما مانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلتیده و غوطه‌ور باشد.
مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ... ثُمَّ مَكَثَ هَنِيئَةً

^۱. اکمال‌الدین، ج ۲، باب ۵۵، روایت ۶.

ثُمَّ قَالَ: لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا كَمَنْ اسْتَشْهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.^۱

هر کس از شما بمیرد و منتظر این امر (ظهور حضرت مهدی (عج)) باشد، مانند کسی است که با حضرت قائم (عج) در خیمه‌اش باشد. (امام) سپس درنگی آرام و کوتاه کرد، پس از آن فرمود: نه! بلکه مانند کسی است که همراه او با دشمن بجنگد. سپس فرمود: نه به خدا سوگند! بلکه مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به فیض شهادت نائل شده باشد.

تردیدی نیست که جایگاه والای انتظار و منتظران، در سایه انتظار سازنده که با زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه‌السلام همراه است به دست می‌آید. زمینه‌سازی برای ظهور در شکل سازمانی و در نهاد مقدسی چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که طلایه‌دار ارزش‌مداری و پاسداری از آموزه‌های اسلامی است، با تقویت قابلیت‌های فردی و سازمانی توسط کارکنان آن محقق می‌شود.

مراد از قابلیت‌های فردی و سازمانی، همان استعدادها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های روحی و ذاتی انسان است که در پرتو انجام تکالیف دینی و تخلق به اخلاق اسلامی و فضایل معنوی، شکوفا می‌شود و انسان را به تربیت و تعالی معنوی می‌رساند و به انجام تعهدات انسانی و سازمانی توانا و متعهد می‌گرداند. در این درس به برخی از راهکارهای تقویت این قابلیت‌ها اشاره می‌کنیم.

۱) تقویت قابلیت‌های فردی

- تقویت ایمان و اعتقادات دینی: منتظر ظهور - چه در سپاه و چه در خارج از آن - اگر از ایمان و اعتقادات دینی استوار و عمیق همراه با شناخت برخوردار باشند به یقین جذب افراد یا گروه‌های منحرف و گمراه نخواهد شد و جاذبه‌های شیطانی و فریبنده گروه‌های انحرافی او را فریب نخواهد داد. به ویژه اگر شخص منتظر امام زمانش را به درستی بشناسد و به اهداف و آرمان‌های والا و مقدسش نیز آگاهانه معتقد باشد.

امام صادق علیه‌السلام شیعیان و یاران حضرت مهدی علیه‌السلام را این‌گونه توصیف می‌کند:

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، باب «فضل انتظار الفرج»: ۱۲۲ - ۱۵۰، ص ۱۲۶، روایت ۱۸.

آنان مردانی هستند که دلهاشان مانند پاره‌های آهن است و هیچ‌گونه تردیدی نسبت به ذات مقدس خداوند [و سایر معتقدات دینی] ندارند.^۱

امام سجاد علیه‌السلام نیز منتظران ظهور را این‌گونه توصیف می‌کند:

مؤمنان راستینی‌اند که امامت امام زمانشان را آن‌گونه باور دارند که برترین مردم هر زمانی شمرده می‌شوند؛ زیرا خداوند به آنان از اندیشه، فهم و معرفت آن مقداری بخشیده که غیبت امام زمان برای آنان همچون مشاهده و حضور است!^۲

۲. ارتقای کمال معنوی: خودسازی و پرهیزکاری برای ارتقای کمال معنوی، از راه ترک گناهان و کارهای حرام و انجام تکالیف و واجبات دینی، بهترین راه زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه‌السلام است؛ زیرا آن حضرت کسانی را در زمره یاران و پیروان خویش می‌پذیرند که دارای کمالات معنوی باشند.

چنانکه خود در نامه‌ای به شیخ مفید به این مسئله تصریح کرده است:

فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلًّا جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَا عَلَىٰ اِنْتِيَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ اَنَافَتْ عَلَيْكُمْ.^۳

تقوا پیشه کنید و ما را در نجات دادن خودتان از فتنه‌های فراگیری که بر شما احاطه کرده، یاری نمایید.

۳. تقویت روح صبر و پایداری: صبر و پایداری، نسخه بی‌بدیل درمانی دین برای همه فشارهای روحی و روانی، اضطراب‌ها و پریشان‌خاطریهای حاصل از دشواریها و مشکلات زندگی است و نیز عامل محرک و مؤثر در دین‌داری و سیر و سلوک بندگی است، تا جایی که از آیات و روایات به دست می‌آید بدون صبر و پایداری، پیمودن مسیر طولانی دین‌داری و رسیدن به مراتب کمال معنوی، بسیار دشوار و بلکه ناممکن است.^۴ راز این که در روایات بر صبر و پایداری در راه انتظار ظهور بسیار تأکید شده، همین است.

پس باید با قرآن همنوا شد و از خداوند صبر و پایداری را درخواست کرد:

رَبَّنَا اُفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ اُفْدَامَنَا وَاُنْصُرْنَا عَلَى الْكٰفِرِيْنَ. (بقره: ۲۵۰)

پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فروریز و گامهایمان را استوار بدار و ما را بر گروه کافران

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸. (رَجَالٌ كَانَ قُلُوْبُهُمْ زُبْرَ الْحَدِيْدِ لَا يَشُوْبُهَا شَكٌّ...)

۲. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، ج ۲، ص ۳۱۸. چاپ بیروت

۳. الاحتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷. (انتاشه من الهلكه: انقذه - اناف على الشئء: طال وارتفع عليه.)

۴. ر. کف: اصول کافی، ج ۲، کتاب الایمان والفکر، «باب الصبر»، گفتاری در باب صبر، سید خامنه‌ای.

یاری و پیروز گردان.

میان صبر و ثبات قدم به تصریح این آیه، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. امام حسن عسکری علیه السلام در نامه‌ای خطاب به ابن بابویه قمی فرمود:

بر تو باد به صبر و انتظار فرج؛ چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برترین اعمال امت من انتظار فرج است»؛ و پیوسته شیعیان ما در غم و اندوه خواهند بود تا فرزندم (مهدی (عج)) ظاهر شود، همو که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وعده فرموده که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. ای شیخ بزرگوار من! خود صبر کن و تمام شیعیانم را امر به صبر بنما...^۱

۴. تقویت روح شجاعت و ایثار و روحیه جهادی: زمینه‌سازان ظهور، باید از صفات شجاعت، ایثارگری و روحیه جهادی برخوردار باشند، تا در زمره منتظران حقیقی ظهور قرار گیرند.

قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ. (صف: ۴)

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند، گویی که بنایی آهنین‌اند!

امیر مؤمنان علیه السلام در وصف یاران و شیعیان راستینش فرمود:

آه که چه برادرانی بودند! قرآن را تلاوت می‌کردند و دریافتی ا ستوار از آن داشتند، وظیفه الهی خویش را با ژرفاندیشی اجرا می‌کردند، سنت (پیامبر صلی الله علیه و آله) را زنده ساختند و بدعت را میراندند و به دعوت جهاد، پاسخ مثبت می‌دادند و به رهبر خویش اعتماد می‌کردند و فرمانش را پیروی می‌نمودند.^۲

رهبر معظم انقلاب درباره سپاهیان مخلص و ایثارگر می‌فرماید:

... شما باید که لباس شهادت را چنین عاشقانه و معصومانه به تن کرده‌اید و با اخلاص و ایثار، جان خود را سپر بلای انقلاب، مردم و میهن خویش ساخته‌اید. در وجود شما چیزی است که از عاشقان خدا دل می‌برد و عارفان جلوه حق را بی‌تاب می‌کند. آن چنانکه امام عزیز را آرزومندانه به بیان این جمله وامی‌دارد که: «ای کاش من هم یک پاسدار بودم!»^۳

^۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۵.

^۲. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۸۱، ص ۵۹۶.

^۳. سپاه از دیدگاه مقام معظم رهبری، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۵۳-۵۴.

۵. دانش‌افزایی: یک مسلمان منتظر ظهور، باید به سلاح علم و دانش مسلح شود و در فراگیری فنون و صنایع مورد نیاز جامعه مهدوی دریغ نورزد؛ چه این که علم‌آموزی و دانش‌افزایی یکی از صفات مردان راستین الهی است.

خدای دانای حکیم به پیامبرش دستور می‌دهد:

وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا. (طه: ۱۱۴)

و بگو: پروردگارا! بر دانشم بیفزای.

رهبر فرزانه انقلاب یکی از آثار روحیه جهادی را دانش‌افزایی اعلام کرده، فرمود:
ما از اول انقلاب هر کار بزرگی که توانسته‌ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است... در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه جهادی وارد شدیم، پیش رفته‌ایم.^۱

ب) تقویت قابلیت‌های سازمانی

۱. تعهد سازمانی: تعهد سازمانی آن است که انسان خود را متعلق متعهد به سازمان بداند، به اهداف آن ایمان داشته و در راه تحقق آن از هیچ کوشش و تلاشی کوتاه نکند. انسان منتظر ظهور، بایستی به تعهدات و الزاماتی که بر گردن می‌گیرد پایبند باشد. قرآن کریم در آیات چندی مؤمن متعهد را می‌ستاید.^۲

امام زمان علیه‌السلام درباره اهمیت تعهد و مسئولیت‌پذیری مؤمنان می‌فرماید:

اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به اطاعت خویش موفق بدارد - بر ادای عهد و پیمان ما یکدل و همراه می‌شدند، هرگز سعادت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد.^۳

تعهد سازمانی در کارکنان موجب بروز خصلت‌های مثبت دیگری در آنان می‌شود که آثار و برکات فردی و سازمانی زیادی را در پی دارد. برخی از این خصلت‌ها عبارتند از: پایبندی به قوانین و مقررات، پرهیز از تخلفات سازمانی، امانت‌داری بیشتر در سازمان، حفظ بیت‌المال و امکانات سازمان، فرار نکردن از مسئولیت‌ها، ایثار در موقع لزوم، افزایش بهره‌وری سازمان،

^۱. نرم‌افزار حدیث ولایت، ویرایش دوم، ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۸۴.

^۲. ر. ک: بقره ۲، آیه ۱۷۷؛ مؤمنون (۲۳)، آیه ۸؛ اسراء (۱۷)، آیه ۳۴.

^۳. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۸ - ۴۹۹.

وجدان کاری و دلسوزی برای پیشبرد اهداف سازمان و...^۱

۲. قانون‌پذیری: منظور از قانون‌پذیری این است که کارکنان نسبت به اجرای قوانین و مقررات سازمان، دریغ و کوتاهی نکنند و بدون هیچ‌گونه توجیه و به قانون پایبند باشند زیرا بنا به فتوای حضرت امام خمینی عمل به قوانین نظام اسلامی واجب شرعی است.

رهبر معظم انقلاب در این زمینه فرمود:

مخالفت با قوانین و مقررات و دستورات دولت اسلامی که به طور مستقیم توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته... برای هیچ‌کس جایز نیست و در صورت تحقق مخالفت توسط فردی در این خصوص، دیگران حق تذکر و راهنمایی و نهی از منکر دارند.^۲ کسی حق عمل نکردن به قوانین و مقررات حاکم بر اداره‌های دولتی و عمل برخلاف آنها را ندارد...^۳

۳. نظم و انضباط: نظم در زندگی و محیط کاری، از ارزش‌های انسانی - اسلامی و از رموز کامیابی است. انسان مؤمن در زندگی براساس اصول مشخص حرکت می‌کند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، سمبل نظم و انضباط بود. در زندگی شخصی، اوقات خود را تقسیم می‌کرد و عبادت و استراحت و روابط خانوادگی و اجتماعی حضرت، بر اساس نظمی روشن، انجام می‌شد.^۴

یاران امام زمان علیه‌السلام نیز باید نظم تشکیلاتی مناسب با حکومت جهانی آن حضرت داشته باشند. با این که روابط گرمی با مردم دارند، بسان اعضای یک خانه، مانند پدر و فرزند هستند، و کارهای محوله را بر اساس اصول محکم و روشن پیش می‌برند.

۴. وجدان کاری: مراد از وجدان کاری، عشق و علاقه به کار، جدیت و صداقت در انجام دادن کار، دقت، اتقان و استحکام کار، تام و کامل انجام دادن و به اصطلاح سنگ تمام گذاشتن است. انسان باید در انجام دادن کارهایی که بر عهده گرفته است، از بی‌علاقگی، بی‌حوصلگی، کسالت،

^۱. انسان مطلوب، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۶۸۷.

^۲. اجوبه الاستفتاءات، ص ۴۸۶.

^۳. همان، ص ۴۸۵.

^۴. ر. ک: مکارم الاخلاق، رضی‌الدین طبرسی، ص ۱۱ - ۳۹؛ سنن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله، علامه طباطبایی، ترجمه حسین استاد

سستی، سهل انگاری و سر هم بندی کردن پرهیز کند و خویشتن را در برابر آنها پاسخگو بداند. وجدان کاری از ارزش های والای اسلامی است که بدان سفارش شده است.^۱

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

مَنْ بَدَلَ جُهْدَ طاقْتِهِ بَلَغَ كُنْهَ ارادَتِهِ.^۲

کسی که نهایت توان خود را به کار برد به مطلوب نهایی خویش خواهد رسید.

۵. خلاقیت و نوآوری: خلاقیت و نوآوری که رهاورد شکوفایی عقل و اندیشه بشر است، امری بسیار مبارک بوده و در آموزه های دینی بسیار مورد توجه می باشد؛ و اگر اتفاق بیفتد، دستاورد و ثمرات شیرینی نظیر پیشرفت و توسعه علوم و فنون، ترقی و تعالی مادی و معنوی برای یک ملت را به ارمغان می آورد.

کارکنان نهاد مقدس سپاه پاسداران که انشاء الله از پرچم داران نهضت ظهور و منتظران منجی موعود علیه السلام هستند، باید در خلاقیت و نوآوری در همه صحنه های علمی، فنی، نظامی پیشگام باشند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ اسْتَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَغْبُونٌ.^۳

کسی که دو روزش یکسان باشد، زیان دیده و ناکام است!

^۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۱۷.

^۲. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۶۸.

^۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶.

پرسش

۱. امام صادق (علیه السلام)، منتظران ظهور امام زمان علیه السلام را به چه کسی تشبیه کرده است؟
۲. چرا منتظران ظهور از چنین جایگاهی برخوردارند؟
۳. چگونه و از چه راههایی می توان به زمینه سازی ظهور دست یازید؟
۴. چرا و چگونه تقویت قابلیت های فردی و سازمانی، زمینه سازی ظهور شمرده می شود؟

درس پنجم: بررسی آسیب‌ها و پاسخ به شبهات مهم

اهداف درس:

- از فراگیر انتظار می‌رود، پس از گذراندن این درس:
۱. آسیب‌های مخلّ اندیشه مهدویت را برشمارد.
 ۲. به رازهای گسترش اندیشه مهدویت اسلامی - شیعی پی ببرد.
 ۳. روح ظلم‌ستیزی و مبارزه با فساد و تباهی در او تقویت شود.
 ۴. در جهت زمینه‌سازی برای ظهور و بیش از پیش به اصلاح رفتار خود پرداخته، از زشتی‌ها و گناهان دوری جوید.

آسیب‌شناسی اندیشه مهدویت

«اندیشه مهدویت» و «مهدی‌باوری» در تفکر اسلام راستین و اندیشه ناب شیعی، یکی از نقاط قوت و برتری اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله بر سایر ادیان و مذاهب شمرده می‌شود. این حقیقتی است که دشمنان این مکتب بدان اعتراف دارند.

دشمنان این مکتب و اندیشه - چه دشمنان خارج از حوزه جهان اسلام و در رأس آنها نظام سلطه جهانی و جبهه استکبار و چه دشمنان داخل حوزه اسلام مانند پیروان مذهب استعماری و انحرافی وهابیت - دست به دست هم داده‌اند و همصدا با هم و با استفاده از دستگاه اهریمنی تبلیغات رسانه‌ای و دیجیتالی بسیار پیشرفته به مبارزه با این اندیشه ناب اسلامی برخاسته‌اند، تا بلکه بتوانند در آن خللی ایجاد کرده، از گسترش آن در سطح جهان جلوگیری کنند.

در یک جمع‌بندی درباره تهاجم هدفمند دشمنان به اندیشه مهدویت اسلام و شیعه، می‌توان گفت آنها با چهار روش عمده با اعتقاد به مهدی موعود مبارزه کرده‌اند:

۱. **انکار مهدویت:** معاندان با فرهنگ مهدویت با دوگونه برخورد، به انکار مهدویت می‌پردازند: ۱ / ۱. برخی از آنها بدین‌گونه القا کرده‌اند که مهدویت مقوله‌ای وارداتی و برگرفته از ادیانی

چون یهودیت و مسیحیت است؛ برای نمونه برخی از نویسندگان داخلی^۱ مانند بسیاری از نویسندگان خارجی در دائره‌المعارف‌هایی چون دائره‌المعارف بریتانیکا و دائره‌المعارف دین و اخلاق و غیر آن چنین ادعای دروغینی را مطرح کرده‌اند.^۲

۱ / ۲. برخی دیگر، مهدویت اسلامی و شیعی را بازتاب نابسامانی‌ها و حوادث تاریک دوران مسلمانان به ویژه شیعیان اعلام داشته‌اند؛ آنان عقیده به مهدی را حاصل دوران طولانی اغتشاش و درگیری برشمرده‌اند.^۳

۲. **تحریف مقوله انتظار مهدی علیه‌السلام:** در این رویه تبلیغی، دشمنان انتظار را به معنای خویشتن‌داری، تسلیم به مقدرات و منتظر ماندن تحریف کرده، آثار و پیامدهای آن را به رکود و سکون تغییر می‌دهند. با این رویکرد، هرگونه حرکت و قیامی پیش از ظهور آن حضرت، باطل و مخالف دوران انتظار بوده، هرگونه حرکت انقلابی - اسلامی در تقابل با اهداف انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام و مخالف مفهوم انتظار است.^۴

۳. **تخریب:** دشمنان برای تخریب فرهنگ مهدویت، گونه‌های ادبی و هنری را برگزیده، اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

۱ / ۳. نیروسازی برای صفوف خود با خطرناک جلوه دادن جریان مهدویت؛

۲ / ۳. ایجاد شک، تردید و تنفر در افراد به ویژه معتقدان به مهدویت؛

۳ / ۳. برنامه‌ریزی برای نسل آینده.

به عنوان مثال، می‌توان به فیلم «پیش‌گویی‌های نوستر اداموس» اشاره کرد که هر سه هدف و بیش‌تر، هدف نخست را دنبال می‌کند. این فیلم را که کمپانی صد در صد صهیونیستی «گلدمایر» ساخته، چهره امام زمان علیه‌السلام را با تحریف و برداشت‌های خاص از پیش‌گویی‌های «نوستر اداموس»، خشن، بسیار مخرب و وحشت‌زا معرفی می‌کند و پی‌آمد حضور ایشان را جنگ‌ها،

۱. ر. ک: دیباچه رهبری، ناصرالدین صاحب زمانی، ص ۲۰۰ - ۲۰۱.

۲. مهدویت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، واحد پرسش و پاسخ مؤسسه آینده روشن پژوهشکده مهدویت، ص ۲۷۳.

۳. ر. ک: مجله مشرق موعود، شماره ۱۹، فروردین و اردیبهشت ۷۹، ص ۲۶ - ۲۸.

۴. فصلنامه علمی - تخصصی انتظار، سال دوم، شماره ۵، پائیز ۱۳۸۱، ص ۲۷۴.

جنایت‌ها و ناامنی‌ها برمی‌شمارد.^۱

۴. **شخصیت‌سازی و مهدی‌تراشی:** شخصیت‌سازی، مهدی‌تراشی و جایگزین‌سازی، روش دیگر دشمنان برای مبارزه با مهدی‌باوری اسلامی و شیعی است. ساختن شخصیت‌های کاذبی چون علی‌محمد باب، حسین‌علی‌بها در ایران، میرزا غلام‌احمد قادیانی در پاکستان، محمد بن عبدالله القحطانی در حجاز همگی یا ساخته و پرداخته استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی است یا مورد تأیید و تشویق آنها می‌باشد.^۲

اینک به برخی از پرسش‌ها و شبهات مهم پیرامون مهدویت پاسخ می‌دهیم.

پاسخ به برخی پرسش‌ها و شبهات مهم

۱. با توجه به این همه تهاجم گسترده و همه‌جانبه به اندیشه مهدویت راز گسترش روزافزون این اندیشه چیست؟

دلایل زیادی بر گسترش روزافزون اندیشه مهدویت وجود دارد. برخی از آنها عبارتند از:

الف - تأثیر انقلاب اسلامی ایران: انقلاب اسلامی ایران، بزرگ‌ترین رخداد فرهنگی - اجتماعی قرن بیستم است، انقلابی که کاملاً ماهیت دینی و اسلامی دارد و تکیه‌گاه اصلی و درون‌مایه اعتقادی آن، دو عنصر قیام سرخ عاشورایی و فرهنگ ایشار و از جان گذشتگی برآمده از آن، و انتظار سبز مهدوی برای برپایی انقلاب جهانی اسلام به دست مصلح جهانی است. روشن است انقلابی دینی با این ابعاد وسیع و ماهیت ژرف، در همه باورهای دینی و فرهنگی‌های بشری تأثیر می‌گذارد و به همه مفاهیم و آموزه‌های دینی و مذهبی از جمله مفهوم انتظار حیات و بالندگی دوباره بخشیده، تحولی بنیادین ایجاد می‌کند؛ به‌گونه‌ای که جاذبه‌های معنوی آن دل‌های تشنه معنویت و آرمانهای دینی و الهی را شیفته خود کرده، غبار تبلیغات

^۱ این فیلم استعماری که در سال ۱۹۸۲ میلادی، به صورت سریال ساخته شد، به مدت سه ماه متوالی از شبکه تلویزیونی آمریکا پخش شد. این فیلم یا سریال، سرگذشت ستاره‌شناس و پزشک فرانسوی به نام «میشل نوستراداموس» است که نزدیک به ۵۰۰ سال پیش می‌زیسته است... ر. ک: در انتظار ققنوس، سید ناصر هاشم‌العمیدی، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده، ص ۳۱۷؛ مهدویت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۲۷۴.

^۲ در انتظار ققنوس، ص ۳۱۵؛ مهدویت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۲۷۴.

مسموم مانع تأثیرگذاری آن نمی‌شود. به راستی که انقلاب اسلامی ایران، جلوه‌ای از انقلاب جهانی مهدوی است.

ب - بحران معنویت: بشر بحران زده این عصر، به دلیل تشنگی فراوان روحی برای دستیابی به جایگاهی استوار و جاوید، هر روز به سوی می‌رود؛ اما چون به سرچشمه حیات دست نمی‌یابد، به مرداب‌ها و باتلاقهایی می‌رسد که نه تنها تشنگی‌اش را نمی‌زدایند، بلکه به بیماریهای روحی و جسمی او می‌افزایند.

بنابراین، اضطراب و خستگی از اوضاع حاکم بر جهان پر از ظلم و تبعیض را می‌توان از عوامل گرایش مردم به فرهنگ عدل‌محور مهدویت و توسعه اندیشه مصلح‌جویی در جهان و به ویژه گسترش فرهنگ مهدی‌باوری در جوامع اسلامی دانست. احساس غربت و خلأهای روحی ناشی از زندگی صنعتی و ماشینی، سبب شده که انسان مجهز به تکنیک و فناوری به مذهب و آرمانهای منجی‌گرایانه و عدالت‌محور آن گرایش پیدا کرده، با آن پیوند روحی و معنوی ایجاد نماید.

ج - هدایت و عنایت پیدا و پنهان حضرت مهدی (عج): هدایت‌ها و عنایت‌های آن حضرت در طول دوران غیبت به ویژه این عصر، از مهم‌ترین عوامل گسترش فرهنگ مهدویت و مهدی‌باوری است. اثرگذاری آن حجت یگانه خدا در دوران غیبت در زندگی مردم و عنایات ویژه خداوند به مردم به یمن وجود آن حضرت، عامل مهمی در توجّه مردم به آن حضرت و گسترش مهدی‌باوری است؛ به طوری که همچون آفتاب زیر ابر، بر انسان‌ها و جامعه انسانی نورافشانی و معنویت‌افزایی می‌کند و دلها را متوجّه خود و راه و مرام مقدسش می‌نماید.

به عنوان نمونه، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

بهره و انتفاع مردم از وجود حضرت مهدی علیه‌السلام در زمان غیبت، مانند بهره بردن انسان از آفتاب است در زمانی که زیر ابر پنهان است.^۱

امام صادق علیه‌السلام نیز فرمود: «اگر زمین بدون امام بماند هر آینه فرو می‌ریزد.»^۲

^۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

^۲. کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

^۳. آثار و برکات و عنایات آن حضرت به حدی است که در این باره کتابهایی نوشته‌اند. در این زمینه از جمله به این کتابها رجوع کنید: برکات حضرت ولی عصر علیه‌السلام، سید جواد معلم؛ عنایات حضرت ولی عصر علیه‌السلام به علما و طلاب، محمدرضا باقی اصفهانی.

۲. آیا قیام و انقلاب پیش از انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام مشروع و صحیح است؟
اگر مشروع است پس چرا در برخی روایات آمده: «هر پرچم قیامی که پیش از قیام جهانی
حضرت مهدی علیه‌السلام برافراشته شود طاغوت است؟»

در این که آیا قیام و انقلاب پیش از قیام حضرت مهدی علیه‌السلام صحیح و مشروع است یا نه؟
دو نظر وجود دارد: یک نظر که عمدتاً از سوی علمای اهل سنت - و برخی از پیروان مکتب تشیع -
مطرح می‌شود، مدعی است هیچ قیام و نهضتی پیش از نهضت حضرت مهدی علیه‌السلام مشروع
نیست. در بینش اهل سنت هر کس که زمام امور مسلمانان را از هر راهی در دست گرفته و در زمره
حاکم جامعه اسلامی قرار گیرد، مصداق آیه اولی الامر (آیه ۵۹ سوره نساء) خواهد بود اطاعت او
واجب شرعی است؛ هرچند ستمگر و جنایتکار بوده، به شرب خمر، فسق و فجور آلوده باشد!^۱
اینان برای خود روایاتی هم دارند.^۲

نظر دیگر که از سوی برخی اندیشمندان عمدتاً شیعی مطرح می‌شود، درست نقطه مقابل نظر
نخست قرار دارد، اینان دیدگاه مخالفان قیام و انقلاب پیش از قیام حضرت مهدی علیه‌السلام را به
دلایل عقلی و نقلی (آیات و روایات معتبر) مردود دانسته، ناسازگاری دیدگاه آنها را با روح اسلام و
آموزه‌های آن به اثبات می‌رسانند.

اما کدام عقل سالم می‌پذیرد که حاکم ستمگر، فاسد، جنایتکار و وابسته به قدرتهای
استکباری، مصداق آیه «اولی الامر» بوده و واجب اطاعت باشد و مردم باید او را تحمل کنند و
هرگونه اعتراض و قیام علیه حکومتش نیز حرام و نامشروع شود؟! نتیجه چنین تفکری است که
حکام جور و فاسدی بر کشورهای عمدتاً عربی دهها سال حکومت کرده و با ایجاد جو خفقان و
حکومت پلیسی راه هرگونه پیشرفت علمی و آزاداندیشی را به روی ملتشان بسته‌اند!

آیات فراوان قرآن کریم نیز دستور به قیام به قسط و عدل و ظلم‌ستیزی و مبارزه با فساد و

^۱. ر. ک: شرح مقاصد، سعدالدین تفتازانی، ج ۵، ص ۲۳۳؛ احکام سلطانیه، ابوالحسن ماوردی و قاضی ابن ابی یعلی، ص ۲۰
مکتب الاعلام الاسلامی.

^۲. ر. ک: صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲.

تباهی می‌دهد.^۱ در روایات معتبر بی‌شمار نیز مردم را به مبارزه با ظلم و ستمگران فراخوانده و از سکوت و بی‌تفاوتی در برابر فساد و جنایت و سردمداران‌شان نهی کرده است.

به عنوان نمونه، امیر مؤمنان علیه‌السلام، می‌فرماید:

من بارها از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که می‌فرمود: هرگز پاک و پاکیزه نخواهد شد ملتی که حق ضعیفان و مستضعفان را از زورگویان و قدرتمندان بدون ترس (و شجاعانه) نگیرد.^۲ و نیز آن حضرت علیه‌السلام در فرمانی جاودانی به فرزندانش حسن و حسین علیهما‌السلام چنین فرمود:

كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا.^۳

(پیوسته) دشمن ستمگر و یاور مظلومان و ستمدیدگان باشید.

روشن است، قیام به قسط و عدل و ظلم‌ستیزی جز با از بین بردن ظالمان و حاکمان فاسد میسر نمی‌شود.

مضاف بر همه اینها انتظار سازنده و مثبت، تنها با قیام به انجام تکالیف دینی و اقدام برای زمینه‌سازی ظهور از یکسو و پرهیز از سکون، سکوت و بی‌تفاوتی از سوی دیگر میسر است. قیام و انقلاب علیه ظلم و ظالمان به موقع لزوم نیز از مصادیق روشن زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه‌السلام می‌باشد.

در برخی روایات نقل شده که هر قیامی قبل از قیام قائم امام مهدی (عج) باطل است و صاحب آن طاغوت می‌باشد. سؤال اصلی این است که انقلاب اسلامی را چگونه می‌توان با توجه به این گونه روایات توجیه کرد؟

در پاسخ باید گفت:

این احادیث در شرایطی صادر شده‌اند که عده‌ای از علویان و برخی از عباسیان، برای مقابله با حکومت اموی؛ با استفاده از جهل مردم، خود را مهدی موعود که پیامبر اعظم (ص) وعده ظهور او را

۱. ر. ک: نساء ۴، آیه ۱۳۵؛ مائده ۵، آیه ۸؛ ابراهیم ۱۴، آیه ۴۲؛ نحل ۱۶، آیه ۹۰؛ آل عمران ۳، آیات ۱۰۴ و ۱۱۰.

۲. نهج‌البلاغه، صبحی صالح، نامه ۵۳، ص ۴۳۹.

۳. همان، نامه ۴۷، ص ۴۲۱.

بشارت داده بود، قلمداد می کردند واز مردم برای خود، به عنوان مهدی منتظر، بیعت می گرفتند. در چنین اوضاعی «ائمه» با موضع گیری مناسب، جلوی سوءاستفاده آنان را می گرفتند. شاهد این جریان، قضیه «مهدی عباسی» یکی از خلفای ظالم عباسی است که به همین جهت لقب مهدی به خود داده و از مردم، بیعت می گرفت و نیز محمدبن عبدالله بن الحسن، معروف به نفس زکیه، به نام مهدی موعود، برای خود از مردم بیعت می گرفت و حتی از امام صادق(ع) نیز خواست که به نام مهدی آل محمد(ص) با او بیعت کند و همراه او در جنگ با بنی امیه شرکت نماید! وقتی امام صادق(ع) حاضر به بیعت با این عنوان نشد «عبدالله» پدر محمد، سخت عصبانی شد و سخنانی ناروا خطاب به امام بیان کرد. در این مناظره حضرت به عبدالله فرمود: نه پسر تو آن مهدی موعود است و نه الان وقت قیام است و اگر می خواهید برای خدا غضب کنید، امر به معروف و نهی از منکر نمایید. شما پدر محمد، شیخ ما هستی و رهبری قیام را برعهده بگیرید، ما نیز با شما بیعت می کنیم. این روایت خود دلیل بر این است که از نظر ائمه(ع) هر قیامی محکوم نبود، بلکه امام(ع) برای شرکت در قیامی که برای امر به معروف و نهی از منکر باشد، اعلام همکاری کرده بود و این گونه قیام و انقلاب را امضاء کرده و مشروع اعلام می کند.

اغلب روایات نهی از قیام که مخالفین به آنها استناد کرده اند، از این نوع روایات بوده و در چنین فضایی صادر شده اند و منع از قیام، مشروط و ناظر به افراد خاصی است و مطلق نمی باشد. از سوی دیگر اگر روایات مذکور را به معنای ظاهری و نفی مطلق همه قیام ها و مبارزات برای تشکیل حکومت بدانیم.

نتیجه آن وجوب سکوت در برابر همه ظلم ها، طاغوت ها و بی عدالتی هاست و این مخالف نص صریح آیات قرآن و روایات اهل بیت(ع) است که اسلام دین عدالت است و مردم را به عدالت و زندگی عادلانه دعوت کرده و سکوت در برابر اهل ظلم و کفر را جایز ندانسته است. در این صورت قیام امام حسین(ع) و سایر امامان معصوم در برابر ظالمان و ستمگران تنها برای آنان جایز بوده و پیروی از سیره و سنت آن بزرگواران برای دیگران جایز نیست و ما تنها موظفیم برای امام حسین(ع) و ائمه اطهار(ع) ذکر مناقب و سجایای آن ذوات مقدسه را بیان کرده و برای آن بزرگواران فقط عزاداری کنیم.

۳. با توجه به اینکه ما انسانهای معمولی محدود هستیم، چگونه می‌توانیم امام زمانی که گستره وجودی‌اش زیاد و بلکه نامحدود است را بشناسیم و از وجود او بهره ببریم؟

در آغاز باید چند نکته را خاطر نشان کنیم:

۱. امامان علیهم‌السلام از این جهت که مخلوق‌اند، محدود هستند و تنها وجود نامحدود، خداوند متعال است؛

۲. شناختن و کسب معرفت امام علیه‌السلام قطعاً ممکن است؛ زیرا اگر ممکن نبود، دین اسلام ما را به آن امر نمی‌کرد؛

۳. انسان‌ها به حسب مراتب مختلف، مقام و منزلت امام معصوم علیه‌السلام را می‌شناسند و هر چه مقام انسانها بالاتر رود، آگاهی‌شان نسبت به امام علیه‌السلام بیشتر می‌شود.

بنابراین، شناخت امام علیه‌السلام ممکن است و در طول تاریخ انسان‌های زیادی آن را تحصیل کرده‌اند؛ مانند سلمان، ابوذر، مالک اشتر، محمد بن ابی‌بکر، عمار یاسر و... که امام علی علیه‌السلام را خوب شناختند و از وجود آن حضرت بهره‌های فراوانی برده‌اند.

یاران امام حسین علیه‌السلام (شهادی کربلا) نیز امام خودشان را بسیار خوب شناختند و با پیوستن به آن حضرت و لبیک‌گویی به ندای مظلومانه‌اش، شهید و جاودانه شدند.

اکنون نیز ما می‌توانیم به حد توان فکری و درک و فهمان به مقام ائمه علیهم‌السلام به ویژه امام عصر علیه‌السلام آگاهی یافته، ایمان و اعتقادمان نسبت به آنها را تقویت کنیم.

نشانه شناخت امام علیه‌السلام، اطاعت و تسلیم است؛ اگر کسی در برابر امامش کاملاً تسلیم باشد، نشان آن است که امامش را خوب شناخته است و اگر کسی از امامان اطاعت نکند، نشان آن است که معرفتش نسبت به آنها واقعی نیست.

۴. در روایات آمده، امام زمان علیه‌السلام هنگامی ظهور می‌کند که همه جا را ظلم و فساد گرفته باشد.^۱ پس برای این که امام علیه‌السلام زودتر بیاید، تلاش کنیم تا فساد و ظلم بیشتری رواج یابد!

باید توجه داشت، اولاً مراد از پر شدن ظلم و جور در جهان، نوعی پیشگویی غیبی است،

۱. ر. ک: منتخب الاثر، لطف‌الله صافی گلپایگانی، ص ۲۴۷ - ۲۴۹.

یعنی از روند اوضاع جهان خبر داده‌اند که با این وضع سرانجامش چنین خواهد بود. ثانیاً، پر شدن جهان از ظلم و فساد به معنای آن نیست که همه انسانها ظالم و فاسد خواهند شد، تا ما نیز به جمع آنها ملحق شویم! همچنان که حکومت عدل امام زمان علیه‌السلام هم به این معنا نیست که همه انسان‌ها پاک و عادل خواهند شد و هیچ کس هیچ گناهی مرتکب نمی‌شود. ثالثاً اگر در برخی روایات معتبر، سخن از ظلم و فساد شده، در روایات دیگری هم از نیکان و یاوران فراوان امام علیه‌السلام سخن رفته است و به جمعیت‌هایی که بر ولایت آن حضرت استوار و پایدارند، بشارت داده شده است.^۱ پس حتماً افرادی از امت اسلامی - و حتی غیر مسلمانان - شایستگی هستند که زمینه‌سازان ظهور و یاوران حضرت مهدی علیه‌السلام خواهند بود. پس ما و همه شیعیان نیز باید بکوشیم تا جزو همین گروه باشیم. حضرت مهدی علیه‌السلام نیز توجه خاصی به ما دارند و ما را مورد عنایت و حمایت خود قرار می‌دهند. پس تلاش کنیم با ترک گناهان از یارانش بشویم.^۲

تفاوت دوستداران امام غائب و منتظران امام قائم

منتظران حقیقی ولیعصر(عج) که به حق عارف ولایت اولیای الهی اند از فیض (احدی الحسنین) سوره توبه آیه ۵ برخوردارند زیرا یا به دیدار و ادراک ظهور آن حضرت(ع) مفتخر می‌گردند؛ یا به منزلت کسانی می‌رسند که همراه حضرتش جهاد کرده باشند. مسلماً درجات و مراتب منتظران و یاوران آن حضرت در معرفت ایمان و انتظار ظهور او متفاوت است؛ اما بار یافتن به مقام (احدی الحسنین) به فراخور مرتبه شان بهره همگی آنان خواهد بود. امام باقر(ع) فضائل مومنان منتظر را چنین بیان می‌دارند: العارف منکم هذا الامر المنتظر له المحتسب فيه الخیر کمن جاهد و الله مع قائم آل محمد(ص) بسیفه! ثم قال: بل و الله کمن جاهد مع رسول الله (ص) بسیفه! ثم قال الثالثه: بل و الله کمن استشهد مع رسول الله (ص) فی فسطاطه و فیکم آیه من کتاب الله؛ قلت ای آیه جعلت فداک! قال: قول الله (عزوجل): (والذین امنوا بالله و رسله اولئک هم الصدیقون و الشهداء عند ربهم لهم اجرهم و نورهم) سوره حدید آیه ۱۹۰؛ ثم قال:

^۱. ر. ک: مهدویت، پژوهشکده مهدویت، ص ۲۰۰-۲۱۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲ و ۵۳.

^۲. در زمینه پرسش‌ها و شبهات پیرامون مهدویت و مهدی‌باوری و پاسخ‌های آن، ر. ک: مهدویت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، پژوهشکده مهدویت؛ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه‌السلام، سید جعفر موسوی‌نسب، دو جلدی؛ موعودشناسی، پاسخ به پرسش‌ها و شبهات، علی اصغر رضوانی.

صرتم و الله صادقین شهدا عندربکم !

اینان را قرآن کریم از مصادیق مومنان به غیبت شمرده و پیامبر عظیم الشان اسلام از آنان به نیکی یاد فرموده است : یغیب عنهم الحجه لا یسمى حتی یظهره الله فاذا عجل الله خروجه یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا؛ ثم قال (ص) : طوبی للصابرین فی غیبتہ ! طوبی للمقیمین علی محجتهم ! اولئک وصفهم الله فی کتابه فقال : (الذین یؤمنون بالغیب) سوره بقره آیه ۳. و قال (اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون) سوره مجادله آیه ۲۲.

دوست داران « امام غائب » در برابر منتظران « امام قائم »

بی شک ظهور امام عصر(عج) و ایجاد حکومت عدل مهدوی (عج) با مبارزات فراوانی همراه خواهد بود چرا که سردمداران کفر و طغیان به راحتی پیام عدالت گستر و حق محور امام عصر(عج) را برنتابیده و با حضرتش به جنگ خواهند پرداخت بنابراین قیام آن حضرت با مجاهده و ایثار و نثار آغاز خواهد گشت .

در عصر غیبت کسانی منتظر حقیقی آن حضرت اند که از سویی براساس (الذین یذکرون الله قیما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض) سوره آل عمران آیه ۱۹۱ اهل معرفت و فکر و ذکرند و با دعا و نیایش خواست و اندیشه و راز و نیاز انسی دارند و از سویی دیگر براساس لیعدن احدکم لخروج القائم ولو سهما هماره آماده جهاد شهادت حماسه ایثار و نثارند .

زاهدان و عابدانی که پیوندی با جهاد و شهادت و مبارزه ندارند خواسته یا نخواستہ دوستدار امام غائب اند نه دوستدار و منتظر امام قائم ؛ و چون آن حضرت ظهور کند چنین افرادی اولین کسانی اند که از او رخ برتابیده و دستورهای مبارزه آموز و سیرت های مخاطره آمیزش را نادرست خواهند دانست . مطلوب اینان غائب آل محمد(عج) است نه قائم آل محمد(عج) .

آنان که در کنار زهد و پارسایی در عرصه های علمی و عملی اهل میدان جهاد مبارزه و شهادت اند و خویش را برای یاری و حمایت امامشان (هرچند به آماده ساختن یک تیر) مهیا کرده اند و آماده دفاع از مرز دین و حریم قرآن و عترت اند و از غیر خدا نهراسیده و سلاح در کف اهل زمزمه و مناجات اند منتظران راستین ولی عصر و مشتاقان قائم آل محمدند.(عج) حال آن که می خواهد صدق انتظارش را بیازماید باید ببیند علاقه مند امام غائب است یا مشتاق امام قائم تا بداند منتظر حقیقی امام عصر است ؛ یا عنوان انتظار آن حضرت را به گزاف بر خود بسته است .

(امام مهدی (عج) موجود موعود اثر آیت الله جوادی آملی)

پرسش

۱. چهار روش دشمنان در مبارزه با اندیشه مهدویت اسلامی و شیعی را نام ببرید.
۲. چگونه پیشگویی‌های نواستر ادموس را در جهت مبارزه با مهدویت اسلامی به کار گرفته‌اند؟
۳. انقلاب اسلامی ایران، چگونه توانسته به ترویج فرهنگ مهدویت کمک کند؟
۴. آیا روایات مربوط به پر شدن جهان از ظلم و جور در آستانه ظهور، خود نوعی تحریک و تشویق به افزایش فساد و ظلم نیست؟ چرا؟

فهرست منابع :

۱. بررسی نظریه‌های نجات و مبانی مهدویت (مجموعه مقالات)، گروه نویسندگان، نشر دبیرخانه بررسی‌ابعاد وجودی حضرت مهدی (عج)، مهر ۱۳۸۱.
۲. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
۳. ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، کورش کبیر، تهران، آذر ۱۳۴۲.
۴. یشت‌ها (= بخش‌های مهم کتاب دینی اوستا)، ابراهیم پورداود، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۳۶ (= ۲۵۳۶).
۵. کتاب مقدس (= عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمه و نشر انجمن پخش کتب مقدس در میان ملل، ۱۳۹۱.
۶. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، لطف‌الله صافی، مکتبه الصدر، تهران، چاپ اول.
۷. دانشمندان عامه و مهدی موعود، علی دوانی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۸. الامام المهدی عند اهل السنه، مهدوی فقیه ایمانی، نشر کتابخانه امیرالمؤمنین (ع)، اصفهان، چاپ اول.
۹. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق (محمد بن علی بن حسین بابویه قمی)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ه. ق.
۱۰. الغیبه، محمد ابراهیم نعمانی، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، مکتبه نینوا.
۱۲. اصول کافی، ثقة الاسلام کلینی، بیروت.
۱۳. روزگار رهایی،
۱۴. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت.
۱۵. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی،
۱۶. کتاب البیع، امام خمینی،
۱۷. حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری،
۱۸. مفاتیح الجنان (عربی)، تعریف محمدرضا نوری نجفی، انتشارات سید الشهداء، قم.
۱۹. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (ع)، محمدتقی موسوی اصفهانی، المطبعة العلمیه، قم، طبع دوم.